

دو ماهنامه تخصصی حوزه بانک، بیمه و بورس

سال اول | شماره اول | اسفند ۱۳۹۷
صفحه ۴۸ | هزار تومان

آوازی بانک

در گفت‌وگو با محمد تقی وزیری، استاد دانشگاه کالیفرنیا
و مشاور ارشد بانک جهانی مطرح شد:

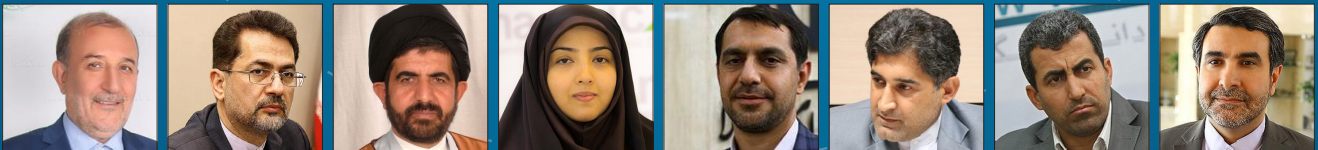
اصلاح ساختار نظام بانکی با FATF



فرصت‌های اقتصادی در سال پرابهام



دارایی نجومی بلا استفاده دولت به روایت نمایندگان مجلس





صدای بانک

پایگاه خبری - تحلیلی

صدای بانک؛ صدای رسای اقتصاد ایران

خبرهای حوزه بانک بیمه و بورس

www.sedayebank.ir

@sedayebank

بسم

- پیشرفت کشور بر اساس الگویی درون‌زا تقویت می‌شود..... ۲
- روزهای پرچالش بانک‌ها در سال آینده ۲
- نرخ سود ماه شمار، حلقه مفقوده ثبات بازار ارز ۳
- اموال مازاد بانک‌ها..... ۴
- نرخ سود سپرده کوتاه‌مدت ماه شمار شد..... ۱۰
- مار خوش خط و خال و اقتصاد ایران ۱۴
- گفت‌وگو با محمد تقی وزیری، مشاور ارشد بانک جهانی ۱۶
- بودجه ۹۸ ۱۸
- سرنوشت بانک‌ها در سال ۹۸..... ۲۵
- دارایی نجومی بلا استفاده دولت ۲۸
- آیا صنعت گردشگری ایران صنعتی بیمار است؟ ۳۲
- کشوری با منابع عظیم برای جذب گردشگر ۳۳
- گفتگو با نایب رییس اتاق بازرگانی ایران..... ۳۶
- اینترنت مسیر موثر معرفی گردشگری..... ۳۸
- گردش در تهران فقط با چند کلیک..... ۳۹
- گفتگو با اردشیر اروجی کارشناس برنامه ریزی گردشگری ۴۲
- مقابله با چالش‌های بین‌المللی..... ۴۴

چرخش چرخ‌های اقتصادی کشور با کمک بانک‌ها



نیلوفر احدیان پور
مدیرمسئول

سال ۹۷ به رغم تلاش‌های مدیران بخش دولتی، سالی پر از چالش‌ها و فراز و نشیب‌های اقتصادی بود. افزایش قیمت‌های ناشی از نوسانات ارزی باعث شد تا بخش تولید متحمل ضررهای فراوانی شود. در کنار این مسئله تعطیل شدن کارخانه‌های و واحدهای صنعتی موجب افزایش نرخ بیکاران کشور شد. از سوی دیگر کاهش قدرت خرید جامعه از دیگر اثرات فراز و نشیب‌های اقتصادی سال ۹۷ بود. با این شرایط به باور کارشناسان و پژوهشگران حوزه اقتصاد این روند رو به عقب و متزلزل در سال آینده می‌تواند ادامه داشته باشد! چرا که به نظر می‌رسد مدیران حوزه اقتصادی کشور راهکار مشخصی برای برون رفت از این زلزله مهیب ندارند.

با این حال اگر چه حال حوزه‌های متفاوت اقتصادی کشور خوب نیست اما دو بخش اقتصاد گردشگری و بانکداری می‌تواند کمک شایان توجهی به پا گرفتن این اقتصاد تضعیف شده کنند. گردشگری که به اقتصاد سبز در جهان معروف است نقطه مغفول مانده ای است که با توجه به پتانسیل‌های کشورمان می‌تواند ارز قابل توجهی را وارد کشور کند. در حال حاضر یکی از بزرگترین مشکلات اقتصادی کشور ناشی از حجم ارز مورد نیاز است که این مشکل میتواند با ورود گردشگران خارجی تا حدود زیادی مرتفع شود. از سوی دیگر توجه به اقتصاد بانکداری که ارتباط نزدیکی با تغییرات حجم پول، تورم، بیکاری و تحولات اقتصادی دارد، دارای اهمیت است. بانک‌ها که سهم به‌سزایی در چرخاندن چرخ اقتصاد دارند باید با برنامه ریزی آینده نگرانه سعی در جذب سرمایه‌های سرگردانی کنند که به بازار رفته‌اند. تجمیع سرمایه‌های سرگردان در بانک‌ها سبب می‌شود تا این بنگاه‌های اقتصادی با دست پرتری به میدان تولید و صادرات بروند. بنابراین نیاز است که در این رابطه یک بانک قابل اعتماد که سرآمد بانکداری الکترونیک است مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرد.

وجود یک بانک مناسب و قابل اعتماد در حوزه اقتصادی کشور به مانند یک داروی موثر برای سلامت مالی است. بنابراین ایجاد فرصت انتخاب یک بانک خوب می‌تواند زمینه رقابت بین بانک‌های را در پی داشته باشد که این حرکت موجب تقویت اقتصاد بانکداری می‌شود.

نشریه آوای بانک سعی دارد با یاری کارشناسان بین‌المللی و صاحب‌نظران این حوزه تمام اطلاعات لازم در این انتخاب درست را با بررسی و تجزیه اقتصاد بانکداری در اختیار شما و صنعت بانک کشور قرار دهد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: نیلوفر احدیان پور
زیر نظر شورای سردبیری
تجزیه: حسین فرجی، بابک شناسی،
ساناز کلاهدوز، احسان شمشیری،
علی درخشان، محسن شمشیری



دو ماهنامه تخصصی حوزه بانک، بیمه و بورس

استفاده از مطالب نشریه آوای بانک صرفاً در صورت ذکر منبع مجاز است.

باتشکر ویژه از: خانم فاطمه فراهانی‌راد،
آقای دکتر محمد تقی وزیری
همکاران این شماره: افسانه قانع، سحر جاویدی،
نگار فهیم، محمدصادق خسروی
ویراستار: مریم فراهانی

لیتوگرافی و چاپ: ایران کهن
نشانی: تهران، میدان سپاه، خیابان سپاه، پلاک
۱۶۳، طبقه سوم واحد ۳
تلفن: ۰۲۱ ۷۷۶۵۷۸۰۱
فاکس: ۰۲۱ ۷۷۶۵۷۸۰۰
امور مشترکین: ۰۲۱ ۷۷۶۵۷۸۰۲

نشریه آوای بانک آماده پذیرش مقالات و گزارش‌های مخاطبان است.

نرخ سود ماه شمار

حلقه مفقوده ثبات بازار ارز



کارشناسان

حوزه بانکی، توقف محاسبه سود سپرده‌های روزشمار را عاملی برای ایجاد ثبات در بازار ارز و کوتاه شدن دست دلان در این بازار می‌دانند.



احسان شمشیری

محاسبه سود حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری کوتاهمدت از بهمن ماه به جای روزشمار، براساس ماه شمار محاسبه و پرداخت می‌شود و در نتیجه این نوع حساب‌ها که در میان بانکداران به «پارکینگ پولی» شهره تبدیل شده بود، سامان یافت.

بخشی از سپرده‌های کوتاهمدت به بلندمدت منتقل شد تا همچنان سود مورد انتظار را دریافت کنند. همچنین بخشی نیز به حساب‌های جاری منتقل شد و در نتیجه موضوع حساب پشتیبان حساب جاری نیز که بخشی از سپرده‌های کوتاهمدت را تشکیل می‌داد کمتر شد. زیرا اگر سود روزشمار به سپرده کوتاهمدت تعلق نگیرد، بابت چند روز یا کمتر از یک ماه سودی تعلق نخواهد گرفت و در صورت وصول چک و کاهش حساب کوتاهمدت، به این حساب سودی بابت کمتر از یک ماه تعلق نمی‌گیرد و همین موضوع باعث می‌شود که صاحب حساب پول خود را بابت وصول چک در حساب جاری نگهداری کند.

سیاست‌های گذشته نظام بانکی باعث شده بود تا عمده منابعی که در بانک‌ها در حال گردش بودند منابع کوتاهمدت باشند، حتی منابعی که تحت عنوان بلندمدت در سیستم بانکی نگهداری می‌شدند نیز با برخی از مجوزها به کوتاهمدت تبدیل شدند و این امر به معنای آن است که اگر از این حساب‌ها برداشتی انجام می‌شد جریمه‌ای به سپرده‌گذار تعلق نمی‌گرفت و این به مفهوم این است که بانک‌ها به پارکینگ پول تبدیل شده بودند. حال بانک‌ها با تغییر سیاست‌های پولی این‌بار نه تنها از این‌بار سنگین‌رها شدند بلکه به فلسفه اصلی کارکردی خود یعنی چرخاندن چرخ بخش تولید کشور کمک می‌کنند.

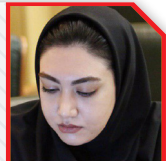
البته پارک پول در بانک‌ها این‌بار علاوه بر ضربه به بازار پول کشور، همزمان با تلاطمات اخیر بازار ارز و سکه زمینه‌ساز سفته‌بازی و به هم ریختن این بازار شد. بازاری که طی ماه‌های گذشته با سیاست‌های جدید بازارساز روی آرامش به خود دیده و از تب و تاب افتاده و هم‌اکنون برای ثبات به اجرای یک سیاست مناسب در بازار پول نیاز داشت، سیاستی که شورای پول و اعتبار با تصویب آن ثبات در بازار ارز را تضمین کرده است.

پیشرفت کشور بر اساس الگویی درون‌زا تقویت می‌شود

حسین فرجی با امروز و فردا کردن و موکول کردن آنچه باید انجام داد به فردا نه تنها زمان نمی‌خریم بلکه همه داشته‌هایمان را هم از دست می‌دهیم. نه زمان حرمتی برای تعلل‌های ما قائل است و توقف می‌کند و نه زمانه ثابت می‌ماند تا تصمیم‌های ما اجرایی شود. کلا همه چیز به نفع مان نیست وقتی خودمان نمی‌خواهیم و تلاشی نمی‌کنیم. سخت‌تر آن زمانی است عواملی خودخواسته و ناخواسته دست و پیمان را ببندد تا هر روز از زندگی کردن پشیمان شویم؛ در این شرایط هم راه‌هایی هست. همیشه راه‌هایی که نرفته‌ایم وجود دارد. منظورم میانبرها و بی‌راهه‌هایی که سرانجام اش بن بست و گم شدن باشد نیست. وضعیت امروز اقتصاد کشورمان بی‌شابهت به انسانی که دست و پا و بسته تلاش‌هایی برای تکاپو دارد

است. محدودیت‌هایی که نتیجه تحریم‌های نامشروع است و آنجایی که به نام برجام گشایشی رخ می‌دهد آنقدر چاه و چاله‌های پیشین را باید پُر کرد که سهمی برای آینده که چند روز بعدش هست نمی‌ماند. اما راه نجات صوری و نشستن از سر استیصال نیست. کلاف آنقدر بی‌سر و ته و بهم پیچیده نشده و میتوان آن را گشود. راه حل و گشایش دست خود ماست. اقتصاد عاملی مستقل نیست و وابستگی مستقیم آن به قواعد بین‌المللی شرایط را نسبت به دهه‌های گذشته به شدت تغییر داده است. این موضوع بر خلاف نظرات عده‌ای که تصور می‌کنند هر حرکتی همراه با قواعد بین‌المللی برابر با از بین رفتن استقلال و خودباختگی و فراموشی ایده آل‌ها و آرمان‌هاست نیست.

روزهای پرچالش بانک‌ها در سال آینده



ساناز کلاهدوز

اصلاح نظام بانکی طی سال‌های اخیر یا حتی می‌توان گفت ماه‌های اخیر بارها و بارها به گوش رسیده، بانک‌هایی که یک روز خیر ادغام آن‌ها جدی می‌شود، یک روز خبر ورشکستگی آن‌ها لوزه بر اندام مشتریان و می‌اندازد و می‌توان گفت روزی نیست که از سیستم بانکی کشور بی‌خبر باشد. اما یکی از مباحثی که اکنون بیش از پیش اهمیت یافته، سرنوشت سیستم بانکی کشور با توجه به وضعیت و عملکرد فعلی آن‌ها و همچنین بودجه ریزی ۹۸ با نگاه به تحریم‌های آمریکا و کاهش درآمدهای نفتی است. همچنین با وضعیت فعلی اقتصاد و تولید کشور انتظار از بانک‌ها افزایش یافته و در حالی که بانک‌ها از وضعیت مساعدی قرار ندارند، نوک پیکان انتقادات این روزها بیش از پیش متوجه بانک‌ها است.

از آنجایی که عزم جدی و راسخی برای اصلاح وضعیت بانک‌ها وجود ندارد نه دولت قبل و بلکه دولت فعلی هم گام موثری برای اصلاح ساختار حقوقی و قانونی بانک‌ها برنداشته و با این شرایط نمی‌توان وضعیت خوبی برای آینده نظام بانکی در سال آینده متصور شد.

برای ناتوانی پرداخت تسهیلات از سوی بانک‌ها به واحدهای تولیدی و صنعتی است. عدم همخوانی با استانداردهای بین‌المللی از جمله لویج چهارگانه FATF و استانداردهای IFRS موجب می‌شود تا سیستم بانکی ایران عقب ماندگی نسبت به تحولات و پیشرفت‌های روز دنیا در حوزه مالی و بانکی داشته باشد. هماهنگی با این استانداردها به ویژه استانداردسازی صورت‌های مالی بانک‌ها، عاملی برای افزایش شفافیت عملکرد بانک‌ها و نمایان شدن مشکلات و ضعف در عملکرد بانک‌ها است به گونه‌ای که با رصد دقیق فعالیت بانک‌ها می‌توان از بروز بسیاری از مشکلات و قوت گرفتن شایعه ورشکستگی بانک‌ها در سال آینده جلوگیری کرد.

انجماد دارایی بانک‌ها و حبس منابع مالی آن‌ها در املاک و دارایی‌های غیرمنقول که از آن با عنوان بنگاهداری یاد می‌شود از دیگر مشکلات سیستم بانکی در سال‌های اخیر است. مشکلی که بانک مرکزی زمانی مشخص را برای واگذاری این دارایی‌ها از سوی سیستم بانکی تعیین کرد اما به دلیل ارتباط زنجیره‌های بازارهای مختلف از جمله بازار مسکن، بازار پول و رکود حاکم بر اقتصاد کشور، این دارایی‌ها نیز امکان جابه‌جایی و خرید و فروش ندارد. جملگی این موارد پیش‌درآمدی بر مشکلات بانک‌ها در سال ۹۸ و زنگ خطری است که سال آینده بانک‌ها در صورت عدم توجه و نظارت کافی با مشکلات عیدیه‌ای مواجه خواهند شد ■

کاهش سفته‌بازی با توقف حساب‌ها

در همین راستا، حسن معتمدی در این باره معتقد است: هدف اصلی از توقف حساب‌های روزشمار و تبدیل آنها به حساب ماه‌شمار، کاهش قیمت تمام شده پول بانک‌ها بود. زیرا بانک‌ها از نظر عملکرد با قیمت تمام شده بالایی مواجه هستند اما به لحاظ عملکرد یا زیان‌ده هستند یا از سود چشمگیری برخوردار نیستند که موجب شده ترازنامه بانک‌ها با مشکلاتی مواجه شود.

این کارشناس ارشد حوزه بانکی، در ادامه درباره تاثیر این طرح بر ثبات بازار ارز، گفت: به دلیل اینکه سپرده‌های کوتاهمدت روزشمار به نرخ‌های سود بلندمدت نزدیک بود از این جهت وزن سپرده‌های بلندمدت در نقدینگی رشد خواهد داشت و موجب کاهش اقدامات سفته‌بازی در این بازار خواهد شد.

معتمدی افزود: همچنین در سایر بازارها نیز اقدامات سفته‌بازی و نوسان‌گیری کاهش خواهد یافت و این تفکر که حساب کوتاهمدت است و امکان رفت و آمد سپرده و سفته‌بازی در بازارهای مولد دیگر، وجود دارد، به کلی از بین خواهد رفت ■

اموال مازاد بانکها



بانک شناسی

کارشناس ارشد حقوق
خصوصی و بازرسی بانک

امروزه

زندگی افراد در جوامع با سیستم بانکی گره خورده و بانکها نقش مهمی در نظام اقتصادی ایفا می‌کنند چرا که یکی از وظائف ذاتی بانکها اعطای تسهیلات بانکی و به گردش در آوردن پول و کمک به چرخه اقتصادی کشور است. در این راستا بانکها برای اطمینان از بازپرداخت تسهیلات اعطائی به انواع اسناد وثیقه‌ای و اسناد ضمه‌ای اشاره کرد که در صورت عدم پرداخت تسهیلات اعطائی بانکها با انجام اقدامات لازم به مطالبات خود برسند. فارغ از اینکه میزان مطالبات بانکها در حال حاضر از مرز ۱۳۶ هزار میلیارد تومان گذشته است و ۸۴٪ از میزان مطالبات بانکها مربوط به افراد خاص می‌باشد، نگاه مختصری خواهیم داشت به تملک اموال غیر منقول توسط بانکها و املاک مازاد، که این امر با توجه به شرایط روز جامعه هم برای مشتریان و هم برای نظام اقتصادی و نیز برای خود بانکها، معضلات خاصی را فراهم آورده است. برای توضیح این مطلب به ناچار، توضیح مختصری از نحوه تملک اموال غیر منقول بانکها و معضلات آن می‌پردازیم. لازم به ذکر است در این توضیح به دلیل ضیق وقت از ذکر جزئیات و اعتراضات قانونی در مهلت مقرر پرهیز داشته و صرفاً به توضیح مختصری درخصوص نحوه اجرای تملک اموال خواهیم پرداخت تا نگاه مناسبی به املاک مازاد بانکها داشت چرا که در واقع بخش عمده‌ای از اموال مازاد بانکها، اموال تملک‌شده بابت وصول مطالبات هستند.

گردش وجوه و نقدینگی

براساس قانون و رویکرد بانکداری اسلامی، بانکها به وکالت از سپرده‌گذاران خود وجوه سپرده‌گذاری شده را به اشخاصی که نیاز به سرمایه‌گذاری یا تامین منابع مالی دارند، در قالب تسهیلاتی اعطا می‌کنند. پس در واقع آن دسته از تسهیلاتی که به صورت مطالبات معوق درمی‌آید و بانک آن را تملک می‌کند، سپرده‌های مردمی است و لذا بانک باید با اتخاذ سیاست فروش اموال تملیکی در جهت نقدینگی سازی، این سپرده‌ها را در جهت اعطای تسهیلات مجدد به‌کار گیرد؛ چرا که وظیفه اصلی بانک گردش وجوه و نقدینگی است.

نحوه تملک اموال غیر منقول

همانطور که در قبل اشاره شد بانکها برای ضمانت بازپرداخت تسهیلات اعطائی خود به اخذ انواع وثایق می‌پردازند که یکی از آنها اسناد رهنی است، تا در صورت عدم اجرای تعهد مشتری از طریق مراجع ذیصلاح قانونی اقدامات لازم را انجام می‌دهند. بانکها اسناد رهنی را یکی از مطمئن ترین راهها برای ضمانت باز پرداخت تسهیلات می‌دانند تا در صورت عدم ایفای تعهدات لازم از طریق اجرای ثبت دادگستری و با استناد به آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی و قوانین ثبتی اقدام به تملک مالکیت مال مورد رهنه کند. برای توضیح این مطلب باید گفت که بانک در صورت ایجاد مطالبات معوق، طبق مفاد سند رهنی تنظیم شده در دفترخانه اسناد رسمی، اقدام به صدور اجرائیه خواهد کرد و طبق آئین نامه اجرای ثبت، مدیون ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه صادره، مهلت مراجعه و تعیین تکلیف بدهی خویش را دارد و در غیر اینصورت ملک مورد رهنه با انجام جری تشریفات قانونی و نظارت اجرای ثبت دادگستری و طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری اقدام به ارزیابی ملک و فروش آن از طریق مزایده خواهد کرد و در صورت نبود خریدار، تملک خواهد نمود. در اینجا باید چند فرض را در نظر گرفت.

فرض اول - در ساده ترین حالت می‌توان گفت که در صورت برابر بودن میزان طلب بانک و ارزش ریالی ملک در جلسه مزایده و نبود خریدار، بانک می‌تواند درخواست تجدید جلسه مزایده را برای یک بار از اداره ثبت داشته باشد ولی در جلسه دوم و عدم وجود خریدار، بانک تمام ملک را به‌عنوان طلب خود تملک کرده و اگر میزان جزئی در تفاوت قیمت ملک و میزان طلب بانک باشد آن مبلغ به مدیون عودت داده خواهد شد و سند انتقال اجرائی بصورت ۶ دانگ به نام بانک صادر خواهد گردید.

فرض دوم - در صورتی که میزان بدهی مدیون نسبت به ملک کمتر باشد به‌عنوان مثال اگر میزان طلب بانک مبلغ پانصد میلیون تومان بوده (با احتساب اصل، سود و خسارت تأخیر تادیه) که در برگ اجرای ثبت به طور دقیق تعیین و بصورت تفکیک شده اعلام گردیده است و کارشناس رسمی دادگستری ملک مورد رهنه را یک میلیارد تومان ارزیابی کرده باشد در این فرض در صورت نبود خریدار می‌توان جلسه اول مزایده را تمدید نمود ولی در جلسه دوم مزایده در صورت عدم وجود خریدار بانک به ناچار اقدام به تملک مال مورد رهنه خواهد نمود. لیکن با توجه به تفاوت میزان بدهی مدیون و ارزش ریالی ملک مورد رهنه، بانک اقدام به تملک مشاعی به میزان طلب خود می‌نماید و در واقع مالک ۳ دانگ از ۶ دانگ ملک مورد مزایده می‌شود و سند تنظیمی به‌عنوان سند انتقال اجرائی ثبت خواهد شد.

فرض سوم - اگر قیمت ملک از میزان بدهی مدیون کمتر بود تمام ملک، تملک و جهت وصول الباقی طلب بانک به شناسائی و بازداشت سایر اموال پرداخته می‌شود.

تا بدین جا نحوه اجرا تملک اموال مورد رهنه توسط بانکها بطور کاملاً مختصر بدون در نظر گرفتن مشکلات و معضلات جدی و



مشکل فروش املاک مورد تملیک بانک

از دیدگاه کلان نگر و در عین حال بهینه گرا، باید اذعان داشت که تملیک املاک برای بانکها چندان کارآمد و قابل توجیه نیست. توضیح این که براساس قانون و رویکرد بانکداری اسلامی، بانکها به وکالت از سپرده‌گذاران خود وجوه سپرده‌گذاری شده را به اشخاصی که نیاز به سرمایه‌گذاری یا تامین منابع مالی دارند، در قالب تسهیلاتی اعطا می‌کنند. پس در واقع آن دسته از تسهیلاتی که به صورت مطالبات معوق درمی‌آید و بانک آن را تملک می‌کند، سپرده‌های مردمی است و لذا بانک باید با اتخاذ سیاست فروش اموال تملیکی در جهت نقدینگی سازی، این سپرده‌ها را در جهت اعطای تسهیلات مجدد به‌کار گیرد؛ چرا که وظیفه اصلی بانک گردش وجوه و نقدینگی است.

اما بعضاً دیده می‌شود که بانکها املاک بسیار زیادی با متراژهای قابل توجه دارند که قابلیت استفاده ندارد ولی بانکها به‌واسطه ارزشمندی بالا و احتمال افزایش قیمت، آن املاک را در بخش سرمایه‌ای خود نگاه داشته‌اند. این در حالی است که به رغم اتخاذ سیاست‌هایی نظیر تصویب آیین نامه نحوه واگذاری داراییهای غیر ضرور و اماکن رفاهی بانکها

تعارضات مهم قوانین از جمله قانون ثبت و آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا (مصوب ۸۷/۶/۱۱) و همچنین قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (مصوب ۹۴/۲/۱) اشاره شد و از پرداختن به مباحث اجرائی، مهم و تأثیر گذار به دلیل ضیق وقت اجتناب کردیم که بطور مثال به ذکر عناوین برخی از آنها بسنده می‌کنیم.

از جمله: ۱- مشکلات عملیات اجرایی ۲- مشکلات ناشی از ارزیابی و مزایده ملک ۳- ادعای ثالث نسبت به عملیات اجرایی ۴- مطالبات ثالث ۵- مطالبات دولتی ۶- مطالبات کارگری ۷- ادعای ورشکستگی مدیون و قس علی هذا. نکته مهم اینجاست که تملک اموال مدیون برخلاف نظر بسیاری از مردم دلالت بر وصول مطالبات بانک ندارد، چرا که برای بانک استفاده از وجود نقد مهم ترین عامل برای ایجاد افزایش چرخ اقتصادی و پرداخت سود به سپرده مشتریان است و تملک اموال تنها تلاشی برای از دست نرفتن وجوه اعطاء شده می‌باشد. در غیر اینصورت توجیه مناسبی برای تملک وجود ندارد و دقیقاً همین تملک یکی از عوامل بوجود آمدن گردابی بنام اموال مازاد است.

اقتصادی رخ دهد و با تنگنای اعتباری مواجه شویم، سریع خود را در بخش واقعی اقتصاد و متغیرهای واقعی اقتصاد نشان می‌دهد. وقتی بانک به‌عنوان یک منبع تامین مالی بخش عمده‌ای از منابع مورد نیاز فعالیت اقتصادی کشور را تامین می‌کند، اگر به هر دلیلی وقفه‌ای در این روند ایجاد شود در تشکیل سرمایه ثابت و سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی موثر خواهد بود.

در این زمینه اقدامات در خوری انجام شد؛ به این ترتیب که در خرداد ماه سال ۱۳۹۴ قانون رفع موانع تولید تصویب شد و مواد ۱۶ و ۱۷ این قانون صرفاً اشاره به بحث واگذاری اموال و املاک مازاد بانکها دارد. در ماده ۱۶ صراحتاً گفته شده بانکها موظفند سالانه یک سوم اموال و املاکی که به تشخیص بانک مرکزی مازاد تشخیص داده می‌شود واگذار کنند و در ماده ۱۷ هم برای آن ضمانت اجرایی در نظر گرفته است به این ترتیب که اگر بانکها طبق زمان‌بندی تعیین شده اموال مازاد خود را واگذار نکردند، بر درآمدهایی که از محل این اموال و املاک مازاد برای بانکها ایجاد می‌شود، مالیات‌های تصاعدی تا ۵۵ درصد اخذ شود.

البته در همین قانون پیش‌بینی شده است که اگر بانک اقدامات لازم را داد ولی بازار سرمایه شرایط آن را نداشت و یا بازار شرایط مناسبی در این زمینه نداشت به تشخیص بانک مرکزی از آن مالیات‌های تصاعدی در نظر گرفته شده معاف شود.

به دلایل مختلفی سهم چندی ندارد و بنابراین عمده درآمد بانکها متکی بر تفاوت نرخ سود بانکی و نرخ تسهیلات بانکی است. بخش دیگری از اموال مازاد بانکها نیز در اثر بدهی دولت به بانکها از طریق تهاثر بدهی دولت از طریق واگذاری سهام دولتی به وجود آمده است. به این ترتیب که فرض کنید دولت به یک بانک بدهکار بوده است و در عوض پرداخت بدهی خود، یک شرکت پتروشیمی و یا یک نیروگاه به دولت داده است. به این ترتیب بخشی از دارایی‌های بانکها در این بخش متورم شده است.

سهم بخش تسلیک و وثایق نسبت به دو بخش دیگر کمتر است. ولی به هر حال بخشی از اموال مازاد بانکها از طریق تسلیک و وثایق بدهکارانی ایجاد شده است که قادر به ایفای تعهدات خود نبوده‌اند. به هر حال بانک مسئولیت دارد که منابع خود را به موقع وصول کند، اگر به هر دلیلی بدهکار بانکی سر موعد نتواند تعهدات خود را پرداخت کند، بانک وثایق او را تسلیک می‌کند. البته بانک باید بعد تسلیک برای واگذاری آن‌ها اقدام کند ولی در سال‌های گذشته شرایطی به وجود آمد که دولت نتوانست آن‌ها را واگذار کرده و در نتیجه وثایق نیز به بخشی از اموال مازاد بانکها تبدیل شدند.

به هر حال اقتصاد ایران یک اقتصاد بانک محور است و اگر هر اتفاقی در شبکه بانکی ما در قالب اعطای تسهیلات و تامین مالی فعالیت‌های

در این آیین نامه پیش بینی شده است که بانکها میتوانند املاک تسلیکی خود را پس از ارزیابی قیمت توسط کارشناس رسمی دادگستری با برگزاری مزایده با روش عقد اجاره به شرط تسلیک با پیش‌دریافت حداقل بیست درصد و یا از طریق شرکت‌های لیزینگ وابسته خود، با رعایت ضوابط مربوط واگذار نمایند.

علاوه بر این، یک راهبرد عملی بسیار با اهمیت دیگر که تحقق آن نیازمند مساعدت سایر بخش‌های مسئول میباشد، در تبصره ۶ ماده ۴ آیین نامه نحوه واگذاری، مطمح نظر قرار گرفته است که وفق آن، در صورت عدم فروش با توجه به موارد تبصره (۳)، بانک می‌تواند با تأیید کمیسیون معاملات نسبت به بازسازی، تغییر کاربری و هر گونه تغییری که فروش مورد معامله را تسهیل کند، اقدام نماید.

(تبصره ۳ ماده فوق: در روش فروش به صورت نقد و اقساط، پرداخت حداقل بیست درصد از مبلغ به صورت نقدی الزامی است. مدت بازپرداخت یا تسویه حساب کامل از سی و شش ماه بیشتر نخواهد بود. تبصره ۴ ماده فوق: کمیسیون معاملات بانک می‌تواند در صورت عدم فروش دارایی‌های فوق‌الذکر در مزایده اول با کاهش حداکثر ده درصد در قیمت پایه مزایده اولیه مجدداً نسبت به فروش دارایی غیرضرور از طریق مزایده اقدام نماید. در صورت عدم فروش مجدد، کمیسیون معاملات بانک می‌تواند مورد معامله را تا بیست درصد زیر قیمت پایه اولیه به فروش برساند. در صورت عدم موفقیت مجدد، کمیسیون معاملات از طریق مذاکره و پس از تأیید هیئت مدیره بانک، میتواند دارایی را به نحوی که فروش آن کمتر از هفتاد درصد قیمت کارشناسی اولیه نباشد، به فروش برساند.)

در این خصوص، بدیهی است تغییر کاربری برخی املاک به ویژه در مورد املاک غیرتجاری و اراضی کشاورزی بلااستفاده، مسأله‌ای است که می‌تواند برای تعیین تکلیف و فروش هر چه سریعتر املاک فاقد مشتری بانک و رسیدن به وجوه و مطالبات تأدیه نشده، بسیار راهگشا باشد.

تشخیص مازاد و غیر مازاد بودن اموال و املاک بانکها به عهده بانک مرکزی است و در نتیجه اعداد و ارقام مربوط به این بخش نیز باید توسط این دستگاه ارایه شود. با این همه لازم است بدانیم که اموال و املاک مازاد در کنار عواملی مانند مطالبات بانکها از دولت و مطالبات معوق از عوامل سه گانه بلوکه شدن بخشی عمده‌ای از منابع بانکی و خروج آن‌ها از چرخه تسهیلات دهی است و این خود برای بخش واقعی اقتصاد آسیب‌رسان است. لذا تلاش برای واگذاری اموال و املاک مازاد از اولویتهای وزارت اقتصاد و بانک مرکزی است که در این زمینه اقدامات لازم از سوی این دو دستگاه انجام شده و در حال انجام است.

یکی از عوامل مهم شکل‌گیری اموال مازاد بانکها، به‌کارگیری سیاست‌های سرکوب مالی و کاهش سودآوری بانکها از عملیات مرسوم بانکی بود. درآمد بانکها از محل تفاوت دو بخش نرخ سود بانکی و نرخ تسهیلات بانکی و همچنین محل کارمزدهاست. درباره کارمزدها باید بگویم گرچه باید در سال‌های گذشته نقش آن در درآمد بانکها افزایش می‌یافت ولی



مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۳۰ و نیز تأسیس شرکت فام (فروش اموال مازاد) تحت نظارت وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی (در سال ۱۳۸۶)، به دلایلی چون نسبی بودن و کامل نبودن فهرست اموال تسلیکی بانکها که به شرکت مزبور اعلام شده بود و این که اساساً اجبار قانونی برای فروش املاک مازاد بانک وجود ندارد، وضعیت موجود کماکان به ادامه تجمع املاک در نزد بانکها و تبعاً کاهش کارایی سیستم اقتصادی از مجرای تنزل وجوه در گردش و ناتوانی در اجرای طرح‌های دولت در جهت دهی به تسهیلات در راستای رسیدن به اهداف خاص اقتصادی مورد نظر، خواهد انجامید.

به هر حال هزینه نگهداری املاک مازاد ولو اینکه برای بانکها مشکلی ایجاد ننماید، برای کشور و سیستم اقتصادی بسیار سنگین و گران تمام می‌شود. بر این اساس، دولت در آیین‌نامه فروش اموال مازاد بانکها اجازه داده است که از قیمت کارشناسی روز فروش ملک، تا ۳۰ درصد کاسته شود تا املاک مزبور به فروش برسند و حتی این تمهید پیش بینی شده است که ۲۰ درصد ملک به صورت نقد داده شود و الباقی در اقساط ۳۶ ماهه پرداخت گردد. (ماده ۴ آیین نامه نحوه واگذاری دارایی‌های غیرضروری و اماکن رفاهی بانکها مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۳۰: بانکها مکلفند کلیه دارایی‌های غیر ضرور جزءهای (۱) و (۲) بند (الف) ماده (۱) [اموال تسلیکی یکی از این موارد است] را توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی نموده و پس از تأیید کمیسیون معاملات و با رعایت قوانین و مقررات به صورت مزایده و به شیوه نقد و یا نقد و اقساط، به فروش برسانند.)

پس بانکها نیز باید از این فرصت استفاده نمایند و ضمن رهایی از املاک بلااستفاده و هزینه بردار، وجوه حاصل از فروش آن‌ها را وارد چرخه اقتصادی نمایند و توان تسهیلات‌دهی خود را نیز افزایش دهند. همچنین



واگذاری بالغ بر ۵ هزار میلیارد ریال املاک مزاد



و با کمبود تقاضا مواجه می‌شود؛ درحالی‌که کل معاملات بازار سرمایه روزانه به ۲۰۰ میلیارد تومان می‌رسد طبیعی است که عرضه شدید بانک‌ها می‌تواند چالش‌برانگیز باشد.»

التهایه، آنچه مسلم است اینکه افزایش بسیار زیاد میزان مطالبات معوق بانکی را شاهد بوده‌ایم. این‌گونه مطالبات عمدتاً در مقابل وثایق تملیکی اعطا شده است و بخش زیادی از دارایی‌های نقد بانک‌ها به اموال تملیکی تبدیل شده که یا در اختیار گرفته شده یا در شرف تملیک است. به عبارتی قسمت بزرگی از نقدینگی بانک‌ها که بایستی در جریان بوده و صرف تسهیلات‌دهی و مصارف جاری بانکی شود به ملک و ساختمان تبدیل شده است. این دارایی‌ها یا غیرقابل فروش‌اند یا با توجه به رکود فعلی مسکن به سختی به فروش می‌رسند. مردم هم از خرید املاک تملیکی و مصادره‌ای نهادها ابا دارند. همچنین اعتبارات و تسهیلاتی هم برای خرید چنین دارایی‌هایی لحاظ نشده است. لذا بخش اعظمی از دارایی‌های بانکی فریز شده است که قابلیت اعتباردهی و کسب سود بانک‌ها را به شدت کاهش داده است. لذا بنظر می‌رسد بحران فروش اموال مزاد بانک‌ها بدون رونق اقتصادی و به حرکت در آمدن بازار مسکن و همچنین اعطای تسهیلات یا سهل البیع کردن بیشتر شرایط واگذاری و انعطاف پذیری بیشتر برای فروش آن امری سخت و زمان‌بر خواهد بود ■

خود را به فروش برسانند، ولی هنوز هم رکود بازاری وجود دارد و عملاً سد راه خروج بانک‌ها از بنگاهداری است اما بانک‌ها به‌جز دارایی‌های ملکی در حوزه‌های تجاری، اداری و مسکونی، پرتفوی سهام در بازار سرمایه نیز دارند که می‌توانند آنها را به فروش برسانند.

باید این نکته مهم را در نظر گرفت که اگر برای واگذاری اموال مزاد بانک‌ها به نظام بانکی فشار بیاوریم، شرکت‌هایی که ۱۰۰ میلیارد تومان ارزش دارند، ۱۰۰ میلیون تومان فروخته می‌شوند. برآورد مشخصی از میزان کل اموال مزاد بانک‌ها وجود ندارد، شرایط حاکم بر اقتصاد موجب شده به ویژه در بخش مسکن بانک‌ها حتی اگر بخواهند اموال‌شان را واگذار کنند، نتوانند. همچنین بخشی از اموال مستغلات مزاد به ازای بدهی‌ها به بانک واگذار شده و کسی رغبتی به خرید آنها ندارد. در جاهایی هم واگذاری اموال به صورت نقدی انجام شده به این ترتیب که در قبال آن مال دیگری اخذ شده که این در واقع تغییر ترکیب و صورت واگذاری است.

عدم توانایی در فروش سهام

بخشی از دارایی مزاد بانک‌ها سهام بورسی آن‌هاست. در مورد فروش سهام موجود در پرتفوی بورسی بانک‌ها نیز اگر همه بانک‌ها بدون زمان‌بندی وارد عرضه شوند، بازار سرمایه توان تحمل عرضه‌ها را ندارد

طوری که برخی از بانک‌ها علاوه بر مزایده‌ها برای فروش املاک خود به مشاوران املاک مراجعه کرده‌اند.

به گفته فعالان بانکی، به دلیل رکود حاکم بر اقتصاد، زیانده بودن برخی از پروژه‌های در اختیار بانک‌ها، نبود خریدار و... واگذاری اموال مزاد بانک‌ها با موانعی روبه رو ست و باید ابتدا این مشکلات برطرف شود، چون این باور وجود دارد که با انجام این سیاست، بانک‌ها از وضعیت خوبی برخوردار خواهند شد و این نفعی است که در نهایت به اقتصاد خواهد رسید.

حل مشکل دارایی‌های منجمد، زمانبر است

بحث واگذاری اموال مزاد بانک‌ها در حالی از سوی دولت مورد تاکید قرار گرفته که در این مسیر موانع زیادی وجود دارد که تحقق این هدف را با سختی روبه‌رو کرده و بانک‌ها با حجم زیادی اموال مزاد، املاک و کارخانه و... روبرو هستند که تمایل زیادی دارند این اموال را به فروش برسانند، اما درحال حاضر تقاضا و خریدار وجود ندارد و این یک مسئله مهم است. به‌جز املاکی که بانک‌ها خودشان خریداری کرده‌اند، بخش زیادی از اموال موجود، به ازای پرداخت بدهی به بانک‌ها از گذشته تحمیل شده که بسیاری از اینها زیانده هستند و تمایل برای خرید آن وجود ندارد، بخشی از این کمبود تقاضا به رکود حاکم بر اقتصاد برمی‌گردد و بخشی هم به دلیل زیانده بودن برخی از این پروژه‌هاست که در اختیار بانک‌ها قرار دارد.

بانک‌ها تمایل‌شان این است که برای خروج از مشکلات مالی که با آن روبه‌رو هستند، هرچه سریع‌تر این اموال به فروش برسد، اما با توجه به شرایطی که حاکم است، فروش به سختی انجام می‌شود و این یک مانع بزرگ بر سر راه واگذاری‌هاست.

شرایط حاکم بر اقتصاد باعث شده بانک‌ها به سمت بنگاهداری و انباشت اموال مزاد حرکت کنند. درحال حاضر بانک‌ها تمایل دارند حتی با نرخ‌های پایین این اموال را واگذار کنند، اما خریدار نیست و تمایل به خرید کم است.

ورود به دوران رکود

با ورود بازار مسکن به دوران رکود، فروش اموال مزاد بانک‌ها با مشکل روبه‌رو شد. طبق دستورالعمل موجود در قانون رفع موانع تولید بانک‌ها هر سال باید ۳۰ درصد از بنگاه‌ها، املاک و دارایی‌های مزاد خود را می‌فروختند اما از آنجا که ابلاغ این دستورالعمل با تداوم رکود بازار مسکن هم‌زمان شد، عملاً فروش دارایی‌های بانکی را با بن‌بست مواجه کرد. با وجود اینکه بانک‌ها چندین بار مناقصه فروش املاک و دارایی‌های خود را اعلام عمومی کردند اما به‌واسطه رکود بازاری بخش عمده این اموال مزاد به فروش نرسید چراکه بازار مسکن توان جذب املاک مزاد بانک‌ها را ندارد.» هرچند که وزیر اقتصاد نیز دستورالعملی به بانک‌ها ابلاغ کرده که طبق برنامه زمان‌بندی‌شده، دارایی‌های مزاد و بنگاه‌های

مسئولان وزارت اقتصاد و بانک مرکزی تمام تلاش خود را انجام داده‌اند که به این تکلیف قانونی عمل شود و تا میزان قابل ملاحظه‌ای هم اقدامات ثمر بخش بود. ولی مشکلاتی هم در این راه وجود داشت. یکی از این مشکلات شرایط بازار سرمایه بود. به هر حال باید بازار سرمایه این‌آبادی را داشته باشد که بتواند سهام بانک‌ها را واگذار کند.

از سوی دیگر وضعیت بازار مسکن در سال‌های گذشته منجر به آن شده که بانک‌ها نتوانند بخشی از اموال خود به ویژه در بخش مسکن و ساختمان را واگذار کنند و چه بسیار مزایده‌هایی که برای واحدهای مسکونی و تولیدی برگزار شد ولی بانک‌ها نتوانستند آن‌ها را بفروشند. اما در عین حال اقدامات قابل توجهی نیز به سرانجام رسیده است.

در نظر داشته باشید که سهم بخش وثایق در قیاس با دو بخش دیگر کمتر است و در نتیجه تملیک وثایق در دو سال نمی‌تواند به اموال مزاد بانک‌ها اضافه کرده باشد ضمن اینکه به هر حال در دو سال گذشته بخشی از اموال مزاد بانک‌ها با تلاش بسیار مسئولان مربوطه واگذار شده است و گرچه سرعت مورد انتظار در این بخش حاصل نشد ولی در این زمینه موفقیت‌هایی قابل قبولی به دست آمد.

در این زمینه سه موضوع بنگاهداری بانک‌ها را تشدید کرد، واگذاری برخی از شرکت‌های دولتی در قالب رد دیون به بانک‌ها بود که در برابر طلب آنها از دولت، شرکتی به آنها واگذار می‌شد. دومین رخداد مطالبات معوقی بود که طی سال‌های گذشته با رشد قابل توجهی همراه شد و بانک‌ها در قبال تسهیلاتی که به وام گیرندگان پرداخت کرده بودند و آنها از عهده بازپرداخت اقساط آن برنمی‌آمدند، املاکی را که به‌عنوان وثیقه تسهیلات در رهن قرار گرفته بود تملک کردند.

از سوی دیگر رونق بازار مسکن بخصوص در اواخر دهه ۸۰ که به رشد سه برابری قیمت‌ها منجر شد، بانک‌ها را برای کسب سود به سمت ساخت و ساز و خرید و فروش املاک مرغوب شهرها ترغیب کرد، اما پس از مدتی و با ورود بخش مسکن به رکود، این املاک دیگر خریداری نداشت و روی دست بانک‌ها ماند. ولی رکود بازار مسکن در سال‌های اخیر به‌عنوان بزرگترین مانع برسر راه فروش اموال مزاد بانک‌ها تبدیل شده است به

اقتصاد ایران یک اقتصاد بانک محور است و اگر هر اتفاقی

در شبکه بانکی ما در قالب اعطای تسهیلات و تامین مالی

فعالیت‌های اقتصادی رخ دهد و با تنگنای اعتباری مواجه شویم،

سریع خود را در بخش واقعی اقتصاد و متغیرهای واقعی اقتصاد

نشان می‌دهد. وقتی بانک به‌عنوان یک منبع تامین مالی بخش

عمده‌ای از منابع مورد نیاز فعالیت اقتصادی کشور را تامین می‌کند،

اگر به هر دلیلی وقفه‌ای در این روند ایجاد شود در تشکیل سرمایه

ثابت و سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی موثر خواهد بود

پارکینگ پولی و حساب‌های پشتیبان کوتاه مدت بانک‌ها سامان یافت

نرخ سود سپرده کوتاه مدت ماه شمار شد

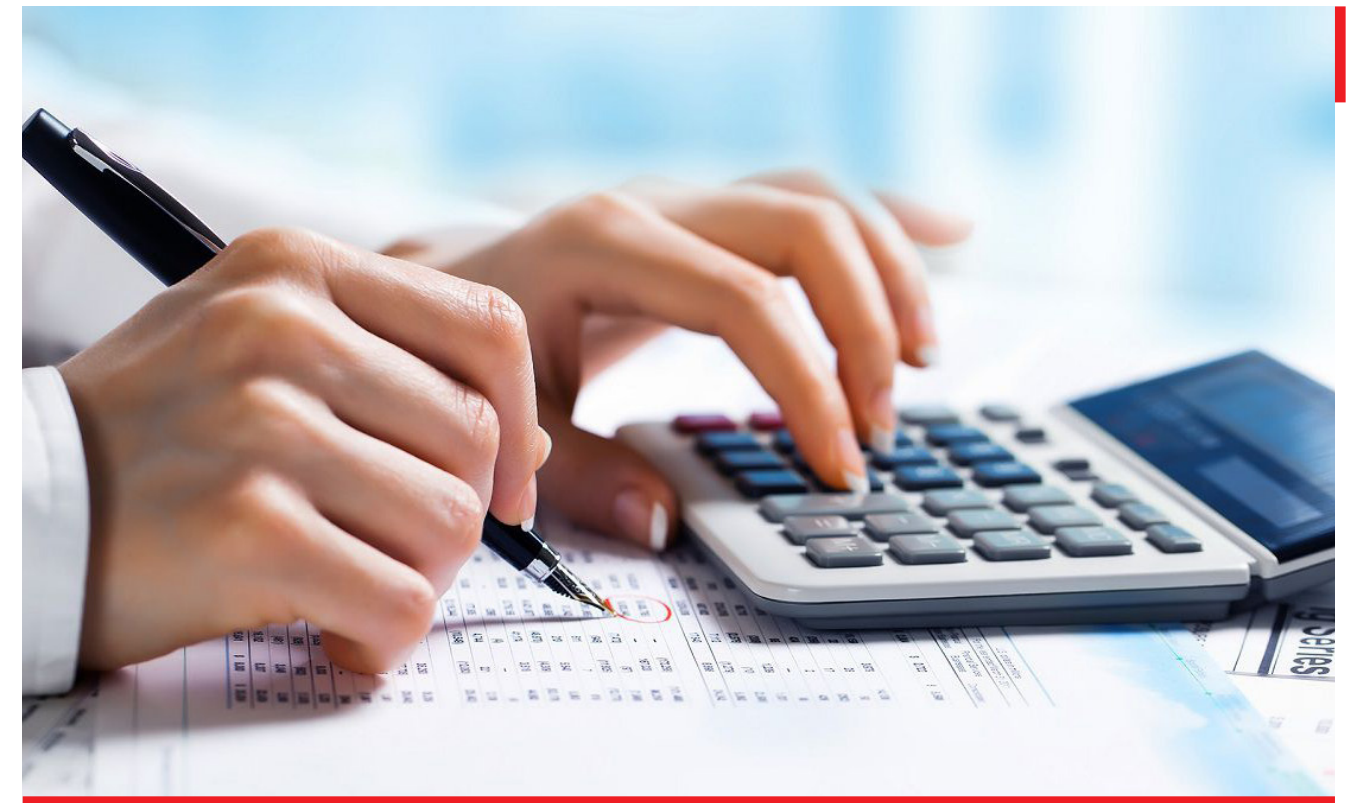
اثر ماه شمار شدن روی چند هزار میلیارد تومان سود کوتاه مدت



احسان شمشیری

با روز شمار شدن سپرده کوتاه مدت، از آنجا که بخش عمده‌ای از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان سپرده کوتاه مدت به خاطر حساب پشتیبان حساب جاری ایجاد شده و یابہ خاطر گردش مالی روزانه خرید روزانه مردم در طول ماه تغییر می‌کند لذا به آن سود تعلق نخواهد گرفت و حداقل دو سوم آن در طول ماه ثابت نخواهد ماند. لذا با فرض سود ۱۰ درصدی به حساب‌های سپرده کوتاه مدت، در طول سال معادل سود ۱۰ درصدی ۳۵۰ هزار میلیارد تومان کاهش سپرده کوتاه مدت بدون سود از محل حذف حساب‌های

پشتیبان و گردش روزانه کارت‌های بانکی در دست مردم، حداقلی منافعی معادل ۳۵ هزار میلیارد تومان برای بانک‌ها ایجاد خواهد کرد. شورای پول و اعتبار مصوب کرد محاسبه سود حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه مدت از بهمن ماه به جای روز شمار، براساس ماه شمار محاسبه شود و به این ترتیب پرداخت شود و در نتیجه این نوع حساب‌ها که در میان بانکداران به پارکینگ پولی شهره شده بود، سامان می‌یابد. براساس مصوبه شورای پول و اعتبار، حداکثر سود بابت حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه مدت بانک‌ها ۱۰ درصد است اما در حدود ۲ سال گذشته بانک‌ها برای جذب مشتری و تامین مالی خود، اگر پول



مشتری کمتر از یک ماه در حساب کوتاه مدت باقی می‌ماند نیز بابت آن سود پرداخت می‌کردند. هر چند بانک‌ها در چند سال گذشته بر اساس حداقل مانده در روز سود را برای مشتریان خود محاسبه و پرداخت می‌کردند، اما بر اساس مصوبه جدید شورای پول و اعتبار از بهمن ماه سال جاری سود بانکی ماه شمار می‌شود.

بر همین اساس با مصوبه شورای پول و اعتبار بانک‌ها موظفند سود بانکی را بر اساس حداقل مانده در ماه محاسبه و به مشتریان خود پرداخت کنند. البته ناگفته نماند که شبکه بانکی در چند سال اخیر اقدام به پرداخت نرخ سود بانکی به صورت روز شمار می‌کردند و پرداخت سود در سال‌های دور به صورت ماه شمار بوده و بر اساس مصوبه جدید شورای پول و اعتبار شبکه بانکی دوباره به پرداخت نرخ سود به صورت ماهانه رجعت می‌کند.

کارشناسان ارشد نظام بانکی معتقدند شورای پول و اعتبار و همچنین بانک مرکزی با تصویب این مصوبه به دنبال تغییر ماهیت سپرده‌های کوتاه مدت است و می‌خواهد تغییر جدی در این نوع از سپرده‌ها ایجاد کند. همچنین این کارشناسان می‌گویند: پرداخت نرخ سود روز شمار به معنای سوق یافتن سود از سپرده‌های بلندمدت به کوتاه مدت است که البته ماندگاری زیادی ندارد؛ بنابراین نظام بانکی سودی بیهوده به حساب‌ها پرداخت می‌کرد. البته شورای پول و اعتبار در این مصوبه تغییراتی را برای نرخ سود مدنظر قرار نداده و بر همین اساس از بهمن ماه نرخ سود به صورت قبل پرداخت می‌شود و تنها نرخ سود روز شمار حذف می‌شود و بالاترین نرخ سود آن نیز ۱۰ درصد خواهد بود.

یادآور می‌شود، در بخشنامه بانک مرکزی به بانک‌ها و موسسات اعتباری درباره مصوبه شورای پول و اعتبار آمده است: از ابتدای بهمن ماه سال جاری، محاسبه سهم سود علی الحساب سپرده‌های کوتاه مدت عادی به موجب مصوبات قبلی شورای پول و اعتبار ابلاغی طی بخشنامه‌های متعدد از جمله بخشنامه پنجم شهریورماه ۱۳۹۶، حداکثر نرخ سود علی الحساب برای سپرده‌های کوتاه مدت عادی ۱۰ درصد سالانه است، با لحاظ مفاد بخشنامه شانزدهم مردادماه سال ۱۳۹۶، ابلاغ می‌شود.

در بخشنامه بانک مرکزی به بانک‌ها آمده است که این بانک علاوه بر رصد عملکرد شبکه بانکی در این خصوص، نحوه عمل شرکت‌های پشتیبانی فناوری اطلاعات بانک‌ها و موسسات اعتباری را نیز تحت پایش خواهد داشت و در صورت مشاهده و کشف هرگونه مغایرت یا هرگونه اقدامی که منجر به کتمان یا غیرواقعی جلوه دادن رویدادهای مالی شود، شرکت‌های مذکور در فهرست اشخاص فاقد شرایط و صلاحیت لازم برای همکاری با شبکه بانکی کشور قرار خواهند گرفت.

حساب پشتیبان کوتاه مدت

پرداخت سود روز شمار کوتاه مدت، ظاهراً برای کسب رضایت مشتریان توسط بانک‌ها انجام شد تا مشتری پول خود را به بانک دیگری نبرد و حتی برای استفاده در حساب جاری و دسته چک، پول را به صورت

پرداخت نرخ سود روز شمار به معنای سوق یافتن سود

از سپرده‌های بلندمدت به کوتاه مدت است که البته

ماندگاری زیادی ندارد؛ بنابراین نظام بانکی سودی

بیهوده به حساب‌ها پرداخت می‌کرد

موقت در کوتاه مدت گذاشته و کسب سود کند و هر روزی که چک به بانک ارسال شد، از حساب کوتاه مدت کسر شده و به حساب جاری واریز شود و لحظاتی بعد از حساب جاری به‌عنوان پاس کردن چک خارج شود. در این شرایط، بسیاری از صاحبان سرمایه، پول‌های خود را در حساب‌های کوتاه مدت نگهداری می‌کردند؛ با این کار هم سرمایه آنها همچون حساب‌های یکساله در بانک قفل نبود که بخواهند بابت برداشت از آن جریمه بپردازند و هم می‌توانستند سود دریافت کنند.

محمدرضا جمشیدی دبیرکل کانون بانک‌های خصوصی و موسسه‌های اعتباری در این باره می‌گوید: در سال‌های اخیر حساب‌های سپرده کوتاه مدت به پارکینگ پولی تبدیل شده بود و صاحب حساب هر موقع که پولی اضافی داشت به این حساب واریز می‌کرد و به مرور آن را هزینه می‌کرد و بابت رسوب پول هم از بانک سود می‌گرفت.

وی افزود: بانک‌ها حداقل زمان رسوب پول در حساب کوتاه مدت مشتری را ۱۰ روز حساب می‌کردند و به میزانی که پول در حساب مانده بود، سود به آن می‌پرداختند که با این مصوبه شورای پول و اعتبار در حقیقت هم این حساب‌ها سامان می‌یابد و هم از هزینه‌های بانک‌ها کم می‌شود. به این ترتیب، پول مشتری حداقل باید یک ماه در حساب کوتاه مدت باقی مانده باشد تا به آن سود ۱۰ درصدی تعلق گیرد.

ویژگی دیگر این مصوبه اینکه، ماندگاری پول را در شبکه بانکی بیشتر کرده و از سیال بودن نقدینگی می‌کاهد زیرا در زمان بروز نوسان ارزی، یکی از اشکال‌هایی که درباره هدایت نقدینگی به بازار ارز مطرح می‌شد، حساب‌های کوتاه مدت بود. دارندگان حساب‌های سپرده گذاری کوتاه مدت البته با ارقام کلان، این توان را داشتند که در بازارهای مختلف ورود کرده و آن بازار را فارغ از آنکه ارز، سکه، مسکن، بورس و خودرو باشد با چالش مواجه کنند؛ یعنی هم اقتصاد را به چالش می‌کشیدند و هم از بانک‌ها بابت حداقل ۱۰ روز رسوب پول سود می‌گرفتند.

مصوبه شورای پول و اعتبار چه می‌گوید

شورای پول و اعتبار ۲۰ آذرماه امسال در یک هزار و دویست و شصت و دومین جلسه خود مقرر کرد: «معیار پرداخت سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت عادی از روز شمار به ماه شمار تغییر یابد؛ به گونه‌ای که حداقل مانده حساب در ماه مبنای محاسبه سود سپرده‌های مزبور باشد.



براین اساس همچنین مقرر شده که یک ماه پس از تاریخ ابلاغ مصوبه و تمهید مقدمات و زیرساخت‌های لازم در شبکه بانکی کشور طی آن مقطع زمانی، مراتب در بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی به اجرا درآید. لذا، بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی موظفند اطلاع رسانی لازم را در این رابطه به سپرده گذاران خود معمول دارند.

در بخشنامه بانک مرکزی به بانکها و موسسه‌های اعتباری که یکم دی ماه ابلاغ شده، در این باره آمده است: از ابتدای بهمن ماه امسال، محاسبه سهم سود علی الحساب سپرده‌های کوتاه‌مدت عادی باید براساس این رویکرد انجام شود ضمن آنکه طبق مصوبه‌های قبلی شورای پول و اعتبار، حداکثر نرخ سود علی الحساب برای سپرده‌های کوتاه مدت عادی ۱۰ درصد سالانه است.

بانک مرکزی تاکید کرده که علاوه بر رصد عملکرد شبکه بانکی در این خصوص، شیوه عمل شرکت‌های پشتیبانی فناوری اطلاعات بانکها و موسسه‌های اعتباری را نیز تحت پایش خواهد داشت و در صورت مشاهده و کشف هرگونه مغایرت یا هرگونه اقدامی که منجر به کتمان یا غیرواقعی جلوه دادن رویدادهای مالی شود، شرکت‌های یادشده در فهرست اشخاص فاقد شرایط و صلاحیت لازم برای همکاری با شبکه بانکی کشور قرار خواهند گرفت.

این بخشنامه را حمیدرضا غنی آبادی و محمد خدایاری در اداره کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی و اداره مطالعات و مقررات بانکی امضا کرده و به شبکه بانکی ابلاغ کرده‌اند.

اثر ماه شمار شدن بر میزان سپرده کوتاه مدت

سپرده کوتاه مدت بانکها چند کارکرد متفاوت دارد و علاوه بر حساب پشتیبان حساب جاری صاحبان کسب وکار، عده از سپرده گذاران نیز برای

دسترسی آسان و در عین حال کسب سود، پول خود را در کوتاه مدت سپرده گذاری کرده‌اند تا در زمان خرید روزانه، یا هر زمان که تصمیم گرفتند، زمین، ملک، ساختمان، مسکن، خودرو، طلا و ارز خریداری کنند یا مسافرت بروند، از حساب کوتاه مدت استفاده کنند و در عین حال در زمانی که نیاز به این پول ندارند، از سود روز شمار نیز بهره ببرند. براین اساس، حداقل دو کارکرد برای حساب کوتاه‌مدت می‌توان در نظر گرفت یکی حساب پشتیبان و دیگری در دسترس بودن پول برای مردم در کارت‌های کوتاه مدت و خرید مایحتاج زندگی و کسب وکار و سرمایه‌گذاری و... که البته مشخص نیست که رقم حساب پشتیبان در کوتاه مدت چقدر است و در صورت ماه شمار شدن، چه میزان از سپرده کوتاه مدت خارج و به حساب جاری خواهد رفت و رقم دقیق این موضوع احتمالا در عملکرد بانکها در بهمن و اسفند و فروردین سال بعد مشخص خواهد شد.

اما بعید است که ماه شمار شدن روی آن بخش از سپرده‌های مردم در کارت‌های خرید اثرگذار باشد زیرا بسیاری از مردم به این پول برای خرید روزانه خود نیاز دارند و توجهی به کسب سود از سوی بانکها نخواهند داشت.

در حال حاضر، رقم سود روزشمار نیز هر روز به حساب مردم واریز نمی‌شود و معمولا هر ماه محاسبه و واریز می‌شود. در نتیجه به نظر می‌رسد که با ماه شمار شدن رقم سود کوتاه مدت، روی مبلغ سود واریزی و گردش مالی و هزینه بانکها اثر قابل توجهی خواهد داشت.

با توجه به رقم بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی سپرده کوتاه مدت در مهرماه ۹۷ و رقم تراکنش ۲۲۱ هزار میلیارد تومانی تراکنش بانکی در آبان ۹۷ با میانگین هر تراکنش بانکی ۱۲۳ هزار تومان می‌توان دریافت که بخش عمده‌ای از سپرده‌های بانکی موجود در کارت‌های بانکی از نوع کوتاه مدت است که، در صورت ماه شمار شدن سود کوتاه مدت، اثری بر موجودی حساب عموم مردم که برای خرید از آن استفاده می‌کنند، نخواهد داشت اما روی آن بخش از صاحبان سهام که حساب پشتیبان برای حساب جاری دارند، اثرگذار خواهد بود.

با این توضیح، اگر فرض کنیم ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به خاطر سود حساب پشتیبان کسر شود، به مبلغی حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان در حساب کوتاه مدت سود ماهانه تعلق خواهد گرفت. اما از آنجا که حجم بالای تراکنش بانکی با مبلغ هر تراکنش ۱۲۳ هزار تومان توسط مردم انجام می‌شود و هر کارت هر دو روز یکبار یک تراکنش انجام می‌دهد یعنی در طول ماه حداقل ۱۵ تراکنش انجام می‌شود که با توجه به ۹۲ میلیون کارت فعال بانکی، حجم قابل توجهی از مبلغ حساب کوتاه مدت خارج و دوباره از طریق دیگری در زمان بعدی مثلا دریافت حقوق پر می‌شود.

به عبارت دیگر، اکثر سپرده گذاران حقوق و دریافتی و کمک‌های نقدی خانواده و... را در این حساب نگه می‌دارند اما از آن در طول ماه استفاده می‌کنند و رقم آن ثابت نیست.

براین اساس، اگر فرض کنیم که تنها یک سوم این رقم ثابت می‌ماند یعنی

در طول ماه تنها ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان در حساب‌های کوتاه مدت دست نخورده باقی خواهد ماند و به آن سود ماهانه تعلق خواهد گرفت. به عبارت دیگر، در طول سال حدود دو سوم هزینه پرداخت سود کوتاه مدت بانکها بابت حساب پشتیبان و سود روزشمار، عملا حذف می‌شود. با روز شمار شدن سپرده کوتاه مدت، از آنجا که بخش عمده‌ای از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان سپرده کوتاه مدت به خاطر حساب پشتیبان حساب جاری ایجاد شده و پایه خاطر گردش مالی روزانه خرید روزانه مردم در طول ماه تغییر می‌کند لذا به آن سود تعلق نخواهد گرفت و حداقل دو سوم آن در طول ماه ثابت نخواهد ماند. لذا با فرض سود ۱۰ درصدی به حساب‌های سپرده کوتاه مدت، در طول سال معادل سود ۱۰ درصدی ۳۵۰ هزار میلیارد تومان کاهش سپرده کوتاه مدت بدون سود از محل حذف حساب‌های پشتیبان و گردش روزانه کارت‌های بانکی در دست مردم، حداقلی منافعی معادل ۳۵ هزار میلیارد تومان برای بانکها ایجاد خواهد کرد.

سود ماه‌شمار چگونه محاسبه می‌شود؟

مصوبه شورای پول و اعتبار مبنی بر تغییر پرداخت سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت از روزشمار به ماه‌شمار، در میزان سود پرداختی به صاحبان حساب تغییراتی صورت می‌گیرد. در یک هزار و دویست و شصت و دومین جلسه شورای پول و اعتبار که در تاریخ بیستم آذرماه برگزار شد، مقرر شد «معیار پرداخت سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت عادی از روزشمار به ماه شمار تغییر یابد؛ به گونه‌ای که حداقل مانده حساب در ماه مبنای محاسبه سود سپرده‌های مزبور باشد.»

براین اساس همچنین مقرر شده است که یک ماه پس از تاریخ ابلاغ مصوبه و تمهید مقدمات و زیرساخت‌های لازم در شبکه بانکی کشور طی آن مقطع زمانی، مراتب در بانکها و موسسات اعتباری غیر بانکی به اجرا درآید. بر این اساس از ابتدای بهمن‌ماه سال جاری محاسبه سود علی‌الحساب سپرده‌های کوتاه‌مدت عادی از حالت روزشمار به ماه‌شمار تغییر می‌کند.

برای اینکه بدانیم سود ماه شمار سپرده‌ها چگونه محاسبه خواهد شد، باید ابتدا نحوه محاسبه سود روزشمار را مرور کنیم. سود سپرده‌های بانکی به صورت روزشمار و با نرخ سود علی‌الحساب طبق فرمول (مدت به روز) × (نرخ) × (مبلغ سپرده‌گذاری) تقسیم بر ۳۶۵ = سود سپرده‌های کوتاه‌مدت روز شمار محاسبه می‌شود.

به عبارت دیگر وقتی کارمند بانک به شما می‌گوید سود روزشمار ۱۵ درصد یعنی کمترین مانده روزانه شما جمع شده و در پایان سی روز محاسبه می‌شود. سپس عدد به دست آمده در ۱۵ درصد ضرب و مجموع آن تقسیم بر ۳۶۵ می‌شود. (عبارت ۳۶۵ معرف ۳۶۵ روز سال است.)

به‌عنوان مثال اگر ۱۰ میلیون تومان را به شکل ثابت در بانک با نرخ ۱۵ درصد نگه داریم سود آن این گونه به دست می‌آید که عدد ۱۰ میلیون در ۳۰ برای ماه‌های ۳۰ روزه و ۳۱ برای ماه‌های ۳۱ روزه ضرب شده و عدد

۳۰۰ میلیون تومان به دست آمده در ۱۵ درصد ضرب می‌شود. حال عدد ۴۵ میلیون تومان به دست آمده بر ۳۶۵ تقسیم می‌شود و مبلغ ۱۲۳ هزار تومان به دست می‌آید و این سود یک ماه مبلغ ۱۰ میلیون تومان ثابت با نرخ ۱۵ درصد است.

پیش از پرداخت سود به مشتریان براساس حداقل مانده حساب آن‌ها در طول یک روز بوده، اما با این تغییر، سود پرداختی به مشتریان براساس میانگین حداقل مانده حساب آن‌ها در روزهای یک ماه محاسبه و در پایان ماه به حساب آن‌ها واریز می‌شود. یعنی در فرمول فوق تبدیل به فرمول «نرخ سود ضربدر تعداد روزهای ماه ضربدر کمترین مانده طی ماه» خواهد شد.

همچنین در بند دوم این بخشنامه نیز تاکید شده که کماکان مطابق رویه معمول در صورت فسخ سپرده‌ها با ماهیت کوتاه‌مدت، برای مدت زمان سپری‌شده طی ماه فسخ و بر اساس حداقل مانده مقطع زمانی سپری‌شده آن ماه، سود محاسبه و پرداخت می‌شود. بنابراین چنانچه ابتدا و انتهای مقطع محاسبه سود سپرده بنا به دلایل مختلف، در دو ماه متوالی قرار گیرد، مبنای محاسبه سود در ماه ابتدایی بر اساس حداقل مانده مقطع سپری شده در آن ماه و مبنای محاسبه سود در ماه بعدی نیز بر اساس حداقل مانده سپری‌شده ماه بعدی خواهد بود که در آخر، مجموع سودهای محاسبه شده به‌عنوان سود قابل پرداخت به حساب مشتری کارسازی می‌شود.

با توجه به رقم بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی سپرده کوتاه مدت

در مهرماه ۹۷ و رقم تراکنش ۲۲۱ هزار میلیارد تومانی تراکنش

بانکی در آبان ۹۷ با میانگین هر تراکنش بانکی ۱۲۳ هزار تومان

می‌توان دریافت که بخش عمده‌ای از سپرده‌های بانکی از نوع

کوتاه مدت است که، در صورت ماه شمار شدن سود کوتاه مدت،

اثری بر موجودی حساب عموم مردم که برای خرید از آن استفاده

می‌کنند، نخواهد داشت اما روی آن بخش از صاحبان سهام که

حساب پشتیبان برای حساب جاری دارند، اثرگذار خواهد بود

بنابراین چنانچه برای مثال حسابی در تاریخ ۱۵ فروردین سال آینده افتتاح شود با رعایت سایر شرایط و ضوابط، سود بر اساس کمترین مانده حساب از تاریخ ۱۵ فروردین تا ۳۱ فروردین سال آینده برای ماه فروردین و کمترین مانده از تاریخ اول اردیبهشت تا ۳۱ اردیبهشت سال آینده برای ماه اردیبهشت به صورت جداگانه محاسبه و مجموع ارقام فوق در پایان اردیبهشت ماه به حساب منظور می‌شود ■

مار خوش خط و خال و اقتصاد ایران

کف زمین

ولو شده بود. در هیاهوی خیابان فردوسی تهران، در روزی که آدم‌های حوالی صرافی‌ها سوالشان از هم مدام درباره قیمت روز دلار بود. قاسم عرش به فرش رسیده بود. مات و مبهوت کنار یک صرافی در حلقه رفقاییش نشسته بود. اصرار داشت قیمت‌ها دوباره بالا می‌رود و همه این مردمی که دارند دلار می‌فروشند، «پشیمان» می‌شوند. کارش دلالی دلار بود. پولی که گذاشته بود وسط برای خریدن دلار «یک میلیارد تومان» بود.

از آن دیدار، بیش از ۴ ماه می‌گذرد و دلار هر ماه پائین و پائین تر آمده است و آن مردمی که دلارهای خود را فروختند پشیمان نشدند. محمد اما ضرر کرد.

او یکی از هزاران نفری بود که سرمایه اش را از یک راه ویژه به دست آورده بود. سود بانکی حسابش از موسسات ورشکسته بانکی. پولی که اصلش را او و خیلی از مالباختگان موسسات مالی بعد از اعتراض‌های دراز دامن مقابل مجلس و بانک مرکزی توانستند برگردانند.

جنس همه مالباختگان البته از جنس قاسم نبود. سال ۹۶ هزارگانه‌ای کسانی که از خیابان میرداماد تهران می‌گذشتند، گروهی از مردم متحصن را جلوی بانک مرکزی می‌دیدند. مردی خشمگین که حتی

تصویر سیف- رئیس وقت بانک مرکزی- را در حالت یک اعدامی در دست داشتند. در این میان البته بودند چهره‌هایی که به این تجمعات مشکوک بودند.

آبان ۹۶ پالیزدار مسئول دبیرخانه ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی در گفت و گویی در پاسخ به اینکه اهداف تجمعات صورت گرفته گفت: برخی تجمعاتی که توسط کسانی که ادعا می‌کنند مالباخته این موسسات هستند صورت می‌گیرد، به نوعی سازماندهی شده است. می‌توان ادعا کرد که در اغلب تجمعات شکل گرفته، بسیاری وجود دارند که جزو افراد مال باخته محسوب نمی‌شوند حتی می‌توان اذعان کرد که شکل گیری تجمعات با هدایت سرمایه داران موسسات با هدف ملتهد نمودن جو حاکم و شرایط رسیدگی به پرونده برنامه‌ریزی شده است. تعدادی از تجمعات هم توسط عده‌ای برگزار می‌شود که سرمایه‌های کلانی را در این موسسات سپرده‌گذاری کرده بودند حال که این افراد از دریافت سپرده‌های خود نا امید شده‌اند تعدادی از مردم را اجیر کرده و این افراد در قبال مبلغی دستمزد، به جای آنها شعار می‌دهند.

اینکه آن مردم، آن تجمعات چقدر حقیقی بود، سوالی است که مراجع قضایی و امنیتی می‌توانند درباره آن اظهار نظر کنند، اما حضور رسانه‌ها در این تجمعات و گفت و گو با مردم می‌گوید آن معترضان معتقد بودند بانک مرکزی به این موسسه‌های مالی مجوز داده و آنها به اعتبار نام بانک مرکزی، پول‌های خود را در این موسسات خوابانند. افرادی که سرمایه‌های اندک خودشان را برای روزهای سخت به قول خودشان «ذخیره کرده بودند» تا در آینده کمک زندگی شان باشد. در میان کسانی که آن سال در تحصن‌های مختلف حضور داشتند بودند کسانی که خانه و زندگی شان را فروخته بودند، تا یک یا دو سال بعد بتوانند با سود این موسسات با سرمایه شان کاری تازه انجام دهند.

لغو مجوز برخی موسسات مالی و اعتباری اما روند بازی را عوض کرد. موسساتی که سال ۹۲ تصمیم گرفتند به حساب‌های بانکی سود تا رقم نزدیک به ۲۵ تا ۳۰ درصد بدهند. سودهای وسوسه انگیز که رسانه‌ای شدن کسر دارایی این موسسات توسط بانک مرکزی موجب یورش مردم به این موسسات برای دریافت سپرده‌هایشان شد. نتیجه نهایی این وضعیت کسری نقدینگی و ورشکستگی این موسسات شد.

موسسات «کاسپین»، «ایرانیان»، «افضل توس»، «آرمان وحدت» و «ثامن الحجج» موسسه‌هایی بودند که با اتفاق تازه ورشکسته شدند.



بهمین ۹۶ معاون وقت نظارتی بانک مرکزی در گفت و گویی درباره یکی از این موسسات اظهار نظر کرد.

باشگاه خبرنگاران جوان در آن تاریخ از قول این معاون نوشته بود: «موسسه بدر توس، هزار میلیارد تومان به مردم بدهکار است درحالی‌که تنها ۱۷ میلیارد تومان دارایی مکشوف دارد و ما برای تسویه با سپرده‌گذاران آن، ۵۶ میلیارد تومان اختصاص دادیم و ۶۱ فقره سند در استان خراسان توسط قوه قضاییه شناسایی شده که در صورتیکه معاون اول قوه قضاییه آن را قطعی اعلام کند، عملیات پرداخت به سپرده‌گذاران این موسسه هم آغاز می‌شود اما دامنه تخلفات در این موسسه بسیار گسترده بوده و ۷۰۰ میلیارد تومان سپرده جعلی و موهوم در این موسسه شناسایی شده یا بخشی از آن در بیرون فروخته شده اما در موسسه ثبت نشده است.»

تخلفاتی که سر نخ آن به ۱۱ سال قبل از آن بر می‌گردد. روزهایی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ما بین سالهای ۸۵ تا ۹۰ به این موسسات مجوز می‌دهد. موسساتی که مجوزهای محلی و استانی داشتند، اما خیلی زود شعبه‌هایشان در بهترین خیابان‌های پایتخت مثل قارچ رشد کردند. موسسه ثامن الحجج یکی نمونه از این موسسات بود که مجوزش برای شهر سبزوار بود.

موسسه‌ای که خیلی زود تبدیل به یکی از مشهورترین موسسات مالی شد و حتی اسپانسر برنامه تلویزیونی ماه عسل هم شد.

فشار افکار عمومی روی نمایندگان و دولت در نهایت باعث شد سران سه قوه، به همه سپرده‌گذاران مبلغ مشخصی از اصل سپرده شان پرداخت شد و اردیبهشت ۱۳۹۷ اعلام گردید که تا سقف یک میلیارد تومان از اصل سپرده‌ها و با حذف سود سپرده، پرداخت خواهد گردید و بازپرداخت مابقی سپرده‌ها منوط به شناسایی دارایی‌های بیشتر از این موسسات می‌باشد. اما سرنوشت این سپرده‌ها دست مردم چه شد؟ بازار ارز، سکه، و خوردو از جمله بازارهایی بود که خیلی زود تاثیر خود را در اقتصاد ایران نشان داد. مردمی که برای حفظ سرمایه شان وارد بازارهایی شدند که شاید قبل از آن با آن کار زیادی نداشتند.

۲۱ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان پول تازه در جریان بازگشت پول به موسسات بانکی از این بازار به سمت بازار ارز و دلار رفت و موجب افزایش تقاضا شد. دلار از رقم سه هزار و پانصد تومان شروع به بالا رفتن کرد و تا رقم هیجده هزار تومان هم رسید و این طور شد که از آن پس، سوال درباره قیمت روزانه دلار و تاثیرش بر اجناس، از بحث‌های روزمره مردم شد.

در دوران شبکه‌های اجتماعی، کانال‌های تلگرام هم مزید بر علت بود تا بر این آتش زیر خاکستر بدمد و هیجان‌های بازار، روی زندگی مردم تاثیر بگذارد.

چند ماه بعد که قیمت دلار دوباره فروکش کرد، خبر سکه قلبی برخی از افرادی که زندگی شان را با دلار قمار کرده بود در رسانه‌ها منتشر شد. اتفاقی که مشابه آن در سالهایی اول انقلاب افتاده بود و بعد از پایان جنگ رژیم صدام علیه ایران و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، خیلی از کسانی که در



سالهای جنگ روی سکه و ارز تمرکز کرده بودند، با فروکش کردن قیمت این اجناس، سکه کردند. سکه‌هایی که آن قدر فراگیر شد که بعدها شایع شد نام یکی از قطعه‌های بهشت زهراي تهران را مردم گذاشته‌اند قطعه ۵۹۸. پول‌های سرگردان اما همچنان در دست مردم است. سیف رئیس سابق بانک مرکزی در اواخر دوران مسئولیتش اعلام کرد: «حدود ۲۰ درصد

فشار افکار عمومی روی نمایندگان و دولت در نهایت باعث شد

سران سه قوه، به همه سپرده‌گذاران مبلغ مشخصی از اصل

سپرده شان پرداخت شد و اردیبهشت ۱۳۹۷ اعلام گردید که

تا سقف یک میلیارد تومان از اصل سپرده‌ها و با حذف سود

سپرده، پرداخت خواهد گردید و بازپرداخت مابقی سپرده‌ها

منوط به شناسایی دارایی‌های بیشتر از این موسسات می‌باشد.

نقدینگی کشور حاصل موسسات غیر مجاز است که در گذشته به حساب نمی‌آمد. اینکه این سرمایه‌های سرگردان حالا چه می‌کنند، معلوم نیست؛ اما تاثیر این پول‌ها بر قیمت‌ها در بازار آن قدر ملموس است که حالا سوال مردم بعد از کاهش قیمت دلار این است؟ چرا قیمت اجناس پائین نمی‌آید؟ ■

در گفت‌وگو با محمد تقی وزیری، استاد دانشگاه کالیفرنیا و مشاور ارشد بانک جهانی مطرح شد:

اصلاح ساختار نظام بانکی با FATF



نیلوفر احدیان

بانک‌ها به‌عنوان محل تجمع حجم زیادی از بدهی و مطالبات، در اقتصاد هر کشوری نقشی کلیدی دارند و می‌توان بازار پول را مهمترین بازار مالی عنوان کرد. از آنجا که هر بانک در مقابل تک‌تک سپرده‌گذاران مسئول بوده و به میزان پولی که در اختیار بانک قرار داده و میزان سود مقرر نسبت به آنها بدهکار است. اما طی سال‌های اخیر با مشکلات متعددی که برای بانک‌ها و به خصوص موسسات مالی اعتباری فاقد مجوز ایجاد شد، اعتماد مردم به این نهادهای مالی هر روز کم و کمتر شد. در همین راستا، برای بررسی بیشتر این مشکلات گفتگویی با محمد تقی وزیری، استاد دانشگاه کالیفرنیا و مشاور ارشد بانک جهانی، داشتیم که در زیر می‌خوانید:

کارشناسان و اقتصاددان معتقدند هرگاه در کشوری تعداد بانک‌ها و موسسات مالی افزایش یابد، نشان از رکود و بیماری سیستم اقتصادی دارد، به نظر شما مشکل فعلی نظام بانکی در ایران چیست؟

به نظر من مشکل بانک‌های ایران را می‌توان در سه محور، وام‌ها و بدهی‌های بانک‌ها، سبد سرمایه و چگونگی استفاده از درآمدها و قوانین و سیاست‌های بانک مرکزی خلاصه کرد.

در حال حاضر تسهیلات پرداختی بانک‌ها به دولت و افزایش این تسهیلات در مدت زمانی مشخص به جهت دور زدن تحریم‌ها و خروج از مشکلات حاصل از تحریم اشاره کرد. اگر به آمار مرکز آمار ایران نگاه‌ی بیندازیم، در چهار سال گذشته با رشد ۱۴ درصدی و در سال قبل رشد ۱۶ درصدی داشته است. با ادامه این روند به طور حتم میزان بدهی دولت به بانک‌ها در سال ۹۸ با افزایش ۲۲ درصدی مواجه خواهد شد.

موضوع دوم، میزان وام‌های پرداختی به مردم است، تسهیلاتی که به دلیل اینکه بخش عمده‌ای از آن به افراد و نهادهای خاص پرداخت شده و به جای توسعه و گسترش میان مردم، در دست تعداد محدودی است که با تعویق و یا عدم پرداخت این تسهیلات از سوی این افراد، بانک‌ها با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند.

این موارد نه تنها موجب افزایش ریسک بانک‌ها خواهد شد، بلکه هزینه آنها را نیز افزایش می‌دهد و سید سرمایه‌گذاری بانک‌ها را با مشکلاتی مواجه می‌کند. بر همین اساس اگر بانک‌ها بخواهند سید سرمایه‌گذاری خود را به اجبار به نقدینگی تبدیل کنند، مجبور به فروش دارایی‌های خود و به تبع ایجاد مشکلاتی در بازارهای مختلف و در نتیجه رکود اقتصادی خواهد شد. اما سومین مشکل به قوانین و سیاست‌های بانک مرکزی ارتباط دارد، زیرا بانک مرکزی پنج بازوی اجرایی دارد که هر یک می‌تواند برای سیستم بانکی و سپرده‌گذاران و در نهایت اقتصاد کشور مشکلاتی ایجاد کند. این پنج مورد به شرح زیر است:

۱. سپرده‌هایی که بانک‌ها به‌عنوان سپرده قانونی و دیداری در بانک مرکزی قرار می‌دهند، این رقم در بسیاری از کشورها کمتر از ۱۰ تا ۱۲ درصد است اما در کشور ما این میزان متغیر بین ۱۰ تا ۳۰ درصد و بسته به ریسک‌پذیری بانک است و هرچه ریسک بانک بالاتر باشد، درصد سپرده قانونی و دیداری در بانک مرکزی نیز بیشتر خواهد شد. اما نکته حائز اهمیت این است که برخی بانک‌ها امکان پرداخت این میزان را ندارند و مجبور به استقراض از سایر بانک‌ها برای سپرده‌گذاری

در بانک مرکزی می‌شوند. این اقدام، روندی معمول است اما نه به اندازه‌ای که بانک‌ها در ایران از آن استفاده می‌کنند و در حال حاضر بانک مرکزی در این زمینه شرایط خوبی ندارد.

۲. بازوی دوم بانک مرکزی، ایجاد بازار عمومی خرید و فروش اوراق قرضه است. اما بانک مرکزی به دلیل اینکه در این زمینه نیازمند همکاری و کمک بازار سرمایه است و همکاری لازم میان این دو بخش وجود ندارد، بانک‌ها به‌عنوان واسطه کنار گذاشته شده‌اند و تنها بانک فعال در این حوزه بانک مسکن است.

۳. بازوی سوم را می‌توان نرخی عنوان کرد که عمده فروشی پول نام دارد اما بانک مرکزی به هیچ عنوان از این بازو استفاده نکرده است.

۴. بازوی چهارم، ایجاد قوانین سرمایه‌گذاری در بازار بورس است که این قوانین نیز حدود ۲۰ سال است که تغییر نکرده است.

۵. بازوی پنجم، سیاست تعامل و تعادل با بانک‌ها است که باز هم بانک مرکزی در این زمینه اقدام جدی نداشته است.

تمام این موارد مشکلاتی است که هم بانک مرکزی و هم سایر بانک‌ها با آن مواجه هستند و بانک مرکزی، بانک‌ها، سپرده‌گذاران و تسهیلات گیرندگان، هرکدام در ایجاد این مشکلات سهیم هستند.

آقای دکتر با تمام این تفاسیر پیش‌بینی شما از وضعیت سیستم بانکی در سال ۹۸ چیست؟

امیدوارم با آسیب‌شناسی صحیح بانک‌ها و سیاست‌های پولی و مالی کشور، در حوزه مربوط به مجلس با قوانین بهتر و در حوزه مربوط به دولت با اجرای درست این قوانین و عملکرد صحیح سایر نهادها، تمام این مشکلات حل و فصل شود، زیرا مردم اعتماد خود را به بانک‌ها از دست داده‌اند و با کوچکترین عاملی سپرده خود را از بانک‌ها خارج کرده و موجب بروز مشکلاتی در سایر بازارها در کشور می‌شوند. لازم به ذکر است که از استقلال بانک مرکزی و بازار سرمایه نیز نباید غافل باشیم، استقلال به معنی سیاست‌های پولی و مالی مستقل اما هماهنگ است.

به نظر شما علاوه بر اقدامات داخلی، حل و فصل برخی مشکلات و موانع خارجی و استانداردهای دستورالعمل‌ها و صورت‌های مالی بانک‌ها، می‌تواند عاملی برای بهبود و رفع مشکلات نظام بانکی ایران باشد؟

بله. نکته مهم تلاش برای تغییر و تصحیح این ساختارها و شفاف‌سازی کامل است تا بتوان در جهت پیوستن به FATF اقدام کرد، زیرا این نوع بانکداری با دوام نیست و برای اقتصاد و کشور مشکل‌آفرین خواهد بود. اما این در حالی است که با مشکلات متعددی برای پیوستن به این استانداردها و کانال‌های مالی جهانی هستیم.

در کشور موافقان و مخالفانی برای پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی یا همان FATF وجود دارد، نظر شما در این زمینه چیست؟

به جای اینکه بگوییم بد است یا خوب، باید ساختار پولی و بانکی کشور را با قوانین بین‌المللی هماهنگ و مطابق کنیم تا برای پیوستن به این استانداردها مشکلی پیش روی سیستم بانکی و کشور نباشد. با اصلاح ساختارهای نظام

بانکی نه تنها برای پیوستن به FATF مشکلی نخواهیم داشت، بلکه ایران می‌تواند به یکی از بازوان اجرایی این سازمان نیز تبدیل شود.

اگر پنج بازوی اجرایی بانک مرکزی که پیش از این نیز به آن اشاره شد، کارا، شفاف و پر منفعت باشد، بی‌شک بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و مباحث پولشویی تنها بخش کوچکی از این اقدام و FATF است.

اخیراً صحبت از ایجاد کانال‌های مالی میان ایران و اروپا از جمله SPV و INSTEX شده که برخی آن را ناکارآمد و تنها یک نمایش می‌دانند، به نظر شما ایران می‌تواند روابط مالی خود را با کشورهای اروپایی از طریق این کانال‌ها یا روابط مالی جدید برقرار کند یا خیر؟

طبق مذاکرات انجام شده، مقرر بود یک نهاد مالی یا همان SPV (special payment vehicle) که فرانسوی‌ها پیش از این اقداماتی در این زمینه آغاز کرده بودند، برای برقراری ارتباط مالی و بانکی با ایران راه اندازی شود اما از ۶ دی سال جاری تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه انجام نشده و اخیراً صحبت از INSTEX (Instrument in Support of Trade Exchanges) به میان آمده است.

به جای اینکه بگوییم گروه ویژه اقدام مالی (FATF) بد است یا خوب، باید ساختار پولی و بانکی کشور را با قوانین بین‌المللی هماهنگ و مطابق کنیم تا برای پیوستن به این استانداردها مشکلی پیش روی سیستم بانکی و کشور نباشد

اما نکته مهم این است که ایران برای استفاده از SPV باید عضو FATF باشد اما به دلیل عدم الحاق به این طرح اقدام ویژه مالی یا FATF، امکان استفاده از کانال مالی SPV وجود ندارد. اخیراً نیز صحبت از اینستکس به‌عنوان ابزار پشتیبان مبادلات تجاری برای ورود سه دسته کالا کشاورزی، مواد غذایی و دارو است، کالاهایی که جزء تحریم‌ها نیست و اگر مینا بر معامله کالا با کالا است، باید به کالاهای اساسی که جزء لیست تحریم‌ها است، اختصاص یابد. موضوعی که توجه به آن ضروری است، عدم حمایت دولت فرانسه از شرکت‌های خارجی است و از آنجا که اینستکس در فرانسه به‌عنوان یک شرکت خارجی ثبت شده، شامل تضمین‌های دولت نخواهد شد. اما سؤال مهم این است که چرا به جای ثبت این شرکت در آلمان، در فرانسه ثبت شده زیرا قوانین بانکی فرانسه نسبت به شرکت‌های خارجی بسیار ناعادلانه است. موضوع مهم دیگری که باید در زمینه کانال‌ها و نهادهای مالی میان ایران و اروپا به آن توجه داشت این است که ایران مورد تحریم سوئیفت قرار دارد پس باید کانال یا روابط ایجاد شده، جایگزینی برای سوئیفت باشد اما اینستکس هیچ ربطی به تحریم سوئیفت ندارد و همچنین نمی‌تواند درمانی برای پول‌های بلوکه‌شده ایران در آمریکا و سایر کشورها باشد ■

بودجه ۹۸

از چالش‌های خرد و کلان اقتصاد ایران تا نرخ دلار و کاهش درآمد دولت



محسن شمشیری

اقتصاد

ایران در سال ۹۸ با طیف گسترده‌ای از مشکلات قدیمی و ساختاری و جدید مواجه است و در حالی که همچنان با مشکلات ساختاری و ابرچالش‌های بیکاری و محیط زیست، و شوک بحران ارزی روبرو است، در کنار مشکلات خرد و کلان سال‌های اخیر موسسات مالی، رکود بخش‌های اقتصادی و افزایش قیمت کالاها در سال ۹۷ و... با مشکلات جدید کاهش درآمد حاصل از نفت، عدم تحقق درآمد مالیاتی، مالیات، افزایش مشکلات خرد و کلان، بدهی دولت، بانک‌ها، مطالبات معوق، نیاز واحدهای اقتصادی به نقدینگی بیشتر و مواجهه است و باید نمونه‌ای از مشکلات خرد و کلان از آب رسانی به عشایر و روستاها و تاسیسات تبدیل پسماند به مواد و انرژی، تا مشکلات صندوق‌های بازنشستگی، کارگران، بهداشت و درمان، رونق اشتغال از طریق بخش مسکن، را در کنار موضوعاتی مانند چالش بازگشت ارز صادراتی و ضرورت تشویق صادرکنندگان به صادرات بیشتر و بازگشت ارز حاصل از صادرات در دستور کار قرار دهد.

مشکلات سال سخت ۹۸ تا جایی مورد توجه کارشناسان قرار گرفته که علاوه بر دو سناریوی تحقق قیمت و درآمد نفت، عده‌ای خواستار آن شده‌اند که از درآمد محدود ۲۰ میلیارد دلاری سال آینده، ۱۴ میلیارد دلار برای تامین کالاهای اساسی و نوعی سهمیه‌بندی کالا جهت خانوارهای ایرانی استفاده شود و برای جلوگیری از رشد شدید قیمت‌ها، و کمبود کالاهای اساسی مانند گوشت و مرغ اقدامات ویژه‌ای انجام شود.

مشکلات سال سخت ۹۸ تا جایی مورد توجه کارشناسان قرار گرفته که علاوه بر دو سناریوی تحقق قیمت و درآمد نفت، عده‌ای خواستار آن شده‌اند که از درآمد محدود ۲۰ میلیارد دلاری سال آینده، ۱۴ میلیارد دلار برای تامین کالاهای اساسی و نوعی سهمیه‌بندی کالا جهت خانوارهای ایرانی استفاده شود و برای جلوگیری از رشد شدید قیمت‌ها، و کمبود کالاهای اساسی مانند گوشت و مرغ اقدامات ویژه‌ای انجام شود

به عبارت دیگر، شرایط سال ۹۸ را نباید مانند شرایط سال‌های قبل ارزیابی کرد بلکه باید میزان واردات کالاهای غیر ضروری محدود و کنترل شود و بر بازار کالاهای اساسی و ضروری مردم نظارت دقیق صورت گیرد.

از آنجا که در سال ۹۸ انتخابات مجلس نیز پیش روست در شرایط کمبود درآمد و عدم تحقق منابع درآمدی، مشکلات روبه افزایش بانک‌ها و... نمایندگان تلاش دارند که برای رضایت رای دهندگان طرح‌هایی مانند مشکلات محلی حوزه انتخابیه، افزایش وام ازدواج به ۶۰ میلیون تومان و... را نیز در دستور کار قرار دهند اما واقعیت این است که منابع بودجه کشور، مشکلات بزرگ کلان کشور، و به خصوص نظام بانکی کشور با توجه به بدهی دولت، اضافه برداشت‌ها، نبود کفایت سرمایه کافی، مطالبات معوق، و... توان تحمل این همه هزینه را ندارد و رشد برخی هزینه‌ها عملاً چالش‌های بیشتری را در سال آینده ایجاد خواهد کرد و به‌عنوان مثال، مشخص نیست که از چه منابعی قرار است برای ۶۰۰ هزار ازدواج حدود ۳۶ هزار میلیارد تومان پرداخت شود.

در کنار انبوه مشکلات رنگارنگ و طیف گسترده چالش‌های خرد و کلان اقتصاد ایران، موضوعاتی مانند نرخ دلار، میزان درآمد نفت سال آینده، منابع مورد نظر نمایندگان مجلس در حوزه‌های انتخابیه، مشکل قیمت یا سهمیه‌بندی بنزین و ترافیک و آلودگی هوا و... باید در دستور کار قرار گیرد و همه این موارد علاوه بر فشار هزینه‌ای بر مردم و خانوارها، فشار مضاعفی بر دولت تحمیل خواهد کرد که از حالا مشخص است چه از طریق منابع بودجه‌ای و چه از طریق منابع بانکی، چاره‌ای جز رشد اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، بدهی دولت به بانک‌ها، رشد پایه پولی و اثر آن بر رشد نقدینگی و تورم نیست و این مسائل در کنار کاهش درآمد مردم، بیکاری، تعطیلی برخی کسب و کارها و گرانی و کمبود کالاها، مشکلات اجتماعی را نیز به همراه خواهد داشت.

از این رو، دقت در مخارج و صرف هزینه‌های هر دلار و ریال منابع بودجه‌ای و بانکی، یک ضرورت است و نمی‌توان مانند سال‌های گذشته، واردات کالاهای مختلف نظیر خودروهای لوکس و... را انتظار داشت زیرا در شرایطی که بسیاری از مردم جایگزین کردن یک گوشی تلفن همراه به جای گوشی قبلی خود را ناممکن ارزیابی کرده‌اند، روشن است که نیازهای ضروری و اساسی تعریف متفاوتی نسبت به گذشته دارد و اساساً تعریف گروه‌های کالایی و ضروری و معمولی و لوکس تغییر کرده و بسیاری از کالاها به گروه لوکس و گران قیمت منتقل شده‌اند.

تعریف فقر، میزان قدرت خرید، دهک‌های درآمدی، متوسط و فقیر و غنی

نیز تغییر کرده و با این قدرت خرید فعلی، خرید یک آپارتمان نیز برای بسیاری از خانوارها در کشور غیر ممکن شده است.

ممنوعیت واردات گروه چهارم

ممنوعیت واردات گروه چهارم در مناطق آزاد نیز نشان می‌دهد که دولت خود را برای محدود کردن واردات کالاهای معمولی و لوکس آماده کرده است. زیرا پیرو صدور مجوز واردات کالاهای گروه چهارم به برخی از مناطق آزاد تجاری و ویژه‌ی اقتصادی توسط تعدادی از مسئولان استان‌های مرتبط آن مناطق، رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد در جلسه هیات دولت این تخلف برخی مناطق مطرح شد و نظر دولت همچنان بر ممنوع بودن ورود این کالاها به کشور حتی در مناطق آزاد تجاری و ویژه‌ی اقتصادی است. عمده‌ترین اقلام گروه چهارم کالایی برای واردات، لباس و منسوجات، لوازم آشپزخانه، ابزار کار، لوازم مورد استفاده در ساخت مسکن، خودرو، کفش و کیف و سایر مصنوعات چرمی، لوازم آرایشی بهداشتی و مبلان و مصنوعات چوبی هستند.

رشد کالای مشمول دلار ۴۲۰۰ تومانی ۴۵ درصد کمتر از بقیه

یکی از بحث‌های بودجه سال ۹۸ این است که نرخ دلار باید چه میزان باشد تا نیازکالاهای اساسی را برطرف و به تقاضای مسافرتی و واردات کالا نیز پاسخ گو باشد و در عین حال از رشد شدید قیمت‌ها جلوگیری نماید و در عین حال تاحدودی به تامین کسری بودجه دولت کمک کند. با توجه به وضعیت کاهش درآمد و منابع بودجه‌ای سال ۹۸ و همچنین احتمال عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده از طریق درآمد نفت، مالیات، و... برخی کارشناسان و از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس برای پوشش بخشی از کسری بودجه و همچنین اثرگذاری نرخ ارز بر تعادل بازار، نرخ دلار ۸ هزار تومانی سامانه سنا و حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی را پیشنهاد داده‌اند و معتقدند که تنها ۶ درصد تورم ایجاد خواهد کرد. این در حالیست که در مقابل، برخی کارشناسان و از جمله گزارش معاونت اقتصادی بانک مرکزی نشان می‌دهد که کالاهای مشمول دلار ۴۲۰۰ تومانی و نرخ‌های حمایتی ارز، با کاهش رشد قیمت‌های کمتری در سال ۹۷ مواجه بوده‌اند و تنها در مورد گوشت و مرغ شاهد رشد قیمت‌ها بیش از تمام کالاهای مشمول و غیرمشمول بوده ایم که دلیل عمده آن رشد صادرات یا قاچاق گوشت و مرغ و دام زنده به کشورهای همسایه بوده است.

گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد که رشد قیمت کالاهای مشمول دلار ۴۲۰۰ تومانی ۴۵ درصد کمتر از سایر کالاها بوده اما رشد نرخ گوشت و مرغ بالاتر از بقیه کالاها بوده است

شاخص بهای اقلام مشمول نرخ ارز حمایتی در آذرماه سال ۱۳۹۷ نسبت به اسفندماه سال گذشته ۴.۴۰ درصد افزایش یافته که در مقایسه با افزایش ۹.۷۳ درصدی قیمت اقلام کالایی غیرمشمول نرخ ارز حمایتی در سبد خانوارها در سطح پایین‌تری قرار دارد. به عبارت دیگر، کالاها و



خدمات مصرفی مشمول ارز حمایتی به میزان ۵۵ درصد قیمت کالاها و خدمات مصرفی غیر مشمول ارز حمایتی رشد داشته و ۴۵ درصد کمتر رشد داشته. همچنین علی‌رغم موفقیت نسبی سیاست تخصیص ارز حمایتی قیمت برخی اقلام مشمول (نظیر گوشت قرمز و گوشت مرغ) نسبت به سایر اقلام کالایی موجود در سبد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری رشد به مراتب بالاتری را تجربه کرده است این امر نشان می‌دهد که در صورت عدم اجرای سیاست تخصیص ارز حمایتی و رشد قیمت این کالاها همانند کالاهای غیر مشمول، فشار تورمی در سال جاری به نحو قابل ملاحظه‌ای تشدید می‌شد که به نوبه خود می‌توانست اثرات بیشتری را بر رفاه خانوارها به ویژه اقشار آسیب پذیر جامعه به همراه داشته باشد.

با توجه به وضعیت کاهش درآمد و منابع بودجه‌ای سال ۹۸ و همچنین احتمال عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده از طریق درآمد نفت، مالیات، و... برخی کارشناسان و از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس برای پوشش بخشی از کسری بودجه، نرخ دلار ۸ هزار تومانی سامانه سنا و حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی را پیشنهاد داده‌اند و معتقدند که تنها ۶ درصد تورم ایجاد خواهد کرد

به دنبال انتشار گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس مبنی بر افزایش نرخ ارز حمایتی از دلار ۴۲۰۰ تومانی به ۸ هزار تومان با هدف تامین بخشی از کسری بودجه دولت و اثر آن بر نرخ تورم به میزان ۶ درصد، که با



تولیدی کشور، علاوه بر تقویت اثربخش‌تر کردن سیاست‌های نظارتی، به تدریج سایر سیاست‌های حمایتی، جایگزین سیاست تبعیض قیمتی در عرضه کالاها شود.

اقدامات بانک مرکزی

بانک مرکزی تلاش دارد که از طریق اقداماتی که در فاصله مرداد ۹۷ تا کنون انجام داده و ادامه آنها، به ساماندهی و کنترل بازار ارز و ریال بپردازد. الزام صادرکنندگان به بازگشت ارز که تاکنون تنها ۹ میلیارد دلار از ۳۰ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی را به کشور بازگشته است، ایجاد کانال مالی ایران و اروپا، جمع آوری ۸ هزار میلیارد تومان چک تضمینی، ماه شمار کردن سود حساب کوتاه مدت، کاهش سقف تراکنش بانکی در داخل و خارج کشور، به ۵۰ میلیون تومان به ازای هر کارت که عملاً میزان تراکنش ماهانه را حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان در ماه کاهش داده و به کاهش معاملات و مبادلات پولی و خرید در بازار منجر شده است، کنترل و نظارت بر صرافی‌ها و بانک‌ها برای فروش ارز، حذف چهار صفر از پول ملی برای بهبود ظاهر ارزش پول ملی، و... اقداماتی است که در دستور کار بانک مرکزی است.

که در مقایسه با رشد ۶.۴ درصدی شاخص بهای اقلام غیرمشمول در سطح بالاتری قرار دارد. مقایسه رشد بهای اقلام مشمول و غیرمشمول ارز حمایتی در این ماه‌ها حاکی از بروز برخی مشکلات در حوزه تنظیم بازار این کالاها می‌باشد.

موفقیت ارز حمایتی به شرط تقویت نظارت

بر این اساس، اعضای شورای پول و اعتبار ضمن تایید تاثیر سیاست تخصیص ارز حمایتی بر کاهش نرخ تورم کالاهای اساسی و دارو، بر ضرورت تقویت اقدامات نظارتی در سه حوزه قیمت گذاری، تامین تا توزیع و مقابله با صادرات قاچاق در راستای بهره مندی حداکثری اقشار آسیب‌پذیر از این سیاست تاکید کردند. در عین حال باید توجه داشت که سیاست تخصیص ارز حمایتی، یک روش کوتاه‌مدت به منظور جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی در زمان بروز شوک منفی عرضه ناشی از تحریم، و حمایت از گروه‌های کم درآمد و اقشار آسیب پذیر جامعه است و انتظار می‌رود در میان‌مدت به منظور جلوگیری از ایجاد رانت و اختلال در مکانیزم قیمت‌ها و همچنین جلوگیری از آسیب به ساختارهای تجاری

از سوی معاونت اقتصادی بانک مرکزی با عنوان «بررسی تاثیر اختصاص ارز حمایتی بر قیمت کالاهای اساسی» ارائه شد در دو سطح شاخص بهای تولید کننده و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور را مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهد که تخصیص ارز حمایتی به کالاهای اساسی و دارو بر اساس تصویب‌نامه ۱۶ مرداد ۹۷ هیئت وزیران، توانسته است تا حدود زیادی از افزایش شتابان قیمت این قبیل کالاها که سهم بالاتری از سبد مصرفی دهک‌های پایین درآمدی را به خود اختصاص می‌دهد جلوگیری کند؛ به نحوی که افزایش شاخص بهای این کالاها در نه ماهه سال جاری به شکل معنی‌داری در مقایسه با کالاهای غیر مشمول کمتر بوده است.

در گزارش یاد شده، به منظور بررسی میزان اثرگذاری سیاست مزبور، کالاهای مورد نظر در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و شاخص بهای تولید کننده به دو گروه «کالاهایی که به صورت مستقیم از ارز حمایتی برخوردار هستند» و «کالاهایی که به صورت غیرمستقیم از ارز حمایتی برخوردار می‌باشند» تقسیم شده اند.

افزایش ۱۲ درصدی نرخ ارز رسمی

لازم به ذکر است که بخشی از افزایش قیمت اقلام مشمول سیاست مزبور در نه ماهه سال جاری متأثر از افزایش ۲.۱۲ درصدی نرخ ارز رسمی در سال جاری نسبت به اسفندماه سال گذشته و نیز افزایش هزینه‌های تولید همانند هزینه‌های بسته بندی، حمل و نقل و حقوق دستمزد در سال جاری نسبت به سال گذشته بوده است.

اثر ثبات بازار ارز بر کاهش تورم ماهانه

همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایجاد ثبات در بازار ارز و کاهش نرخ ارز در ماه‌های اخیر توانسته است تاثیر مناسبی بر کاهش نرخ تورم بر جای بگذارد؛ به نحوی که شاخص بهای تولیدکننده در آذرماه سال جاری نسبت به ماه قبل از آن ۵.۴ درصد کاهش داشته است. در این میان، بهای گروه کالاهای غیر مشمول ارز حمایتی در آذرماه نسبت به آبان ماه معادل ۹ درصد کاهش و در مقابل بهای اقلام متأثر از ارز حمایتی افزایشی ۳.۴ درصدی را تجربه نموده‌اند.

اثر رشد قیمت گوشت و مرغ بر تورم ماهانه آبان و آذر

در عین حال، نتایج گزارش مزبور حاکی از این است که علی‌رغم موفقیت نسبی سیاست تخصیص ارز حمایتی در جلوگیری از افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی و دارو، طی آبان و آذرماه سال جاری قیمت برخی اقلام مشمول (نظیر گوشت قرمز و گوشت مرغ) نسبت به سایر اقلام کالایی موجود در سبد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری رشد به مراتب بالاتری را تجربه کرده است. این امر باعث شده تا شاخص بهای اقلام مشمول ارز دولتی در سبد شاخص بهای مصرف‌کننده (مستقیم و غیرمستقیم) در آذر ماه نسبت به ماه قبل ۳.۵ درصد افزایش یابد

واکنش‌های مختلفی در بین کارشناسان اقتصادی مواجه شده و برخی صاحب نظران رشد قیمت ارز حمایتی از دلار ۴۲۰۰ تومان به ۸ هزار تومان، را زمینه ساز رشد نرخ ارز تا ۱۵ هزار تومان و تورم بیش از ۶ درصد ارزیابی کرده اند، معاونت اقتصادی بانک مرکزی نیز در گزارشی با عنوان اثر اختصاص ارز حمایتی بر قیمت کالاهای اساسی به شورای پول و اعتبار، اعلام کرد که شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی مشمول ارز حمایتی دلار ۴۲۰۰ تومانی به میزان ۵۴ درصد قیمت کالاهای غیر مشمول رشد کرده و به عبارت دیگر ۴۶ درصد کمتر از قیمت کالاها و خدمات مصرفی غیر مشمول ارز حمایتی رشد داشته است.

این گزارش نتیجه گرفته که شاخص بهای اقلام مشمول نرخ ارز حمایتی (اقلام مستقیم و غیر مستقیم) در سبد شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در آذرماه سال ۱۳۹۷ نسبت به اسفندماه سال گذشته ۴.۴۰ درصد افزایش یافته است که در مقایسه با افزایش ۹.۷۳ درصدی قیمت اقلام کالایی غیرمشمول نرخ ارز حمایتی در سبد خانوارها در سطح پایین‌تری قرار دارد. براین اساس، مشخص است که با توجه به وزن و اهمیت کالاهای اساسی مشمول دلار ۴۲۰۰ تومانی در شاخص تورم و هزینه خانوارهای کم درآمد و متوسط، اثر حذف رشد نرخ ارز حمایتی، احتمالاً بیش از ۶ درصد خواهد بود و البته در بررسی‌های دقیق‌تر باید مشخص شود که حذف ارز حمایتی دقیقاً به چه میزان، فشار هزینه‌ای و تورمی بر خانوارهای فقیر و کم درآمد را افزایش می‌دهد.

گزارش معاونت اقتصادی بانک مرکزی نتیجه گرفته که شاخص قیمت تولید کننده کالاهای مشمول ارز حمایتی نیز به اندازه ۳۸ درصد کمتر از قیمت کالاهای غیر مشمول رشد داشته است. به عبارت دیگر، با حذف

ایجاد ثبات در بازار ارز و کاهش نرخ ارز در ماه‌های اخیر

توانسته تاثیر مناسبی بر کاهش نرخ تورم بر جای بگذارد؛ به

نحوی که شاخص بهای تولیدکننده در آذرماه سال جاری نسبت

به ماه قبل از آن ۵.۴ درصد کاهش داشته است

دلار ۴۲۰۰ تومانی و افزایش نرخ آن به میزان نرخ ارز سایر کالاها، قیمت کالاهای اساسی و معیشتی با رشد بیشتری مواجه خواهد شد و این موضوع می‌تواند فشار بر خانوارها و گروه‌های آسیب پذیر را افزایش دهد این رشد قیمت شاخص‌های بهای تولید کننده کالاهای مشمول ارز حمایتی در مقایسه با افزایش ۷.۶۱ درصدی قیمت اقلام کالایی غیرمشمول نرخ ارز حمایتی در سبد شاخص بهای تولید کننده در سطح پایین‌تری قرار دارد.

این گزارش که در جلسه مورخ دوم بهمن ماه ۱۳۹۷ شورای پول و اعتبار،

با توجه به مشکلات بازنشسته ها، کاهش قدرت خرید به دلیل تورم‌های اخیر و شوک ارزی، افزایش تعداد بازنشسته‌ها در سالهای اخیر و کاهش درآمد شرکت‌های مرتبط با تامین اجتماعی، چالش صندوق‌های بازنشستگی نیز روبه افزایش است و براین اساس، نه تنها باید بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی باید پرداخت شود بلکه رشد کارایی و درآمد شرکت‌های مرتبط با شستا و تامین اجتماعی و سایر صندوق‌ها باید در دستور کار قرار گیرد

صادرکننده تلاش می‌کند که قدرت خرید و توان مالی خود را با حفظ ارز بیشتر تقویت کند.

مشکلات صندوق بازنشستگی

با توجه به مشکلات بازنشسته ها، کاهش قدرت خرید به دلیل تورم‌های اخیر و شوک ارزی، افزایش تعداد بازنشسته‌ها در سالهای اخیر و کاهش درآمد شرکت‌های مرتبط با تامین اجتماعی، چالش صندوق‌های بازنشستگی نیز روبه افزایش است و براین اساس، نه تنها باید بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی باید پرداخت شود بلکه رشد کارایی و درآمد شرکت‌های مرتبط با شستا و تامین اجتماعی و سایر صندوق‌ها باید در دستور کار قرار گیرد و در سال ۹۸ وزیر اقتصاد متولی پرداخت بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی شده است.

منابع وام ۶۰ میلیونی ازدواج از کجا تامین می‌شود؟

پرمش اساسی این است که این هزینه منابع ۳۶ هزار میلیارد تومانی وام ازدواج، برای بانک‌ها را چه کسی باید پرداخت کند یا باید از کجا پرداخت شود؟ برای تامین این رقم بانک‌ها با کمبود منابع قرض‌الحسنه مواجهند و بانک مرکزی و سایر بانک‌ها باید برای تامین این منابع عظیم از سایر سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده کنند. با فرض میانگین ۱۸ درصدی برای قیمت تمام شده پول، باید ۷ هزار میلیارد تومان برای سود یکسال پرداخت کنند. استفاده از خطوط اعتباری بانک مرکزی و اضافه برداشت بانک‌ها یا قرض گرفتن از بازار بین بانکی نیز به معنای انتشار پایه پولی، هزینه سنگین توری و رشد نقدینگی است. کمیسیون تلفیق بودجه ۹۸ افزایش میزان وام ازدواج جوانان را ۳۰ میلیون تومان برای هر یک از زوجین افزایش داد که با اجرای آن به هر زوج ۶۰ میلیون تومان وام ازدواج پرداخت خواهد شد. روندی خوب برای تامین مزدوجین جوان اما یک سوال مطرح است و آن این است که محل تامین منابع این وام ازدواج کجاست؟

طرح‌های عمرانی، موضوع انتشار اوراق خزانه و مالی اسلامی را نیز در دستور کار قرار داده و از جمله ۱۰ هزار میلیارد تومان برای افزایش سرمایه بانک ها، ۸ هزار میلیارد تومان برای شهرداری ها، ۳ هزار میلیارد تومان طرح‌های عمرانی، و... مطرح شده است.

علاوه بر ۱۰۰ میلیارد تومان برای زیر ساخت‌های مراسم اربعین، ۶۰ درصد از اوراق منتشرشده توسط شهرداری‌ها باید برای بازآفرینی اطراف حریمین امام رضا(ع)، حضرت معصومه(س)، حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، حضرت شاهچراغ(ع)، طرح‌های قطار شهری، حمل و نقل شهری و... هزینه شود.

واردات بدون انتقال ارز منتفی شد

در بودجه ۹۸ کمیسیون تلفیق واردات بدون انتقال ارز را منتفی کرد، زیرا به گفته رییس کل بانک مرکزی واردات بدون انتقال ارز در واقع ثبت سفارش انجام نمی‌شود و این اقدام باعث می‌شود ارز خارج از کنترل و اطلاع بانک مرکزی در کشور مبادله شود و در واقع این کار به سیاست گذاری‌های بانک مرکزی در حوزه ارزی لطمه می‌زند. در نتیجه واردات بدون انتقال ارز منتفی شد. همتی رئیس کل بانک مرکزی معتقد است که واردات بدون انتقال ارز خودرو و مواد اولیه باید اصلاح شود

افزایش سرمایه بانک‌ها

علی لاریجانی رییس مجلس در نشست کمیسیون تلفیق بودجه ۹۸ اعلام کرده که افزایش سرمایه بانک‌ها در دستور کار شورای سران قواست و براین اساس به نظر می‌رسد که براساس پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس موضوع افزایش سرمایه بانک‌ها تا ۳۴ هزار میلیارد تومان از محل ۱۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی اسلامی و همچنین ۱۴ هزار میلیارد تومان از محل وجه التزام و اصل و سود خطوط اعتباری بانک مرکزی مربوط به اضافه برداشت بانک‌ها تامین شود تا از این طریق بانک‌ها با کفایت سرمایه و سرمایه بیشتر بتوانند تسهیلات بیشتری به بخش‌های اساسی و تولیدی کشور در سال ۹۸ پرداخت کنند.

چالش بازگشت ارز صادراتی

با وجود نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار صادرات در ۱۰ ماه ابتدای سال ۹۷، تنها حدود ۷ تا ۹ میلیارد دلار ارز به کشور بازگشته است و برخی صادرکنندگان، دلیل عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات را تفاوت قیمت ارز سامانه نیما با نرخ دلار حدود ۸ هزار تومانی با نرخ ۱۲ هزار تومانی بازار آزاد و زیر ۱۲ هزار تومان سامانه سنا و همچنین تامین ارز برای مواد اولیه و ماشین آلات در سال ۹۸ با پیش بینی نرخ‌های بالاتر از ۱۲ هزار تومان ارزیابی کرده‌اند و معتقدند که بسیاری از فعالان اقتصادی، پیش بینی کرده‌اند که نرخ دلار بالاتر خواهد رفت و با محدودیت فروش نفت، افزایش شدید نقدینگی، انتشار و خلق پول توسط بانک ها، مشکلات درآمدی دولت و هزینه‌های سال آینده، بازار به سمت افزایش نرخ‌ها خواهد رفت و لذا

تجربه درآمد ۷ میلیارد دلار سال‌های قبل

برخی افراد از جمله علی لاریجانی رئیس مجلس گفته‌اند که در برخی سال‌ها از جمله سال‌های جنگ تا ۷ میلیارد دلار درآمد ارزی داشتیم که با آن باید هزینه جنگ و کالاهای اساسی را تامین می‌کردیم.

اما این پرسش مطرح است که آیا سال ۹۸ را می‌توان با سال ۱۳۷۷ و دولت اصلاحات که با درآمد ارزی محدود و کاهش قیمت نفت ۱۱ میلیارد دلار روبرو بود مقایسه کرد؟ آیا این سال‌ها با سال‌های جنگ که مردم از همه چیز برای مقابله با صدام می‌گذشتند، قابل مقایسه است؟ برخی کارشناسان در این زمینه معتقدند که کشور در سال‌های اخیر از نظر سیاسی و اجتماعی و اقتصادی متفاوت از گذشته شده است. حداقل از نظر اقتصادی، به شدت به دلار ارزان ۱ تا ۳ هزار تومانی عادت کرده و سالانه ۸۰ میلیارد دلار برای بخش‌های مختلف کشور وارد می‌شود، سطح زندگی و کالاهای مورد نیاز و رفتار مصرفی مردم تغییر کرده و پول به اولویت بسیاری از افراد و خانوارها تبدیل شده است. زیرا بسیاری از خدمات آموزشی، بهداشتی و حمل و نقل و... به پول بیشتر نیاز دارد، اجاره خانه‌ها افزایش یافته و نوع زندگی افراد مستقل از خانوارهای دیگر باعث افزایش هزینه‌ها شده است. بسیاری از خدمات و کالاها که قبلاً پولی نبوده اکنون با پرداخت پول مواجه شده است و حتی پرستاری از بیماران و افراد خانواده نیز بدون پرداخت پول بیشتر ممکن نیست.

بسیاری با توهم پول بیشتر رفاه و قدرت بیشتر مواجه هستند و میلیاردها تومان برای خرید خانه و خودرو و مسافرت و... هزینه می‌کنند بدون آن که احساس تعلق، رفاه و راحتی در شهرهای شلوغ داشته باشند و عملاً خودروها و زندگی ماشینی جایگزین عواطف و ارتباط انسانی شده و موضوعاتی مانند فساد مالی، اختلاف طبقاتی، آفازاده ها، زندگی‌های افسانه ای، مهاجرت و زندگی در خارج کشور و... عملاً قدرت تحمل مردم را کاهش داده است و لذا با توجه به این موارد، مسوولان باید توجه داشته باشند که نمی‌توان با حداقل‌های درآمد ارزی سال‌های جنگ و یا سال ۱۳۷۷ که مردم همراهی بسیاری با دولت داشتند، اقتصاد را اداره کرد. براین اساس، باید در کنار صرفه جویی و سهمیه‌بندی و کنترل‌های موجود، راهکار اساسی برای بهبود ساختار اقتصاد ایران را دنبال کرد تا فشار اقتصادی برای مردم و مدیران کشور قابل تحمل باشد.

مشکلات خرد و کلان سال ۹۸

دولت در کنار مشکلات درآمد هزینه، با چالش‌های بسیاری در اقتصاد مواجه است که باید برای آنها راهکار فوری ارائه دهد، از جمله تامین یارانه نقدی خانوارها، بودجه عمرانی طرح‌های نیمه تمام و مهم، گازرسانی و وضعیت مدارس، جاده‌های روستایی، ریزگردها، مسائل آب و محیط زیست، وضعیت بانک‌ها و تسهیلات بانکی به واحدهای اقتصادی و... چالش‌هایی است که از سال‌های قبل همچنان وجود داشته است. در شرایط کمبود درآمد نفت، دولت علاوه بر رشد مالیات ها، جریمه راهنمایی و رانندگی، عوارض مختلف، ۳۰ میلیارد دلار فاینانس برای

اگرچه این سیاست‌ها باعث شده که نرخ دلار در محدوده ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان در ماه‌های اخیر کاهش یابد، اما به عقیده کارشناسان، عملاً میزان مبادلات پولی و بانکی و در نتیجه میزان خرید و فروش کالا و خدمات نیز کاهش یافته و این موضوع به کاهش رشد اقتصادی، بیکاری بیشتر، مشکلات واحدهای اقتصادی و... منجر خواهد شد و چون با کنترل زیاد نرخ ارز تثبیت شده، عملاً علامت دهی شفاف برای واردات و صادرات و تولید را مخدوش کرده است. ضمن اینکه عده‌ای برای مبادله بیشتر، به جای ریال به سمت نگهداری طلا و ارز رفته‌اند تا دسترسی راحت تری به دارایی خود داشته باشند. عده‌ای نیز به جای دلار به سمت مبادلات ریالی برای واردات یا قاچاق کالا رفته‌اند و همین موضوع نیز باعث شده که بخشی از ارز به کشور وارد نشود و ریال و ارز عملاً در خارج کشور باهم مبادله می‌شود و صرافی کشورهای منطقه محور تعیین نرخ ارز می‌شوند. این گونه انتقادات، نشان می‌دهد که در سال آینده نیز روند واردات، صادرات، مبادلات بانکی و ریالی و ارزی، نرخ ارز، و سایر شاخص‌های اقتصادی عملاً به خاطر محدودیت‌های موجود با شفافیت همراه نباشد هر چند که نرخ دلار در ظاهر در محدوده ۱۲ هزار تومان کنترل شده است. اما عده‌ای از صاحب نظران پا را فراتر نهاده و معتقدند که در شرایط جنگ اقتصادی، طبیعی است که بسیاری از مبادلات پولی و کالایی به صورت آزاد و طبیعی نباشد و لذا دولت با توجه به منابع محدود ارزی، درآمد و ریال خود، باید نوعی کنترل و سهمیه‌بندی را اجرا کند و نتیجه آن را بر کاهش رشد اقتصادی و فعالیت‌های مختلف اقتصادی انتظار داشته باشد. دولت حتی اگر لازم باشد باید ترانکشن‌های داخلی ریال را نیز بیش از کنترل کند تا سطح تقاضا و مبادلات را مهار کرده و تا حدودی قیمت‌ها را کنترل نماید تا از شرایط سخت سال ۹۸ عبور کند.





این رقم ۶۰ میلیون تومانی برای هر زوج در مقایسه با ارقام قبلی ۳۰ میلیون تومانی، به معنای افزایش ۱۰۰ درصدی است و بار مالی آن نیز در صورت تداوم روند ازدواج سال ۹۷ دو برابر خواهد شد و فشار مضاعفی بر بانکها وارد می‌کند. طبق اعلام سازمان ثبت احوال کشور، تعداد ازدواج در سال‌های اخیر سالانه بیش از ۶۰۰ هزار ازدواج بوده است که در صورت تداوم آن در سال ۹۸، باید رقمی معادل ۳۶ هزار میلیارد تومان وام ازدواج پرداخت شود. اما بانکها در حال حاضر منابع سپرده قرض‌الحسنه که برای بدون هزینه

برای تامین این رقم ۳۶ هزار میلیارد تومانی وام ازدواج، بانکها با کمبود منابع قرض‌الحسنه مواجهند و بانک مرکزی و سایر بانکها باید برای تامین این منابع عظیم از سایر سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده کنند و این موضوع با توجه به سود و کارمزد حداقلی وام قرض‌الحسنه، به معنای هزینه و خسارت بانکها به میزان قیمت تمام شده پول در بازار بین بانکی و سپرده بلندمدت است

باشد در اختیار ندارند و طبق گزارش مهرماه بانک مرکزی، مانده تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه بانکها در مهر ۹۷ نیز معادل ۷۱ هزار میلیارد تومان بوده که تنها با پرداخت ۳۶ هزار میلیارد تومان وام ازدواج، رقم مانده تسهیلات قرض‌الحسنه حداقل باید به ۱۱۰ هزار میلیارد تومان برسد. این در حالی است که رقم سپرده‌های قرض‌الحسنه در پایان مهر ۹۷

حداکثر ۸۸ هزار میلیارد تومان بوده و بانکها حتی بدون در نظر گرفتن ذخیره احتیاطی نقدینگی و سپرده قانونی که حدود ۲۴ درصد سپرده‌ها است، باز هم برای تامین رقم وام ازدواج با کمبود منابعی معادل ۲۰ هزار میلیارد تومان مواجه خواهند بود.

از سوی دیگر، یکی از اقلام مطالبات معوق بانکی در سال‌های اخیر، اقساط وام ازدواج و قرض‌الحسنه عقب افتاده بوده که ضمن هزینه‌های فراوانی که برای پیگیری و تماس با ضامن و وام‌گیرنده به همراه دارد، عملاً کمبود منابع برای بانکها ایجاد کرده است.

بانکها همین حالا بابت ۸۸ هزار میلیارد تومان سپرده قرض‌الحسنه باید حدود ۲۴ درصد یعنی ۲۱ هزار میلیارد تومان ذخیره احتیاطی و سپرده قانونی در نظر بگیرند و تنها از ۶۷ هزار میلیارد تومان این منابع می‌توانند استفاده کنند و وام قرض‌الحسنه بدهند، در حالی که با توجه به مانده تسهیلات قرض‌الحسنه که معادل ۷۱ هزار میلیارد تومان است، همین حالا با کسری ۴ هزار میلیارد تومان مواجه‌اند.

براین اساس، برای تامین این رقم ۳۶ هزار میلیارد تومانی وام ازدواج، بانکها با کمبود منابع قرض‌الحسنه مواجهند و بانک مرکزی و سایر بانکها باید برای تامین این منابع عظیم از سایر سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده کنند و این موضوع با توجه به سود و کارمزد حداقلی وام قرض‌الحسنه، به معنای هزینه و خسارت بانکها به میزان قیمت تمام شده پول در بازار بین بانکی و سپرده بلندمدت است که بانکها رقم آن را بین ۱۵ تا ۲۰ درصد اعلام کرده‌اند.

لذا با فرض میانگین ۱۸ درصدی برای قیمت تمام شده پول، به معنای آن است که بانکها باید ۷ هزار میلیارد تومان برای سود یکسال این ۳۶ هزار میلیارد تومان منابع وام ۶۰ میلیونی ازدواج هزینه پرداخت کنند و اگر دوره بازپرداخت این وام ازدواج حداقل سه سال و بدون معوقات باشد، رقمی حدود ۲۱ هزار میلیارد تومان هزینه تمام شده پول روی دست بانکها باقی می‌گذارد و پرسش اساسی این است که این هزینه منابع وام ازدواج برای بانکها را چه کسی باید پرداخت کند یا باید از کجا پرداخت شود؟

راهکار دوم تامین این ۳۶ هزار میلیارد تومان، بدون اتکا به منابع سپرده قرض‌الحسنه بانکی یا سپرده بلندمدت بانکها، استفاده از خطوط اعتباری بانک مرکزی است که این موضوع نیز با به صورت اضافه برداشت بانکها یا به معنای قرض گرفتن از بازار بین بانکی یا به معنای انتشار پایه پولی، در هر صورت هزینه سنگین تورمی و رشد نقدینگی به همراه خواهد داشت.

در صورتی که کل این پول به صورت پایه پولی نمود داشته باشد، عملاً با توجه به ضریب فزاینده ۷ به معنای ایجاد ۲۵۲ هزار میلیارد تومان نقدینگی است که آثار تورمی آن در چنین شرایطی از اقتصاد کشور شکننده خواهد بود. براین اساس، شایسته است که در شرایط سخت و دشوار و کمبود درآمد برای مردم و دولت، اعضای مجلس، تشویق ازدواج را به سال‌های بعد منتقل کنند و برای سال جاری همان رقم سال قبل را مصوب کنند ■



سرنوشت بانکها در سال ۹۸

از واکاوی مشکلات تا ارائه راهکار

ایران را می‌دهند و بر این باورند که وضعیت بانک‌های مجاز هم آنقدرها خوب نیست و نظام بانکی وارث مشکلات انباشته‌ای است که سال‌ها تداوم یافته و آستان ورشکستگی همراه با آثار و تبعات بسیار است.

واقعیت این است که شاخص‌ها یا نشانه‌هایی که ما از اقتصاد ایران داریم، حکایت از بهبود شرایط زندگی مردم ندارد. چشم‌اندازی که نشان بدهد نهادهای متولی که باید عزم جدی برای مقابله با این دست مسائل داشته باشند، دیده نمی‌شود؛ بنابراین بعید است امسال تفاوت چندانی با سال‌های پیش داشته باشد؛ مگر اینکه این موضوع به شکل یک عزم جدی سیاسی تلقی شود و خودش را در سیاست‌ها و روش‌های عملکردی نهادهای متولی نشان دهد.

اما در این بین استفاده از نظر کارشناسان و مدیران کارکنان سیستم بانکی و واکاوی مشکلات نظام بانکی توسط آن‌ها می‌تواند چراغ راهی برای متولیان و مسئولان این حوزه باشد.

رکود تورمی در انتظار اقتصاد ایران

سید بهالدین حسینی هاشمی، مدیرعامل اسبق بانک صادرات درباره وضعیت فعلی سیستم بانکی کشور و پیش‌بینی وضعیت این سیستم در

سیستم بانکی در ایران طی سال‌های اخیر از جمله بخش‌هایی

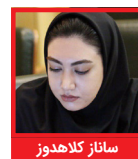
بوده که نسبت به عملکرد آن انتقاد و خُرده‌گیری فراوانی هم از سوی مشتریان و هم از سوی مسئولان وجود داشته؛ خصوصاً پس از ماجرای موسسات

مالی اعتباری غیرمجاز، حرف و حدیث از عملکرد سیستم بانکی بیشتر و شایعه ورشکستگی بانکها پررنگ‌تر شد.

اما جدای از تمام این شایعات و حواشی‌های اغلب نادرست، به دلیل اتفاق‌هایی که در سال جاری چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی در کشور رخداد، کارشناسان و صاحب نظران این حوزه، سال ۹۸ را سالی سخت برای اقتصاد و سیستم بانکی کشور پیش‌بینی کرده‌اند.

همچنین، به دلیل اینکه سال آینده از یک سو تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علی‌الوجه ایران اعمال می‌شود و از سویی دیگر فروش نفت در ایران کاهش می‌یابد، به طور حتم، ۹۸ سال سخت اقتصاد ایران خواهد بود.

از آنجایی که تاکنون مشکلات ناشی از فعالیت موسسات اعتباری غیر مجاز از سیستم بانکی و اقتصاد کشور رخت نبسته و بنگاهداری بانکها هم به قوت خود باقی است، کارشناسان هشدار سکنه مالی نظام بانکی



ساناز کلاه‌دوز



تفکیک بانک‌های سالم و ناسالم

اما راهکار ندری به‌عنوان کارشناس حوزه بانکی، متفاوت از دیگر کارشناسان است و اعتقاد دارد ابتدا باید وضعیت بانک‌ها تعیین تکلیف و تفکیک شود، سپس برای هر یک نسخه‌ای جداگانه پیچید و در این باره افزود: اکنون مسئله اصلی بانک مرکزی، تشخیص بانک سالم از ناسالم است. بانک‌هایی که سالم هستند و طبق روال و قوانین فعالیت دارند، باید از سوی بانک مرکزی تشویق و خط اعتباری بیشتری در اختیار آن‌ها قرار گیرد.

وی افزود: بانک مرکزی باید با استراتژی متفاوتی برای این دو گروه، از بانک‌های سالم، در شرایط سخت اقتصادی حمایت و کمک‌های لازم صورت گیرد تا آن‌ها نیز به فراخور شرایط در وضعیت بانک‌های ناسالم قرار نگیرند.

این کارشناس حوزه بانکی، گفت: اما بانک‌های ناسالم که از سال‌های قبل عملکرد بدی داشته‌اند و متناسب با مشکلاتی که دارند باید با آن‌ها برخورد شود؛ اما بازهم نمی‌توان تمام بانک‌های ناسالم را در یک جرگه قرار دارد و باید در این دسته نیز طبقه‌بندی و دسته‌بندی وجود داشته باشد. به گفته ندری، آنچه مهم است باید از ادامه فعالیت و روند غلط فعلی بانک‌های بد در سال آینده جلوگیری شود با نظارت و تحت نظر قرار دادن تمام فعالیت آن‌ها، باید تمام فعالیت‌ها تحت نظارت باشد ■

اینکه در سال آینده چه اتفاقی در اقتصاد و سیستم بانکی کشور خواهد افتاد موضوعی است قابل پیش‌بینی اما اینکه باید چگونه عمل شود و یا از چه راهی آثار مشکلات را کم و یا رفع کرد، گره‌ای است که به دست فعالان و کارشناسان این حوزه باز خواهد شد

اصلح و با کارایی بیشتر به‌عنوان دیگر وظایف حاکمیتی و مقررات‌گذار که همان بانک مرکزی است، اشاره کرد. این صاحب نظر پولی درباره دومین دسته این اقدامات، توضیح داد: دسته دیگر اقدامات اصلاحی که برعهده سایر نهادها و دولت است که با رعایت الویت، بازپرداخت مطالبات معوق به شبکه بانکی صورت گیرد و یا با تمهیداتی مثل اوراق مشارکت و اسنادی از این قبیل مقدمات بازپرداخت در آیند فراهم شود.

معمدی تاکید کرد: مجموعه این اقدامات می‌تواند کمکی در جهت جلوگیری از بدتر شدن اوضاع بانک‌ها باشد و آغازی برای مسیر بهبودی برای بانک‌ها باشد.

افزایش بدهی بانک‌ها در سال ۹۸

همچنین کامران ندری، صاحب نظر حوزه بانکی، در این باره معتقد است: پیش‌بینی‌ها از عملکرد سیستم بانکی در سال آینده روی کاغذ نشان از افزایش و تشدید مشکلات دارد اما امیدوارم در عمل اینگونه نباشد. وی افزود: همچنین باتوجه به اینکه کشور براساس شاخص‌های اقتصادی و بررسی روند آن‌ها در سال آتی کشور در سال آینده وارد رکود قابل ملاحظه‌ای خواهد شد و این احتمال وجود دارد که مطالبات غیر جاری بانک‌ها از بخش خصوصی افزایش یابد و تسهیلاتی پرداخت شده نیز معوق شود. این صاحب نظر بانکی ادامه داد: از آنجایی که بانک‌ها نیز در حوزه حرفه‌ای خود با مشکلات متعددی مثل کسری نقدینگی و... مواجه هستند و در سال آینده تشدید خواهد شد، نمی‌توان پیش‌بینی از وضعیت بانک‌ها در سال آینده داشت. به گفته ندری، بانک مرکزی نیز اراده جدی دارد تا اجازه ندهد که بانک‌ها به راحتی از منابع خود استفاده کنند و بانک‌ها نیز ناچار هستند تا دارایی خود را به منابع نقد تبدیل کنند. اما به اعتقاد من در سال آینده سیستم بانکی با کسری نقدینگی قابل توجهی مواجه خواهد بود و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز افزایش خواهد یافت.

عملکرد بانک زیر ذره‌بین کارشناسان

اینکه در سال آینده چه اتفاقی در اقتصاد و سیستم بانکی کشور خواهد افتاد موضوعی است قابل پیش‌بینی اما اینکه باید چگونه عمل شود و یا از چه راهی آثار مشکلات را کم و یا رفع کرد، گره‌ای است که به دست فعالان و کارشناسان این حوزه باز خواهد شد تنها به شرط عمل به توصیه‌ها و به کارگیری راهکارهای ارائه شده از سوی آن‌ها توسط مسئولان و متولیان امر.

حسینی هاشمی با اشاره به اینکه اقتصاد کشور در سال آینده به دلیل پیش‌بینی مشکلات و سختی‌های احتمالی، با رشد اقتصادی منفی مواجه خواهد بود، نیازمند یک برنامه‌ریزی و ساز و کار جدیدی است، گفت: کاهش هزینه‌ها از طریق کوچک سازی دولت، سازمان‌ها و پرهیز از هزینه‌های زیاد و همچنین واگذاری دارایی‌های مازاد می‌تواند عاملی برای کاهش مشکلات و جلوگیری از حرکت بانک‌ها به سمت ورشکستگی خواهد بود. وی افزود: همچنین بحث ادغام بانک‌ها نیز می‌تواند به کم شدن هزینه بانک‌ها افزایش قدرت وام دهی بانک منتج شود.

ادغام راه‌چاره نجات بانک‌ها

معمدی نیز به ادغام به‌عنوان عاملی برای دستگیری بانک‌ها و نجات آن‌ها از ورشکستگی اشاره می‌کند و معتقد است: اقدامات صورت گرفته برای نجات بانک‌ها از وضعیت پیش‌بینی شده در سال آینده شامل دو دسته اقدام است. دسته اول اقدامات برعهده بانک مرکزی است که باید با مدیریت صحیح و نظارت دقیق راهکارهایی عملی در اختیار بانک‌ها قرار دهد. وی افزود: همچنین می‌توان به سایر اقدامات از جمله ادغام بانک‌ها، اصلاح مباحث مدیریتی و گماردن اعضای هیئت مدیره و مدیران

سال ۹۸، معتقد است: طبق پیش‌بینی‌هایی که تاکنون انجام گرفته، اگر روند فعلی سیستم بانکی ادامه داشته باشد و تحریم‌ها سخت‌تر و فروش نفت نیز با مشکلاتی مواجه شود و همچنین با کاهش صادرات نفتی و غیرنفتی درآمد ارزی کاهش یابد، قطعاً تأثیر مستقیمی بر بودجه دولت و تجارت خارجی و در نهایت اقتصاد کشور خواهد داشت. وی افزود: در صورت ادامه این روند، قطعاً اقتصاد با افزایش تورم و رکود مواجه خواهد شد و از آنجایی که شرایط تورم رکودی بدترین شرایط برای بانک‌ها خواهد بود و موجب افزایش مطالبات معوق و عدم رشد سپرده و منابع و در نتیجه مشکلات مالی و کسری نقدینگی خواهد شد. این کارشناس ارشد نظام بانکی با اشاره به اینکه تمام این شرایط موجب زیان دهی بانک‌ها خواهد شد، گفت: البته ما این شرایط را پیش از این نیز پشت سر گذاشته‌ایم و اکنون نیز تحریم‌های بانکی دسترسی ایران به منابع ارزی، واردات و صادرات را با مشکل مواجه خواهد کرد و ضرر حاصل از آن از زیان کاهش فروش نفت بیشتر خواهد بود.

کامران ندری:

پیش‌بینی‌ها از عملکرد سیستم بانکی در سال آینده

روی کاغذ نشان از افزایش و تشدید مشکلات دارد اما

امیدوارم در عمل اینگونه نباشد

وضعیت سیستم بانکی ایده‌آل نیست

اما حسن معتمدی، مدیرعامل اسبق بانک اقتصاد نوین معتقد است وضعیت فعلی بانک‌ها آینه‌ای از وضعیت آن‌ها در سال ۹۸ است و در این باره افزود: پیش‌بینی وضعیت بانک‌ها در سال آینده به عوامل مختلفی بستگی دارد. در درجه نخست بیاید به این نکته توجه داشت که بانک‌ها در حال حاضر از نظر شرایط مالی، نقدینگی و صورت‌های مالی هر یک متفاوت از یکدیگر هستند و در کل سیستم بانکی شرایط ایده‌آلی ندارد.

وی افزود: از سویی دیگر با توجه به شرایط سخت اقتصادی که در سال جای کشور با آن مواجه است، پیش‌بینی بهبود وضعیت اقتصاد و سیستم بانکی در کشور وجود ندارد مگر اینکه تحولی ناگهانی و فوق‌العاده رخ دهد. این صاحب نظر حوزه بانکی در ادامه با تاکید بر اینکه با توجه به شرایط فعلی بهبودی در شرایط بانک‌ها پیش‌بینی نمی‌شود، گفت: گرچه بانک مرکزی اقداماتی در جهت بهبود شرایط انجام داده و با توجه به مصوبات شورای اقتصاد، بهبود مباحث و مشکلات مدیریتی و مسائل مربوط به وصول مطالبات بانک‌ها و تجهیز منابع آنها پیش‌بینی می‌شود.

۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان ضربدر ۱۰ چقدر است؟

دارایی نجومی بلا استفاده دولت



علی درخشان

انرژی یکی از مهمترین موضوعاتی است که دولت می‌توانست در لایحه سال آینده خود لحاظ کند ضمن آنکه پتانسیلی به نام یارانه ها با حجم ۴۲ هزار میلیارد تومان است که به‌صورت پنهان و آشکار در اقتصاد ایران وجود دارد از سویی دولت می‌توانست با جراحی اقتصاد ایران از محل پرداختی یارانه‌ها بسته درآمد و هزینه کرد خود را برنامه ریزی و از اقتصاد وابسته به نفت بیرون آید.

محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه مهمترین موضوعی که دولت در لایحه بودجه ۹۸ خود می‌توانست به عنوان یک سوپاپ درآمدزایی در غالب این لایحه لحاظ کنند که از چشم دولت غافل مانده و در هر شرایطی اقتصاد کشور را وابسته به فروش نفت گمارده است گفت: موضوع استفاده از ظرفیت‌های حامل



رحیم زارع عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در خصوص موضوعاتی که از سوی دولت در بودجه ۹۸ نادیده گرفته شده است اظهار کرد: یکی از مهمترین پتانسیل‌هایی که دولت می‌تواند در این موضوع تمرکز کند وجود حجم عظیمی از دارایی‌های بلا استفاده خود است که در حال حاضر این دارایی‌ها رها شده است. مادر قانون اعلام کردیم که دولت نسبت به کشف دارایی‌های خود هرچه سریعتر اقدام کند ضمن آنکه دولت یکسری دارایی‌هایی دارد اما نمی‌داند. وی اظهار کرد: در حال حاضر حدود سه سال است که برابر قانون که مصوبه مجلس شده است به دولت تکلیف شده تا دارایی‌های خود را ثبت کند و این موضوع به عهده وزارت اقتصاد است. زارع با تاکید بر اینکه حجم دارایی‌های موجود بلا استفاده دولت که شناسایی شده است حدود ۱۰ برابر حجم نقدینگی کشور است گفت: حجم نقدینگی ما رقمی بالغ بر ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان است حالا این رقم در ۱۰ ضرب شود می‌توان گفت رقم بدست آمده حجم دارایی‌های دولت که بلا استفاده است که تاکنون شناسایی و ثبت گشته است.



سید حسن حسینی شاهرودی عضو هیئت رئیسه کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه یکی از مهمترین مقوله هایی که دولت می‌توانست در این زمینه تمرکز لازم را داشته باشد



موضوع ساماندهی مالیات هاست که در حال حاضر رقمی بالغ بر ۴۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی کشف شده است از سوی کسانی که از پرداخت مالیات شانه خالی می‌کنند میت که این موضوع باید از سوی دولت بررسی و تعیین تکلیف شود از سویی می‌توان با کاهش اخذ نرخ‌های مالیاتی حجم دریافت مالیات در تعداد بالا افزایش پیدا کند و کسانی که بالا بودن درصد مالیات پرداختی فرار مالیاتی دارند ترغیب و به واریز مالیات خود شوند. وی گفت در حال حاضر ۵۰ هزار میلیارد تومان قانون معافیت‌های مالیاتی داریم که در بخش کشاورزی و صادرات است که می‌توان فرارهای مالیاتی را واپایش اصولی شناسایی و ساماندهی کرد و تعریف درست و صحیحی از این موضوع داشت و برنامه جامعی را در خصوص کاهش درصد مالیات و حجم معافیت‌ها داشت.

سید ناصر موسوی لارگانی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با تاکید بر اینکه بسیاری از پتانسیل‌ها از جمله توجه به مقوله گردشگری می‌توانست در بودجه سال آینده از سوی دولت مورد توجه قرار گیرد اما نگرفت



اظهار داشت: مهمترین مولفه‌هایی که دولت می‌توانست در بودجه ۹۸ به عنوان یک نقطه قوت به آن توجه کنند موضوع استفاده از امکانات بالقوه گردشگری کشور است به طوری که اگر یک صدم از امکانات گردشگری موجود در استان اصفهان را با اهمیت بدانیم می‌توانیم بخش عظیمی از درآمدها را به این حوزه داشته باشیم و این صنعت را به‌عنوان یک پتانسیل درآمدزا بشماریم چراکه رغم مطلوبی را در بودجه سالانه می‌توان به این موضوع اختصاص داد. وی گفت اگر ۱۰ درصد این آثار در کشوری دیگری بود به اندازه ۱۰ برابر فروش نفت ما می‌توانستند کسب درآمد کنند اما دولت با تکیه به صادرات نفت لایحه بودجه خود را تدوین کرده و این موضوع را از نظرها خارج کرده است و نسبت به این صنعت پردرآمد غفلت داشته است.

سید تقی کبیری عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه بازار مسکن یکی از بخش‌های مهمی است که دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری اندک و اعطای مجوز به بخش خصوصی کسب درآمد کند گفت: این موضوع به نحوی است که حضور دولت در این گونه پروژه‌ها باید حضور نظارتی و نظارت بر



عزیز اکبریان رئیس کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی با پاسخ به این سوال که چه موضوعی در لایحه بودجه ۹۸ می‌توانست به‌عنوان سوپاپ درآمدزا برای دولت تلقی شود اما نسبت به آن بی توجهی شد اظهار کرد: ما دو مقوله در این خصوص داریم که بحث گردشگری است که باید گفت متأسفانه زیرساخت‌های گردشگری کشور نسبت به سرانه ورود گردشگر ضعیف است از سویی عدم وجود هتل‌ها و فضاهای استراحتگاهی از مهمترین فاکتورها برای افزایش درآمد دولت از این حوزه است و دولت باید با عزم جدی در حوزه گردشگری ورود کرده و با ارائه تسهیلات کافی به بخش خصوصی بتواند بهتر ایجاد زیرساخت‌های گردشگری را فراهم کند تا در نهایت این صنعت که جزو پول‌سازترین صنایع جهان محسوب می‌شود بتواند کسب درآمد کند اما متأسفانه کل هتل‌های کشور ما به اندازه یکی از شهرهای اروپایی نیست ضمن آنکه در حال حاضر ۷۵ درصد کل مشاغل جهان در قالب این صنعت در گردش است که هم تولید اشتغال خواهد شد و همسرانه سرریز ارز به خزانه دولت افزایش خواهد یافت.



کیفیت ساخت باشد چراکه ساختار این موضوع می‌تواند هم در جهت رفع معضل بیکاری و هم به‌عنوان یک سرمایه عظیم برای دولت ده مالی خوبی داشته باشد اما متأسفانه در این سال‌های اخیر و دولت‌های مختلف بازار مسکن تنها به‌عنوان یک بازار استراتژیکی در بخش درآمدزایی دولت دیده نشده و صرفاً به‌عنوان یک پروژه طراحی و اجرا شده است.

شهاب نادری عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی موضوع معادن را یکی از ظرفیت‌های درآمدی دولت دانست و گفت: یکی از مقوله‌هایی که از چشم دولت دور مانده یا نسبت به آن کم توجهی شده است

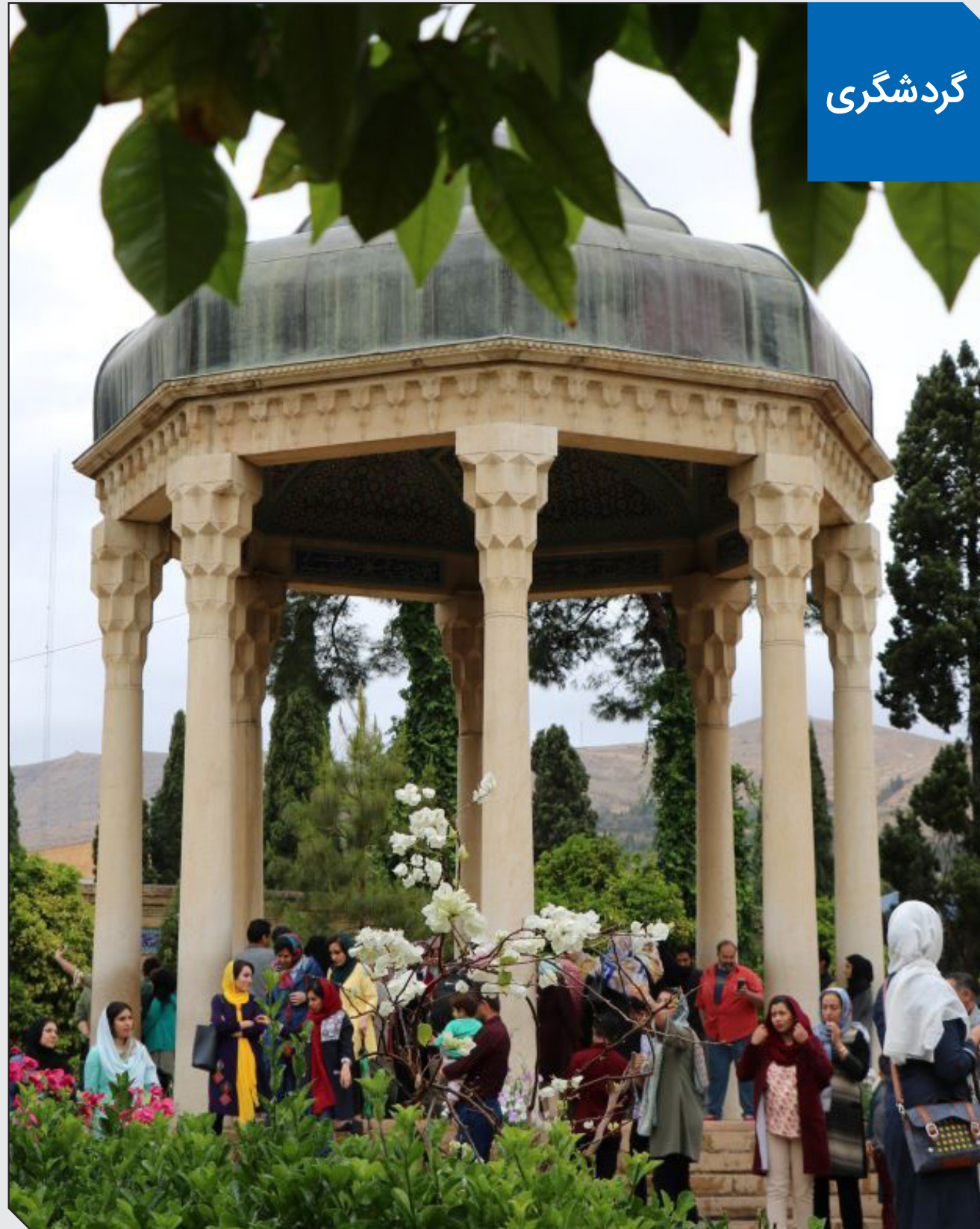


موضوع معدن و کسب درآمد از آن است که این صنعت به‌عنوان یک صنعت ارزآور و پول‌ساز برای دولت می‌تواند باشد از سویی معدن نیز به‌عنوان اساسی‌ترین مولفه‌هایی است که می‌تواند در بخش بودجه درآمدهای بسیار بالایی داشته باشد تا دست دولت را برای اختصاص پول در حوزه‌های مختلف به دستگاه‌های دولتی لحاظ کند.

زهرا سعیدی سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس نیز در پاسخ به این سوال تقویت پایه‌های مالیاتی را از مهمترین مولفه‌های نادیده گرفته شده از سوی دولت در بحث در آمدی دانست و گفت: طرح سی‌جی‌پی را دولت باید اهتمام ویژه‌ای داشته باشد تا موضوع فرار مالیاتی از دایره اقتصاد کشور کمتر شود چرا که مالیات بر عایدی از مهمترین اهرم‌ها برای توسعه پولی دولت خواهد بود.



گردشگری



اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس

سید کاظم دلخوش	تقویت حوزه گردشگری و تقویت گردشگری سلامت
محمود بهمنی	ساماندهی یارانه‌ها و تخصیص رقم یارانه‌ها به دهک‌های واقعی
فاطمه حسینی	مالیات و ساماندهی و نظارت درست بر فرار مالیاتی
احمد انارکی محمدی	حوزه ساماندهی مالیاتی و جلوگیری اصولی فرارهای مالیاتی
قاضی‌زاده هاشمی عضو هیئت رئیسه مجلس	اجرای گام دوم هدفمندی یارانه‌ها از فاکتورهای بالقوه برای درآمدزایی دولت است
ابوترابی عضو کمیسیون شوراها مجلس	جلوگیری از هدر رفت سرمایه‌های کشور ام از قاچاق سوخت و ورود اجناس قاچاق به کشور

اعضای کمیسیون صنعت مجلس

سید جواد حسینی‌کیا	توجه به دو مقوله زیر ساخت‌های گردشگری و جذب توریست و سرمایه برای تقویت این بخش و اهتمام ویژه دولت برای خروج از وابستگی نفتی و نگاه ویژه به سرمایه‌های ملی و توریستی کشور
حمید رضا فولادگر	توسعه گردشگری کشور با توجه به پتانسیل‌های بالقوه و تخصیص رقم قابل توجه برای توسعه زیرساخت‌های گردشگری
نادر قاضی‌پور	لزوم توجه به معادن و تقویت این صنعت در کشور
رمضانعلی سبحانی‌فر	درآمدهای حاصل دولت در بخش ظرفیت سازی از کانال گردشگری
محسن کوهکن	ساماندهی دارایی‌های دولت و استفاده از ظرفیت گردشگری سلامت
علی اسدی‌کرم	گردشگری و استفاده از پتانسیل‌های این صنعت و در مقابل افزایش زیرساخت‌های گردشگری اعم از هتل‌سازی و فضا فضاهای جذاب گردشگری
محمدحسین فرهنگی	استفاده از ظرفیت‌های استانی در حوزه گردشگری مانند تبریز اصفهان شیراز
محمد عزیزی	مبحث مالیات‌ها و ساماندهی و جلوگیری از فرار مالیاتی
داریوش اسماعیلی	توجه ویژه به حوزه معدن و استخراج بالقوه
حمید گرمابی	استفاده از ظرفیت‌های استانی در حوزه گردشگری و تقویت گردشگری سلامت
سیده حمیده زرآبادی	هوشمندی و هدفمندی مالیات‌ها به خصوص مالیات بر بارز و ساماندهی مبارزه با فرار مالیاتی و اخذ مالیات‌های درست از جامعه هدف
الیاس حضرتی	کاهش وابستگی‌ها به محصولات خارجی و ارزش خارجی و محصول تک و تقویت بخش داخلی و سرمایه گذاری در این بخش
رامین نورقلی	کنترل هزینه‌های افسارگسیخته دولت در بخش یارانه‌ها و ساماندهی این موضوع و شفاف‌سازی در خصوص بررسی یارانه‌های پنهان

آیا صنعت گردشگری ایران صنعتی بیمار است؟

سال‌ها غفلت و اندکی تلاش

گردشگری

سخرجاویدی

یکی از مهم ترین برای کشورهای دنیاست. به طوری که این منبع درآمد آنقدر مهم وارزشمند شده که به عنوان یک -صنعت -شناخته می‌شود. هرکدام از کشورها هم سعی می‌کنند تا با تبلیغ جاذبه‌های منحصر به فرد خود، باعث جذب بیشتر مسافر و به تبع آن ورود ارز بیشتر به اقتصاد کشورشان شوند. این کار امروزه تا آنجا پیشرفته که حتی کشورهایی که تاریخ و تمدن آنچنانی ای نداشته اند هم به فکر افتادند تا با ایجاد مراکز خرید یا ایجاد مراکز تفریحی و البته به مدد تبلیغات پرزرق و برق، به جذب گردشگر از سایر نقاط دنیا بپردازند. اما به نظر می‌رسد وضعیت این صنعت در کشور ما به گونه دیگری است. چرا که کشور ایران با وجود داشتن تاریخی کهن و وجود اقوام مختلف که هرکدام به تنهایی می‌توانند انگیزه سفر برای گردشگران خارجی باشند، بهره کمی از ورود مسافران خارجی را می‌برد. امری که تاکنون علت و چرایی اش به طور کامل و واضح پاسخ داده نشده است.

به عقیده برخی از فعالان گردشگری، مهم ترین اشکال در صنعت گردشگری ایران نبود نیروی متخصص برای فعالیت در این عرصه است و بیشتر افرادی که امروزه در آژانس‌های مسافرتی به عنوان راهنمای تورها فعالیت می‌کنند اطلاعات مسافرتی به عنوان راهنمای تورها فعالیت می‌کنند اطلاعات اندکی در مورد نحوه برخورد با مسافران دارند

اشکال کار کجاست؟

به عقیده برخی از فعالان گردشگری، مهم ترین اشکال در صنعت گردشگری ایران نبود نیروی متخصص برای فعالیت در این عرصه است و بیشتر افرادی که امروزه در آژانس‌های مسافرتی به عنوان راهنمای تورها فعالیت می‌کنند اطلاعات اندکی در مورد نحوه برخورد با مسافران دارند. به گفته یک کارشناس انجمن خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران؛ اغلب کسانی که در امروزه در آژانس‌های مسافرتی به عنوان تولیدر فعالیت می‌کنند، در این زمینه آموزش‌های لازم را ندیده اند و حتی در مورد این کار سطح مطالعاتی پایینی دارند. همین امر موجب شده تا نتوانند خدمات گردشگری را در سطح مطلوبی به گردشگران و به خصوص گردشگران خارجی ارائه دهند که این خود یکی از

عوامل مهم کم تمایلی گردشگران به ایران است. آقای صفا ادامه می‌دهد: «از دیگر اشکالاتی که در بخش گردشگری ما وجود دارد، نبود زیرساخت‌های لازم برای ترغیب گردشگران برای ورود به ایران است. زیرساخت‌هایی مانند: عدم تبلیغات توسط سفارت خانه‌های ایران در سایر کشورها، نبود هتل‌ها و مراکز اقامتی مطابق سلیقه‌ی مسافران خارجی و... که همه در این امر دخیل اند.»

اجرای اصل ۴۴ راهگشا است؟

از این‌ها گذشته بعضی از مسئولانی که به گردشگری مرتبط هستند، بر این اعتقادند که اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و سپردن کارها به بخش خصوصی؛ نه تنها موجب سروسامان گرفتن اوضاع گردشگری می‌شود بلکه امری واجب هم هست. بر این اساس سید احمد رضا دستغیب عضو سابق کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در این رابطه می‌گوید: «واگذاری صنعت گردشگری کشور به بخش خصوصی ضروری است. «نماینده مردم شیراز در مجلس نهم در توضیح این جمله تصریح می‌کند: «تکمیل زیرساخت‌های گردشگری با اعتبارات دولتی امکانپذیر نیست، لذا باید برای تکمیل این زیرساخت‌های از بخش خصوصی کمک گرفت.» امری که صفا عضو انجمن خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران، هم به آن معترف است و بر این اعتقاد است که اجرای طرح خصوصی سازی باعث مطلوب تر شدن وضعیت خدمات رسانی به گردشگران و ورود بیشتر مسافران خارجی به ایران می‌شود.

راه حل بهبود این وضعیت چیست؟

اما برای اینکه وضعیت گردشگری خارجی کشورمان از این حال خارج شود، چه راهکارهایی وجود دارد؟ این سوالی است که جواب آن از نظر عضو انجمن خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران، در چند خط خلاصه می‌شود. به گفته صفا: «اگر برنامه ریزی‌های بلند مدت و کوتاه مدت برای بازسازی زیرساخت‌های فرهنگی و عمرانی کشور توسط اتاق فکری که متشکل از کارشناسان و متخصصان فن گردشگری صورت گیرد، می‌توان به بهبود وضعیت ورود مسافران خارجی امیدوار بود.» صفا همچنین با تاکید بر نقش تبلیغی سفارت خانه‌های ایران در سایر کشورها اضافه می‌کند: «امروزه ما با حجم بالایی از تبلیغات مغرضانه در رسانه‌های غربی مواجهیم اما در مقابل سفارت خانه‌های ما هیچ گونه تبلیغی برای جلب توجه گردشگران خارجی ندارند.» امری که اگر به آن توجه می‌شد و اینگونه از آن غفلت نمی‌کردیم، حالا با این صنعت گردشگری روبه احتزار مواجه نبودیم ■

آیا ایران به لحاظ منابع، منابع کمتری نسبت به سایر کشورها برای جذب گردشگر دارد؟

کشوری با منابع عظیم برای جذب گردشگر

گردشگری تاریخی



تاریخ و تمدن جزء لاینفک هویت هر کشور می‌باشد. کشورهایی که از این موهبت برخوردارند و به خوبی از پتانسیل گردشگری آن بهره گرفته‌اند پیشرفت

قابل توجهی در صنعت گردشگری خود ایجاد کرده‌اند. کشور ایران نیز از جمله کشورهایی است که با تمدن و تاریخ چندین هزارساله خود، نظر هر گردشگری را به خود جلب می‌نماید. ایران با یادگارهایی از دنیای کهن، تاکنون ۲۱ اثر تاریخی و باستانی خود را در فهرست یونسکو به ثبت رسانده است. اگر بخواهیم در قالب چند هویت و منظر تاریخی به گذشته ایران نگاه کنیم می‌توان به پیشینه خط و تمدن، ایران باستان و اسلام صفوی به عنوان مهم‌ترین خواستگاه‌های آثار تاریخی ایران اشاره کرد.

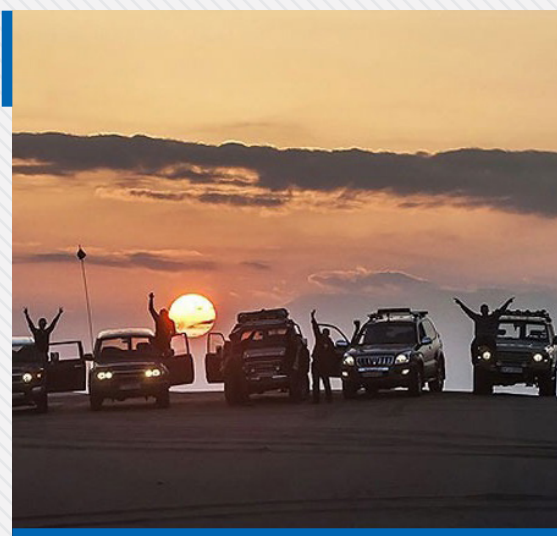


گردشگری مدرن



این بخش ضعیف ترین و شاید کمتر شناخته شده ترین نوع گردشگری در ایران است. بسیاری از گردشگران خارجی هنوز هم فکر می‌کنند ایران مانند

افغانستان یا عراق و پاکستان از لحاظ توسعه یافته گی کشوری به شدت عقب مانده است در حالیکه وقتی پای این توریست‌ها به داخل کشور باز می‌شود بسیاری از آنها از اینکه با سازه‌های بسیار مدرن و به روز مواجه می‌شوند تعجب می‌کنند. بنابراین شناساندن این بخش از ایران که تنوع سازه‌های مدرن آن محدود به تهران به عنوان پایتخت ایران نمی‌شود و در سرتاسر کشور مانند تبریز و تهران و شیراز و مشهد و کیش گسترش دارد یک نیاز ضروری و حیاتی است.



گردشگری مذهبی



ایران شاید یکی از معدود کشورهای جهان باشد که نه تنها برای جذب گردشگرهای مسلمان به اماکن مذهبی توانایی دارد بلکه به دلیل تنوع ادیان مختلف که سال‌ها در صلح و آرامش در ایران زیسته اند این کشور توانایی این را دارد که گردشگران

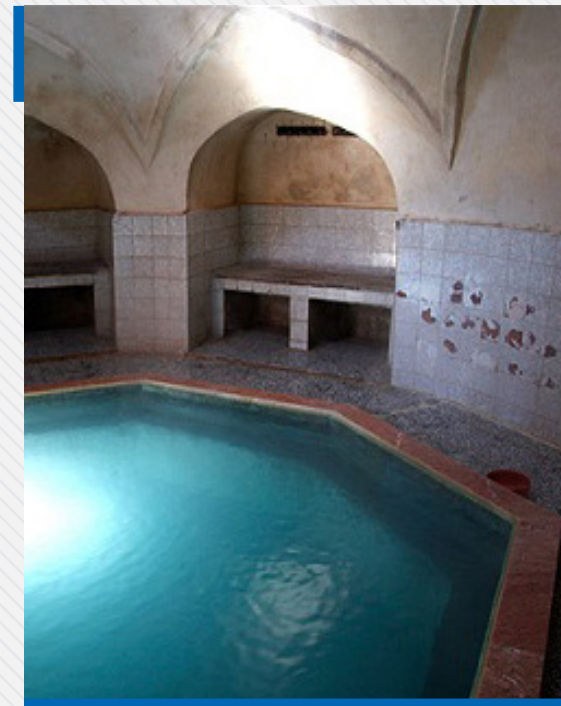


زیادی را از سایر ادیان به کشور جذب کند. آن طور که سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اعلام کرده است در حال حاضر در مجموع نزدیک به ۹ هزار مکان مذهبی در نقاط مختلف کشور و بیش از سه هزار مکان مذهبی دیگر (شامل مساجد، مدارس مذهبی، کلیساها، کنیسه‌ها، آتش گاه‌ها و نیایش گاه‌ها) شناسایی شده است. نکته جالب هم پراکندگی این اماکن مذهبی در سراسر کشور از مشهد مقدس و قم و ری تا شیراز و قزوین و نطنز و شاهرود، شوش و بسطام و لاهیجان و ارومیه و ماکو و اردبیل و گنبرکاوس و... است. یعنی اگر فقط گردشگری مذهبی را مورد توجه قرار دهیم بخش اعظمی از مردم ایران از موهبت توریسم مذهبی بهره مند خواهند شد. هر چند در این رابطه در سال‌های گذشته تلاش‌هایی هم صورت گرفت و ایده ای تحت عنوان «گردشگری حلال» مطرح شد که موافقان و مخالفینی هم پیدا کرد. در ایده گردشگری حلال توجه به زیرساخت‌های متعدد گردشگری مذهبی و فرهنگی در ایران اهمیت زیادی پیدا می‌کند. بر اساس تعریف سازمان جهانی جهانگردی، گردشگری حلال نوع خاصی از گردشگری مذهبی است که تمام فعالیت‌های آن با توجه به قوانین اسلامی انجام می‌شود. در این تعریف «توریسم حلال» هم یک محصول جدید از صنعت گردشگری است که برنامه‌های ویژه ای را برای مسلمانان تدارک می‌بیند چراکه آنها دوست دارند در طول سفر به آداب مذهبی خود نیز عمل کنند. توسعه توریسم مذهبی-فرهنگی (حلال) به دلیل وجود زیارتگاه‌های متعدد (از جمله حرم مطهر امام رضا(ع) در مشهد و حرم حضرت معصومه(س) در قم) این نوع گردشگری را به عملی‌ترین بخش توسعه گردشگری در کشور تبدیل کرده است که موفقیت‌هایی را هم در این بخش شاهد بوده ایم.

گردشگری سلامت



به دلیل پایین بودن هزینه‌های درمانی در ایران در مقیاس جهانی، کشور ما ظرفیتی فوق‌العاده برای جذب گردشگران درمانی از کشورهای اسلامی و منطقه در اختیار دارد؛ تا این حد که با توجه به شرایط مطلوب به وجود آمده پس از رفع تحریم‌ها، زمینه برای تبدیل شدن به کشوری پیشرو در گردشگری پزشکی در سطح منطقه، برای ایران فراهم شده است. ایران یکی از پنج کشور پیشرفته جهان در زمینه بیوتکنولوژی است و ۹ مورد از ۱۵ مورد مولکول‌های بیوتکنولوژیک پرکاربرد در اینجا تولید می‌شود. در بسیاری از نقاط کشور ما نیز (از جمله سرعین در اردبیل، محلات، گنو در بندرعباس و فردوس در خراسان) چشمه‌های آب معدنی وجود دارد که پذیرای بیماران بسیاری است. همچنین درمان‌های ناباوروری، درمان از طریق سلول‌های بنیادی، دیالیز، اعمال جراحی قلب، جراحی‌های زیبایی و جراحی چشم هم در ایران انجام می‌شود. خدمات درمانی در ایران مطمئن‌تر، علمی‌تر و ارزان‌تر است. در حال حاضر یک‌چهارم بیمارستان‌های کشور در حوزه



گردشگری سلامت فعالند و در رشته‌های تخصصی چشم، قلب، زیبایی، نازایی و اعصاب، رنکینگ یک تا پنج را داریم. ضمن اینکه انجام عمل‌های زیبایی (به‌خصوص جراحی بینی)، توریست‌های خاص خودش را دارد و یکی از زمینه‌های پردرآمد گردشگری پزشکی در ایران محسوب می‌شود.

گردشگری فرهنگی



فرهنگ ایرانی در تولید لذت، هنر و شادی به شدت غنی و مملو از ظرافت‌هایی کم‌نظیر است. ظرافت‌هایی که به نیت افزایش شادی و هیجان و در نتیجه لذت



بیشتر از زندگی در آن تعبیه شده‌اند. از شعر و ادبیات فارسی و شهرت و نفوذ جهانی‌اش (آثار مولوی، فردوسی، حافظ و سعدی) تا جایگاه طنز و موسیقی در فرهنگ ایرانیان، می‌توان نمونه‌هایی از این ظرافت‌ها را دید. هنرهای تجسمی و لذت‌های بصری نیز جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ ایرانی دارند. به‌غیر از فرش ایرانی (که در دنیا به زیبایی معروف است)، میناکاری، خاتم‌کاری، مُنبت‌کاری، مُعرق‌کاری و ده‌ها هنر دیگر، علاقه قابل‌ملاحظه ایرانیان به زیبایی و ظرافت را نشان می‌دهند. غذاهای متنوع ایرانی نیز از دیگر سمبل‌های ظرافت فرهنگ ایرانی است. با وجود شباهت خورش‌های ایرانی به بعضی غذاهای هندی یا شبیه بودن کباب‌های ایرانی به کباب‌های یونانی و عربی، غذای ایرانی همچنان عناصر منحصربه‌فرد بسیاری را در خود دارد. عناصر فرهنگ ایرانی، فراتر از مرزهای جمهوری اسلامی است و ردیای گاه پرتنگ آن را می‌توان در کشورهای مستقل همسایه نیز سراغ گرفت؛ افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و کردهای عراق و ترکیه، همگی کم‌وبیش گوشه‌ای از فرهنگ ایران را به ارث برده‌اند. از زبان فارسی و اعیاد ملی همچون نوروز و تقویم شمسی بگیر تا مذهب تشیع و موسیقی و معماری ایرانی.

گردشگری طبیعی



تاریخ و تمدن، جزء لاینفک هویت هر کشور است. کشورهایی که از این موهبت برخوردارند و به خوبی از پتانسیل گردشگری آن بهره می‌گیرند، پیشرفت قابل توجهی در صنعت گردشگری‌شان ایجاد کرده‌اند. ایران نیز از جمله کشورهایی است که با تاریخ و تمدن چند هزار ساله‌اش، نظر هر گردشگری را به خود جلب می‌کند. تاکنون ۲۱ اثر تاریخی و باستانی کشور ما در فهرست یونسکو به ثبت رسیده است. از منظر پیشینه تمدنی، منطقه باستانی جیرفت (در



استان کرمان) با تاریخ هفت هزار ساله‌اش، مرکز نخستین تمدن باشکوه جهان محسوب می‌شود. اما به‌غیر از این منطقه - که بیشتر برای محققان و کارشناسان جالب‌توجه به نظر می‌رسد، ایران باستان را در سراسر دنیا با تخت جمشید (یا پرسپولیس) می‌شناسند. معروف‌ترین اثر باستانی ایرانی ثبت شده در لیست یونسکو، که در دوران زمامداری داریوش بزرگ، خشایارشا و اردشیر اول ساخته شد. از ایران پس از اسلام نیز آثار و ابنیه عهد صفوی، معروفیت بیشتری در جهان دارند که شاخص‌ترین‌شان، میدان نقش جهان در اصفهان است. میدانی که در قرن هفدهم میلادی به‌عنوان یکی از بزرگترین میدان‌های جهان شناخته می‌شد و چهار اثر تاریخی بی‌نظیر را به هم پیوند داده است: مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد امام، سردر و بازار قیصریه و کاخ عالی قاپو



در گفتگو با نایب رییس اتاق بازرگانی ایران مطرح شد:

در جذب گردشگر پیشرو نیستیم



محمدصادق خسروی

صنعت گردشگری در کشور ما چشم انداز روشنی ندارد. بیشتر منتقدان و کارشناسان این موضوع را مربوط به عملکرد ضعیف مدیریتی در این حوزه می‌دانند. علی‌رغم اینکه کشور ما در زمره سرآمد ترین کشورها در زمینه گردشگری است اما با این وجود در نیم قرن اخیر پیشرفت چشمگیری در این حوزه دیده نمی‌شود. حسین سلاح ورزی نایب رییس اتاق بازرگانی ایران از

افرادی است که در حوزه اقتصاد گردشگری بسیار فعال است. این کارشناس در گفتگو با ما گردشگری را یکی از اهرم‌های قدرتمندی می‌داند که توسعه آن در حوزه اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی آثار مثبتی در پی خواهد داشتش. به زعم این کارشناس پیشرفت این بخش می‌تواند حتی در بخش‌های سیاسی و دیپلماسی هم موثر باشد. در واقع از دیدگاه او توسعه گردشگری هم شرایط و مشکلات داخلی کشور را کاهش می‌دهد و هم به فروکش کردن اختلافات برون مرزی و همچنین ایجاد یک تصویر واقعی از کشور آنگونه که درخور ایران و مردم آن است کمک می‌کند.

- چرا دراین ۴۰ سال یا بهتر بگوییم در نیم قرن اخیر ایران نسبت به کشورهای همسایه اش مانند ترکیه، آذربایجان یا ارمنستان در جذب گردشگر توفیق چندانی نداشته است ؟**

واقعیت این است که کشورما درطول ۴۰ سال اخیر مورد تهاجمات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و منطقه ای قرار گرفته که به نحوی مانع جدی جذب

گردشگر وگردشگرپذیر بودن کشورمان شده است. در مقطعی با پیروزی انقلاب اسلامی شرایط خاص مربوط به انقلاب پیش آمد که باعث شد یک مقدار ورود گردشگر به کشورکم شود و گردشگران خارجی رغبت کمتری برای سفر به کشور ما از خود نشان بدهد. با فاصله تقریبا ۲ سال از پیروزی انقلاب اسلامی جنگ ویرانگری شروع شد که ۸ سال به طول انجامید و کشور در شرایط جنگی به سر می‌برد . بعد از اتمام جنگ و قبول قطعنامه کشورهای همسایه و پیرامون ما مثل افغانستان و عراق دچار مشکلات جنگهای داخلی و خارجی شدند. این اتفاقات در جذب گردشگر به کشور تاثیر منفی دارد. نکته مهم دیگری که نباید از نظر دور داشت خصوصت و دشمنی کشورهای غربی خصوصا آمریکا و تحریم هایی که برکشورما اعمال می‌کنند، است. این کشورها تمام سعی شان این است که چهره نامطلوب از ایران به جهان نشان بدهند و در کل پروژه ایران هراسی دارند.

اینها عوامل خارجی است که در کاهش جذب گردشگر اثر گذاشته است اما عوامل داخلی دیگری هم دراین امر دخیل بوده اند. از موانع داخلی که در توسعه گردشگری نقش مهمی دارد، عدم تعریف و تبیین جایگاه صنعتی گردشگری در نظام اقتصادی کشور است. نگرش فرهنگی محض به جهانگردی باعث غفلت و بی‌توجهی به نقش و عملکرد اقتصادی آن در نظام اقتصادی کشور شده است. باید به این نکته اشاره کرد که جهانگردی یک فعالیت مهم اقتصادی است که می‌تواند ضمن ارزآوری، درآمدزایی و اشتغال‌زایی، آثار و پیامدهای فرهنگی مثبت‌ومنفی هم داشته باشد. نگرش به جهانگردی به‌عنوان یک مقوله فرهنگی به لحاظ آثار منفی آن که ناشی از ضعف و یا فقدان مدیریت فرهنگی در کشور است، باعث شده است نقش اقتصادی آن در اذهان محو و برای جهانگردانی که تقاضای بازدید از ایران را قبول دارند، به‌عنوان مقصدی با محدودیت‌های متعدد نگاه شود. همچنین اساسا در این سالها سیاست گذاران ما به دنبال تدابیری نبودند که به مردم دنیا چهره واقعی و جذاب ایران را به درستی با طیف گسترده و مزیت‌های گردشگری نشان بدهند و همزمان با آن زیرساختها و امکانات مناسب در حوزه گردشگری به وجود آورند- این موضوع در گردشگری نیازمند وجود زیرساختها و دیپلماسی فعال در این حوزه است- همه اینها دست به دست هم دادند و در مجموع شرایطی به وجود آوردند که مردم دنیا به درک درست و صحیح از کشور ما دست نیابد و در پی آن باعث کاهش ورود گردشگر به کشور شده است.

- به زعم اغلب کارشناسان و منتقدان این حوزه در این چند ساله ما نه تنها در جذب گرشگر موفق نبوده ایم بلکه یک برنامه**

- راهبردی صحیح به عنوان سند گردشگری هم نداشته ایم. نظر شما در این باره چیست؟**

دقیقا همینطور است. ما یک سند راهبردی درست و حسابی گردشگری نداریم. حداقل چیزی که انتظار می‌رود این است که ما برای برنامه گردشگری نگاهی به سند چشم انداز داشته باشیم. می‌بایست ما حداقل یک آرمان و هدف و نقطه ای را در نظر می‌گرفتیم و براساس این برنامه مدون جلو می‌رفتیم و قدم به قدم هم زیر ساختها را آماده می‌کردیم و هم تدابیرخاص را برای توسعه گردشگری برمی داشتیم من با این موضوع موافق هستم که فقدان و نبود یک سند گردشگری به خوبی احساس می‌شود.

- دلیل فقدان سند گردشگری در کشور برنامه چیست؟**

واقعیت این است که در کشورما برنامه ریزان و سیاستگذاران به اصطلاح لیستی از آمال و آرزوها را پشت سرهم ردیف می‌کنند و بدون آنکه اولویت جدی قائل باشند فقط لیست آمال و آرزوها را به عنوان اهداف می‌پذیرند. در حالیکه ما باید براساس منافع سیاسی به دنبال برنامه ریزی‌های اساسی می‌رفتیم در این مرحله درجا زدیم و اهداف مان تبدیل به آرزوهای دست نیافتنی شد. یادمان نرود حوزه گردشگری می‌تواند به عنوان بخش اصلی و جدی در حوزه خدمات نقش بسیار مهمی در ارزش افزوده و تولید ناخالص و همچنین در رشد اقتصادی کشور ما ایفا کند خلاصه ما هنوز نتوانستیم به این درک و باور برسیم که توسعه گردشگری یک ضرورت وموضوع با اهمیت است و که باید از اولویت‌های مهم اقتصادی محسوب شود.

- فرض کنید کشور ما بتواند تا حدودی در بخش گردشگری توسعه پیدا کند، به نظر شما با این توسعه چه تغییری در درآمد سرانه کشور ایجاد می‌شود؟**

محاسبات و بررسی‌های اقتصادی نشان می‌دهد که روند نرخ تشکیل سرمایه ثابت در کشور ما به ویژه در حوزه صنعت، معدن و کشاورزی چشم انداز خوبی از توسعه اقتصادی متصور می‌شود اما یکی از محدود بخش‌های که امکان سرمایه گذاری و ایجاد تحرک رشد اقتصادی در آن قابل تصور است بخش خدمات به ویژه گردشگری است. با توجه به سطح فرهنگ و تنوع جغرافیایی و بادر نظر گرفتن جاذبه‌های متعدد ومختلف گردشگری ، میراث فرهنگی و موضوعات مختلف می‌توان به بخش گردشگری به عنوان یک بخش اقتصادی مهم نگاه کرد. بخشی که اشتغال زود هنگام ایجاد می‌کند، باعث گردش مالی فوق العاده ای می‌شود، می‌تواند در رشد اقتصاد ما موثر باشد و قابلیت این را دارد که به عنوان یک بخش جدی مورد عنایت قرار بگیرد همه اینها به شرطی است که سیاستمداران و دولتمردان ما این اهمیت را درک کنند و عزم جدی و برنامه منسجم و جدی داشته باشند.

- بزرگترین مشکلی که باعث شده بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در حوزه گردشگری عقب نشینی کند و وارد این عرصه نشود چیست؟**

این موضوع دلایل مختلفی دارد اما مهمترین آن را در موانع و مشکلات ایجاد شده در زمینه مجوزها می‌بینیم. علی‌رغم افزایش قیمت ارز و بالا رفتن تقاضا برای گردشگری داخلی و گردشگری خارجی به واسطه سخت گیری و موانعی که در زمینه اقتصاد گردشگری وجود دارد سرمایه گذاران رقبیت کافی برای حضور و سرمایه گذاری و توسعه فعالیتها در حوزه گردشگری ندارند. در حقیقت یکی از مهم ترین مشکلات فضای کسب کار در این حوزه ، موانع مختلف در مسیر اخذ مجوزها و همچنین نوع مدیریت است.از موانع صنعت گردشگری ایران، موانع مدیریتی و سازمانی را بر شمرد که مهمترین آن عبارتند از: ضعف مدیریت و برنامه‌ریزی در جذب گردشگر و جهانگرد، ضعف ساختار سازمانی، فقدان برنامه اصولی، جامع و مطالعات پایه‌ای برای توسعه گردشگری، ابهام در جایگاه صنعت گردشگری در چرخه توسعه، وجود تشکیلات موازی در بخش صنعت گردشگری، ناهماهنگی سازمانی برای رونق گردشگری و تعدد مراکز تصمیم‌گیری، موانع دست‌وپاگیر اداری و اجرایی در سازمان‌های مرتبط با گردشگری، کمبود نیروی انسانی کارآموده و متخصص امور گردشگری و جهانگردی. البته این مسئله از بعد دیگری نیز قابل ارزیابی و انتقاد است . یکی از مشکلات این صنعت، عدم توسعه منابع انسانی است. بیشتر نیروهای به‌کار گرفته‌شده در صنعت گردشگری اغلب از لحاظ علمی غیرمرتبط با صنعت گردشگری هستند و در این صنعت بدون توجه به ویژگی‌های آن و فقط با دید تجاری و درآمدزایی وارد میدان عمل شده‌اند که این خود باعث افزایش هزینه‌ها و آثار منفی و عدم توسعه گردشگری در کشورمان شده است. با این وجود در نهایت می‌توان گفت مشکل عمده ایران در حوزه گردشگری، مربوط به مسائل اجرایی و مدیریتی است که اگر دیدگاه و جهان‌بینی خود را گسترش دهیم، مبحث اقتصادی این صنعت نیز حل خواهد شد و ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا، از این صنعت مهم برای تعالی و رشد خود استفاده خواهد کرد.

- در کشور در حوزه گردشگری و جذب توریست مخالفت‌هایی وجود دارد و به نوعی اعتقاد برخی براین است که باید درها بسته باشد، ما چطور می‌توانیم رضایت این مخالفان را جلب کنیم؟ چه اهرم ، برنامه و توجیه ای بیاوریم برای قانع کردن این افراد دارید؟**

ما اگر از گردشگری استفاده درست و بهینه کنیم گردشگری مان می‌تواند یک موضع سیاسی باشد. به این معنا که با تبین درست این موضوع و با باز شدن درها و رفت و آمد گردشگران خارجی به کشور ما، تصویر بسیار ناقص و نادرستی که رسانه‌های معاند خارجی از فضای اجتماعی، امنیت، فرهنگ و وضعیت اقتصادی ایران در اذهان مردم جهان ساخته اند تصحیح شود. یکی از بهترین، مهم ترین و موثر ترین راهکارها و وسیله برای انعکاس تصویر واقعی فضای داخلی ایران از طریق گردشگر خارجی است. قطعا گردشگران خارجی باعث توسعه، امنیت داخلی و خارجی و توسعه دیپلماسی می‌شوند و همچنین می‌توانند اثر مستقیم در بهبود وضعیت اقتصادی کشور، اشتغال و کمک به رشد اقتصادی داشته باشند ■

مدرن ترین نوع گردشگری برای جذب توریست چگونه فعالیت می‌کند؟ نگاهی به سایت گردشگری مجازی

گردش در تهران فقط با چند کلیک



گردشگری مجازی به معنای استفاده همه جانبه

از پتانسیل‌های صنعت IT یک کشور در جهت توسعه زیربنای صنعت گردشگری است. بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، در دهه ۸۰ میلادی صنعت گردشگری را در جهان به کلی متحول ساخته و باعث شده‌است که این صنعت به عنوان یکی از پر درآمدترین و بزرگترین صنایع بین‌المللی در مقابل سایر صنایع عرضه اندام نماید.

فضای مجازی با شکستن محدودیت‌های جغرافیایی، فرصتی آسان و کم هزینه برای آشنایی با جاذبه‌های گردشگری مناطق مختلف جهان به وجود آورده‌است. به طوری که انسان‌ها می‌توانند قبل از سفر، از جاذبه‌های گردشگری مکان‌های مختلف با خبر شوند و در انتخاب مقصد سفر بهتر تصمیم بگیرند. سهولت دسترسی، ارزانی، چندرسانه‌ای بودن، تعاملی و به روز بودن، فضای مجازی را محلی ایده‌آل برای ارائه اطلاعات و خدمات توریسم می‌سازد.

گردشگری الکترونیکی همان سیر و سفر با کلیک در فضای نامحدود اینترنتی احتمالاً دیگر برای بسیاری موضوعی ناشناخته و دور از ذهن نیست. واژه گردشگری الکترونیک یا گردشگری مجازی کمتر از ۲۰ سال است که در جهان با نام e-tourism جا افتاده است. راه‌اندازی وبسایت‌های گردشگری مجازی متفاوت در کشور نیز نشان از پذیرفته شدن این موضوع در میان افراد و نهادهای مختلف دارد. تصاویر ویدئویی و عکس‌های سه بعدی می‌تواند چشم اندازه‌های زیبایی را از محل سفر عرضه کند تا تمایل افراد برای مسافرت افزایش یابد و در انواع پیشرفته آن فیلمها و فضاهای چند رسانه ایسعی در شبیه‌ساز محیط مقصد برای کاربرها دارند.

وبسایت گردشگری مجازی شهرداری تهران

به گفته احسان‌اله رحیمی مدیر سابق پروژه گردشگری مجازی، شهرداری تهران یکی از اولین نهادهایی بود که به گردشگری مجازی و تهیه عکس‌های پانوراما از سطح شهر و بناهای تاریخی و مذهبی پراهمیت اقدام کرد شهرداری تهران است. وبسایت گردشگری مجازی شهرداری تهران به آدرس www.virtualtour.tehran.ir شامل عکس‌های گیگاپیکسل، سه بعدی و پانوراما در بخش‌های گذری در شهر (میادین شهر، نمایشگاه‌ها، مراسم ملی و مذهبی و گذری در کوچه پس‌کوچه‌ها)، اماکن مذهبی (تکایا، مساجد، سقاخانه، اقلیت‌های دینی، امامزاده‌ها



افسانه فاتح

اینترنت مسیر موثر معرفی گردشگری

نگار فهیم

صنعت گردشگری امروزه در ردیف صنایع پردرآمد، پاک و کم‌هزینه دنیا قرار دارد. در ایران نیز از ظرفیت‌های بسیار بالایی برای رشد و توسعه برخوردار است. بر اساس گزارش سازمان جهانی جهانگردی، ایران رتبه دهم جاذبه‌های باستانی و تاریخی و رتبه پنجم جاذبه‌های طبیعی را در جهان داراست و یکی از امن‌ترین کشورهای منطقه و جهان برای گردشگران خارجی محسوب می‌شود و دارای ابعاد متنوعی همچون توریسم الکترونیکی، اکو توریسم، توریسم درمانی، ورزشی، روستایی، فرهنگی و تاریخی است.

کشور ایران، سرشار از جاذبه‌هایی چون دیدنی‌های طبیعی، باستانی، تاریخی و زیارتی از جایگاهی متمایز و منحصر به فرد برخوردار است. لذا توجه بیش از پیش به این بخش، می‌تواند زمینه رسیدن به نرخ بالاتری در زمینه اشتغال، افزایش درآمد ارزی، معرفی تمدن و فرهنگ ایرانی به جهانیان، تعامل گسترده و سازنده با کشورهای دنیا، در هم شکستن مرزهای قومی و اقلیتی را فراهم کند. از سوی دیگر تهران به عنوان پایتخت ایران تصویری از یک شهر شلوغ و پرتراکم را در ذهن، متبادر می‌کند. این در حالی است که این شهر با جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و مذهبی، ظرفیت‌های پنهان بسیاری برای معرفی به جهانیان دارد.

طی سال‌های اخیر، گردشگری تبدیل به صنعتی رقابتی شده و کشورها برای کسب درآمد بیشتر متمایل به استفاده از روش‌های جدید و ارائه نوآوری در این صنعت شده‌اند. برگزاری جشن‌های مختلف، کنفرانس‌ها، مسابقات ورزشی مانند المپیک و حتی استفاده از پزشکان مجرب برای درمان بیماران سایر کشورها، روش‌های جدیدی برای جذب توریست و شناساندن فرهنگ یک کشور به جهان است.

در کنار روش‌های پرهزینه، روش‌های کم‌هزینه ولی

پرباری نیز برای جذب توریست در اکثر کشورهای صنعتی، دنبال می‌شود که از آن جمله می‌توان به استفاده از سمبل‌ها و مکان‌های گردشگری در فیلم‌های سینمایی، کارتون‌های تلویزیونی و یا حتی بازی‌های رایانه‌ای اشاره کرد.

فضای مجازی برای آشنایی با جاذبه‌های گردشگری دنیا فرصت‌های تازه‌ای را ایجاد کرده است. توان فناوری اطلاعات، محدودیت‌های جغرافیایی و اقتصادی را از بین برده و این امکان را برای انسان‌ها فراهم کرده است که بتوانند قبل از سفر از جاذبه‌های گردشگری مکان‌های مختلف با خبر شوند و در انتخاب مقصد سفر، بهتر تصمیم بگیرند. آنچه باعث رشد استفاده از فضای مجازی در صنعت گردشگری شده است سهولت دسترسی، کم هزینه بودن، چند رسانه‌ای، تعاملی و به‌روز بودن آن است.

فضای مجازی، فرصت خوبی را برای حفظ ارزش‌های تاریخی یک تمدن، فارغ از زمان و مکان، فراهم می‌کند. این سایت‌ها، سخن‌گوینان دیجیتال یک کشور در اینترنت هستند. طبیعتاً هر چقدر که این پایگاه‌ها قوی‌تر و برای به‌روزرسانی داده‌هایشان توانمندتر باشند و نیز بتوانند با مخاطبان گوناگونی از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف، ارتباط برقرار کنند موفق‌تر و کارآمدتر خواهند بود



عکس‌ها به هم متصل هستند، امکان حرکت در امتداد عکس‌ها هم وجود دارد و با استفاده از نوار ابزار می‌توانید در سایت موجود است می‌توانید از قابلیت بزرگنمایی و یا حرکت به شمال، جنوب، شرق و غرب استفاده کرد. به عنوان مثال در مورد عکس‌هایی که از بالای برج میلاد گرفته شده، می‌توانید با کلیک کردن روی دو فلشی که در سمت چپ و راست تصویر هست، به سمت غرب و شرق تهران حرکت کنید و زاویه دیدتان از شهر را گسترش دهید. همین‌طور کاربران می‌توانند با کلیک روی نقاطی که با حرف (i) مشخص شده، درباره آن مکان خاص اطلاعات لازم را نیز به دست آورند. این مکان‌ها شامل ساختمان‌ها، سازمان‌ها و پارک‌ها و مراکز فرهنگی مانند سالن‌های سینما و... است.

مدیر این پروژه در ادامه، یکی از مهمترین نتایج راهاندازی "تهران گیگاپیکسل" در قسمت گردشگری مجازی پرتال شهرداری تهران را دیدن و معرفی شهر تهران بدون نیاز به سفرهای درون‌شهری دانست و افزود: با چند کلیک می‌توانید نماهای مختلف از شهر تهران را با وضوحی بسیار بالا ببینید و به اطلاعات مورد نیازتان دست پیدا کنید.

تصاویر ویدئویی و عکس‌های سه بعدی می‌تواند

چشم اندازهای زیبایی را از محل سفر عرضه کند تا

تمایل افراد برای مسافرت افزایش یابد و در انواع پیشرفته

آن فیلم‌ها و فضاهای چند رسانه ایسی در شبیه‌سازی

محیط مقصد برای کاربررا دارند

عکس گیگاپیکسل چیست؟

احسان رحیمی در پاسخ به این پرسش گفت: عکس گیگاپیکسل، همان‌گونه که از نامش پیداست، تصویری دیجیتالی است که از میلیاردها پیکسل (نقطه کوچک) تشکیل شده است. کمتر از ده سال است که گرفتن این گونه عکس‌های پانورامایی با وضوح بسیار بالا در دنیا رواج پیدا کرده است. با استفاده از این عکس‌ها و همچنین بهره بردن از امکان بزرگنمایی هر بخش از تصویر و در اختیار داشتن اطلاعات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی درباره همان محل خاص، می‌توان بدون نیاز به حضور فیزیکی در فضاهای شهری، مناظر طبیعی، پارک‌های ملی و... بیشتر اطلاعات لازم درباره آن‌ها را به دست آورد.

تهران سه بعدی

وی در ادامه با ذکر این که سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران در کنار پروژه تهران گیگاپیکسل و تهیه عکس‌های پانوراما اقدام به تهیه عکس‌های آنالگراف یا سه بعدی از اماکن مختلف شهر تهران نیز نموده است گفت: در این پروژه چند عکس با وضوح بالا و به صورت سه

بعدی موجود است که باید به وسیله عینک‌های ویژه این نوع تصاویر که عینک‌های دو رنگ سبز و قرمز یا آبی و قرمز است مشاهده شود.

تصاویر سه بعدی و نحوه ایجاد آن

انسان برای تفسیر بهتر از هر موضوعی نیازمند درک بهتری از آن پدیده است. این تفسیر محتاج تسلط به تمامی ابعاد وجودی می‌باشد. ما همواره برای تشخیص بعد اول و دوم یعنی طول و عرض مشکل چندانی نداشته‌ایم؛ اما مشکل اصلی در تشخیص بعد سوم است از این رو بشر همیشه تلاش کرده که دید بهتری نسبت به بعد سوم داشته باشد؛ یکی از نتایج این تلاش‌ها ابداع روش آنالگراف بوده است. رحیمی در تعریف تصاویر آنالگراف گفت: آنالگراف تصاویری مسطح هستند که در صورتی که با عینک ویژه با شیشه‌های رنگین از دو رنگ متفاوت (مثلا سرخ و آبی) به آن‌ها نگریسته شود، کاملا سه بعدی و برجسته به نظر می‌رسند اما رنگ آن‌ها وابسته به رنگ این شیشه‌ها خواهد بود؛ بنابراین یک تصویر آنالگراف، رنگ‌های حقیقی خود را از دست می‌دهد. آنالگراف‌ها عضوی نسبتاً قدیمی و کلاسیک از خانواده بزرگ استریوگرام‌ها هستند. این تصاویر در دهه ۵۰ میلادی پدید آمده اند و با تغییرات جزئی تا کنون ادامه حیات داده اند. اگر آنالگراف‌ها را بدون عینک ویژه مشاهده کنید، سوژه را به صورت سیاه و سفید در متن و حاشیه‌هایی رنگی را در لبه‌های آن می‌بینید، گویی اشتباه چاپی رخ داده باشد. اما همین جابه‌جایی رنگ‌ها است که از پس عینک درک سه بعدی را باعث می‌شود. وی در این باره همچنین افزود: با قدری اختصار، قانون عبور انتخابی در فیزیک اپتیک می‌گوید: یک شیء شفاف نورهای هم‌رنگ خود را عبور داده و نورهایی از رنگ دیگر را جذب می‌کند. آنالگراف‌ها بر اساس همین قانون ساخته شده اند. عینک‌های آنالگراف که برای مشاهده تصاویر و فیلم‌های سه بعدی به کار می‌روند، دارای شیشه‌هایی از دو رنگ مکمل هستند. شیشه چشم چپ انواع استاندارد این عینک‌ها به رنگ سرخ و شیشه راست به رنگ آبی یا فیروزه‌ای است. عینکی با این ویژگی توانایی جداسازی دو تصویر مستقل که با یکدیگر ترکیب شده اند را داراست. اگر با این عینک به این تصاویر نگریسته شود، چشم از پشت شیشه آبی رنگ سطوح سرخ و سیاه را به رنگ سیاه و سطوح آبی و سفید را به رنگ آبی می‌بیند. در تصاویر آنالگراف این توانایی جداسازی تصاویر ترکیب شده برای بازسازی نماهایی که از دو زاویه‌ی متفاوت از شیء واحد برداشته شده اند به کار می‌رود. همچنین زمانی که به تماشای یک فیلم سه بعدی نشست‌اید و از عینکی استفاده می‌کنید که با فیلتر قرمز-آبی پوشیده شده است، از هر یک از چشم‌ها تنها یک تصویر به مغز مخابره می‌شود. انتقال این دو تصویر به مغز و تطبیق آن‌ها باعث می‌شود آنچه را که در این تصاویر می‌بینید سه بعدی به نظر برسد.

لایه‌های مربوط به حوزه گردشگری و جاذبه‌های شهری

مدیر پروژه گردشگری در ادامه با اشاره به کتاب دو جلدی "مطالعات شهر مجازی تهران" گفت: بر اساس این مطالعات، یک وب‌گاه مفید در حوزه



میلان شهری در فضای مجازی

میلان شهری شامل تجهیزاتی مانند تیرهای برق و نیمکت‌ها، باغچه‌ها، کفیوش، کیوسک‌های مطبوعاتی، تلفن، وسایل تفریحی در پارک‌ها، سطل زباله و... می‌شود. اخبار، گالری عکس و ارائه تصاویر آرشیوی میلان شهری، معماری شهری، مجسه‌های شهر، معرفی پیوندهای مرتبط اینترنتی سراسر دنیا، اطلاعات مربوط به برنامه‌ها و سیاست‌ها، قوانین و استانداردهای مربوط به زیباسازی شهر، راهنمای شیوه‌های زیباسازی شهر و... نمونه از خدمات در این لایه است.

پرستگ‌های شهری در فضای مجازی

شهرها را معمولاً با پرستگ‌های شهری می‌شناسند. برای مثال بنای میدان آزادی نماد تهران است. پرستگ‌های شهری چیزی بیش از مشتکی سنگ یا ساختمان هستند. این پرستگ‌ها نمادین و حامل هویت هستند. احسان رحیمی در پایان، فناوری اطلاعات و ارتباطات را یکی از عواملی دانست که باعث می‌شود مسافری و شهروندان به اطلاعات دقیق و باثباتی دسترسی پیدا کرده و بتوانند به آسانی و در زمان کوتاهی، تصویری نزدیک به واقع از شهر خود یا شهر مقصدشان در اختیار داشته باشند و گفت: این فناوری‌ها همچنین می‌تواند در بهبود کیفیت خدمات، یاری رساند و در رضایت مندی بیشتر مسافری و مهمانان سهم داشته باشد. البته گردشگری مجازی نه تنها در کشور ما بلکه در سطح جهان هم در واقع صنعتی نوین است که شاید عمر آن حتی به ۲۰ سال هم نرسد امکان دسترسی به اطلاعات صوتی، تصویری و متنی در باره شهرها و اماکن توریستی آن‌ها، این امکان را به گردشگر می‌دهد که بتواند با حداقل امکانات، هزینه و دانش، اطلاعاتی از شهر مقصد به دست آورده و به تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی او کمک کند ■

گردشگری و جاذبه‌های شهری از پنج لایه تشکیل می‌شود که به ترتیب عبارت از تاریخ، توریسم، جاذبه‌های گردشگری، پرستگ‌های شهری و میلان شهری است. وی در ادامه به توضیح و تشریح این لایه‌ها پرداخت که به ترتیب در متن ذیل به آن اشاره شده است:

تاریخ در فضای مجازی

تاریخ در فضای مجازی به این معناست که می‌توان عناصر تاریخی را که هر یک به دوره‌ای از زمان تعلق دارند به طور هم‌زمان در یک جا متمرکز کرد. معرفی تاریخ ملت‌ها، ادیان، کشورها، افراد و غیره از طریق فضای مجازی، ارائه فیلم و موسیقی با مضمون تاریخی، آموزش تاریخ از طریق فضای مجازی، معرفی اماکن تاریخی و نحوه دسترسی به آنها، معرفی چهره‌های تاریخی و... چند نمونه از خدمات مجازی لایه تاریخ محسوب می‌شود.

توریسم در فضای مجازی

مجازی‌گرایی در توریسم به هیچ عنوان کار تازه‌ای نیست. خدمات این لایه در دنیای مجازی شامل ارائه اطلاعات مورد نیاز گردشگران مانند: اطلاعات مربوط به حمل و نقل و یافتن آدرس به تفکیک و با جزئیات در مورد قطار شهری، هواپیما، تاکسی، اجاره خودرو و اتوبوس و... اطلاعات مربوط به واحد پول و تبدیل‌های آن، تاریخ‌ها و ساعت‌ها مربوط به تعطیلات، مناسبت‌ها، مراسم و غیره، ارائه شماره تلفن‌های لازم برای توریست‌ها و... می‌شود.

جاذبه‌های گردشگری در فضای مجازی

ویژگی‌های فضای مجازی مثل سهولت دسترسی، ارزانی، چندرسانه‌ای بودن، تعاملی بودن، به روز بودن و... این فضا را برای معرفی ارائه خدمات در رابطه با جاذبه‌های گردشگری به یک فضای مناسب بدل می‌کند.

تحلیل اردشیر اروچی کارشناس برنامه ریزی گردشگری از ویژگی‌های مهم ایران برای توسعه صنعت گردشگری

بخش خصوصی ناجی حوزه گردشگری



محمدصادق خسروی

مغفول ماندن بخش گردشگری عوامل متعددی دارد. اگر قرار باشد به این موضوع به صورت مفصل پرداخته شود مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود. با این اوصاف هر کدام از کارشناسان این حوزه در خصوص عدم پیشرفت گردشگری در کشور دلایل و صحبت‌های خاص خود دارند. اردشیر اروچی از کارشناسان مطرح برنامه ریزی گردشگری در گفتگوی اختصاصی ما، بیشتر محدودیت بخش خصوصی، عدم ایجاد یک پایگاه آماری و البته مدیریت ضعیف اشاره می‌کند و این موارد را از عوامل اصلی پا نگرفتن و شکست برنامه در بخش گردشگری می‌داند.

ایران چه ویژگی‌هایی در حوزه گردشگری دارد؟ اگر بخواهیم این ویژگی‌ها را در یک لیست کلی بگنجانیم شما چه ویژگی‌هایی را عنوان می‌کنید؟

کشور ما ایران، ویژگی‌های بسیار منحصر به فردی در حوزه گردشگری دارد. ایران از لحاظ قدمت تاریخی پایگاه تمدن‌های بسیاری بوده و این کشور خاستگاه یکی از ۷ تمدن بشری است. همه اینها نشان می‌دهد که به لحاظ تاریخی ما ویژگی بسیار درخور و ارزشمندی داریم. همچنین کشور ما از لحاظ تنوع اقلیمی ویژگی‌های زیادی دارد و تنوع اقلیمی اش فراوان است. در آن واحد در عین حال که آب و هوای گرم در کشور حاکم است آب و حال و هوای خنک درگوشه و کنار این اقلیم منحصر به فرد در جریان است. در ایران می‌توان در یک زمان تنوع آب و هوایی چهارفصلی را تجربه کرد. در مواقعی که در نقاطی از کشور آب و هوای سرد و برف و بوران حاکم می‌شود در بعضی مناطق جنوبی و حاشیه خلیج فارس هوای معتدل و بهاری جریان می‌یابد. ایران کشوری است که به لحاظ تنوع اقلیمی بسیار جالب و جذاب است. دومین نکته ای که در رابطه با ویژگی‌های گردشگری حائز اهمیت است تنوع فرهنگی است. تنوع فرهنگی برای گردشگران بسیار جذاب باشد. سالیان متمادی است که چندین قوم مختلف در کنار هم و زیر پرچم سه رنگ ایران قرار گرفته اند؛ ترکها، بلوچ ها، بختیاری ها، لرها، گیلک ها، ترکمنها، عربهای خوزستان، اقوام بختیاری و... همه و همه اقوام مختلفی هستند که هرکدام فرهنگ، آداب و رسوم خودشان را دارند. حتی تنوع غذا، پوشاک، زبان، لهجه و... نیز برای گردشگران جذاب است. تنوع ادیان و مذاهب هم یکی از جذابیت‌های ایران است. در کشور ما ادیان مختلف در کنار هم هستند ادیان غیر مسلمان از جمله: مسیحی، یهودی و زرتشتی در کنار هم به خوبی و خوشی زندگی می‌کنند. جالب اینکه هم در این کشور مساجد برقرار و هم آتشکده روشن است مثلا در یزد آتشکده ای داریم که از زمان ساسانیان هنوز خاموش نشده است. همچنین کلیسا هایی در آذربایجان وجود دارد که از

کلیساهای اولیه و مربوط به زمانی است که حواریون مسیح به این کشور می‌آمدند. این کلیساهای اولیه در ایران باقی مانده و مورد توجه است. به غیر از ادیان و مذاهب، فرقه‌های مختلف دین اسلام چون شیعه، سنی وحنفی بسیار مسالمت آمیز با یکدیگر زندگی می‌کنند این موضوع برای گردشگران خیلی جذابیت دارد. اگر گردشگری دنبال این باشند که کشف کند و به دریافتهای جدید دست یابد ظرفیت‌های دیگری در این کشور وجود دارد که او را به کشف ناشناخته‌ها و مناطق بکر رهنمون می‌سازد.

با توجه به اینکه ظرفیت گردشگری ما بسیار گسترده است در حال حاضر چه اندازه از ظرفیت گردشگری و استعدادهای بالقوه استفاده می‌شود؟

متاسفانه استفاده از استعدادهای بالقوه گردشگری خیلی کم است ما می‌توانیم شاخه‌های گردشگری مختلف را توسعه بدهیم. توسعه گردشگری فرهنگی می‌تواند جذاب باشد گردشگری تاریخ، فرهنگ، صنایع دستی، گردشگری ادیان و مذاهب، گردشگری طبیعت گردی، گردشگری سلامت، گردشگری ماجراجویانه، گردشگری شهرها و روستاهای شگفت انگیز... نیز از این موارد است. حداقل ۲۰ مورد شاخه گردشگری جذاب در ایران وجود دارد که متاسفانه مورد استفاده قرار نگرفته است. در ایران سند چشم اندازی تهیه شده که این سند، چشم انداز گردشگری آینده را مشخص می‌کند. طبق این سند باید برای ۱۴۰۴ تقریبا ۲۰ میلیون گردشگرداشته باشیم همچنین براساس این سند درسال ۱۳۹۷ باید ۱۱ و نیم میلیون گردشگر می‌داشتیم تا در سال ۱۴۰۴ آن بیست میلیون گردشگر محقق شود- هرچند آمار دقیق امسال در دست نیست و این آمار مربوط به سال قبل است- در ۱۳۹۶ نیز طبق سند باید ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار گردشگر می‌داشتیم که فقط ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر گردشگر وارد ایران شد. طبق آمارها چیزی حدود ۴۵ درصد از برنامه عقب هستیم. جالب اینکه نه تنها از برنامه عقب هستیم بلکه سال ۱۳۹۶ تراز گردشگری در حقیقت ۵۳ درصد منفی بوده است و این نشان می‌دهد متاسفانه ما از این استعدادها و توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه ای که داریم به خوبی استفاده نکردیم و نتوانستیم گردشگر جذب کنیم.

در حوزه گردشگری کدام بخش‌ها روی زمین مانده و در کدام بخشها با پیشرفت نسبی در سال‌های اخیر رو به رو بوده است؟

در حقیقت مدیریت گردشگری ما ضعیف است. قاعدتا ما باید یک پایگاه آماری صحیح به هنگام و مستند داشته باشیم. این پایگاه آماری باید برای همه مردم از جمله خبرنگارها، پژوهشگران سرمایه گذارها قابل دسترسی باشد و تا بتوان حداقل هر ۳ ماه یکبار وضعیت گردشگری را در این پایگاه

مشاهده و ارزیابی کرد. این پایگاه‌ها نشاندهنده منحصویتی گردشگری باید باشد و میزان گردشگر ورودی و خروجی را نشان بدهد. وقتی آمار داشته باشیم می‌توانیم تحلیل کنیم که چه چیزهایی باعث رشد گردشگری شده و چه مسائلی باعث افت گردشگری شده است و چه اصلاحاتی باید انجام شود و چه سیاستهایی باید اتخاذ کنیم که باعث رشد گردشگری شود. ما باید سند راهبردی گردشگری داشته باشیم که با کمال تأسف نداریم!! هر دفعه یکبار یک سازمان می‌آید و می‌گوید: من باید سند قبلی را تجدید نظرکنم تا این سند تجدید نظر و مصوب شود رئیس بعدی می‌آید و رئیس بعدی می‌خواهد نظر خودش را اعمال کند و اینگونه است که ما هنوز نتوانستیم برای کشور یک سند راهبردی توسعه گردشگری داشته باشیم که آن را اجرایی کنیم. یکی از این موارد بسیار مهم بازاریابی و تبلیغات مناسب است که در این زمینه‌نیز ما تاکنون نتوانستیم بازاریابی و تبلیغات خوبی انجام دهیم و تقریبا بازاریابی و تبلیغات ما صفر است!! جالب اینکه با اکثر کشورهایی که در خصوص گردشگری تفاهم نامه امضا می‌کنیم این تفاهم نامه به نفع آن کشور می‌شود و کشور مربوطه گردشگر بیشتری از ما جذب می‌کند و به جای اینکه گردشگر به کشور ما بیاید گردشگر از کشور ما به کشور مربوطه می‌رود! با کمال تأسف باید بگویم که تراز گردشگری ما با تک تک کشورها منفی است چه با کشورچین، چه با ترکیه... با هر کشور دیگری منفی است حالا برخی می‌گویند با کشور عراق و آذربایجان تراز گردشگری مان مثبت است. این کشورها تردد مرزی دارند و شهروندان این کشورها رفت و آمد و تردد مرزی می‌کنند اگر تردد مرزی را حذف کنیم تراز اینها هم منفی می‌شود در واقع خیلی از بخش‌ها در حوزه گردشگری روی زمین باقی مانده است.

پیشنهاد شما برای سرمایه گذارانی که می‌خواهند وارد این عرصه بشوند چیست؟ اگر تمایل داشته باشند وارد بخشهایی زود بازده شوند شما پیشنهاد می‌کنید به کدام بخش در حوزه گردشگری فعالیت کنند؟

خوشبختانه کشور ما مستعد سرمایه گذاری در بخش گردشگری است به شرط اینکه مدیریت گردشگری ما بهبود پیدا بکند. همان سایت آماری که گفتیم نیاز داریم و اما نداریم، این سایت آماری می‌تواند رهنمود خوبی برای سرمایه گذار باشد. یک سرمایه گذار می‌خواهد بداند که اگر سرمایه گذری کند می‌تواند امید داشته باشد که ظرف چند سال سرمایه اش برمی گردد و چقدر سود عایدش می‌شود؟ باید تصویر روشن جلوی چشمانش باشد. ما آمارها را فقط در مصاحبه‌ها اعلام می‌کنیم هرچندگاهی رئیس یا معاون گردشگری مصاحبه می‌کند و آماری می‌دهند آیا این آمار مستدل است و سندیت دارد؟ چه روندی را طی کرده است؟ باید افراد بهتر آمار بدهند. به نظرم سازمان میراث فرهنگی باید هر چه زودتر پایگاه آماری راه اندازی کند و در معرض دید همگان قرار دهد. اگر این اتفاق افتاد سرمایه گذار نگاه می‌کند و جذب می‌شود. ما زمینه‌های فراوان در بخش گردشگری داریم که می‌تواند سرمایه گذار جذب کند. مثلا در زمینه هتل‌ها ما آمار نیاز داریم که هتل درکجا ساخته شود و سرمایه گذار در کدام شهر سرمایه گذاری کند که مناسب تر باشد: در اصفهان، کرمان، تبریز، همدان یا کاشان..... باید تکلیف



روشن باشد. سایت آماری این چیزها را به وضوح نشان می‌دهد که چه تعداد نیاز است و ظرفیت ما چقدر است. تا وقتی این سایت‌ها راه اندازی نشود امکان سرمایه گذاری کم است وگرنه ظرفیت سرمایه گذاری در ایران چه در بخش هتل و چه مجتمع فرهنگی تاریخی چه در بخش سرمایه گذاری در جوار جاذبه‌های تاریخی زیاد است. حتی در زمینه حمل و نقل ما می‌توانیم جذب سرمایه گذار کنیم اگر مشخص بشود در ناوگان هوایی، زمینی و جاده ای و ریلی نیاز به سرمایه گذاری داریم منتهی باید تکلیف مشخص باشد تا برای سرمایه گذار جذاب و روشن باشد.

آیا بخش خصوصی می‌تواند به توسعه گردشگری کمک بکند؟ چطور این امکان فراهم می‌شود؟

صد در صد، گردشگری باید توسط بخش خصوصی توسعه پیدا کند اما این مستلزم آن است که دولت به هیچ عنوان دخالت نکند. دولت به هیچ عنوان نباید فعالیت‌های ستادی انجام بدهد. فعالیت‌های دولت عبارت است از سیاست گذاری، برنامه ریزی، حمایت، هدایت، ارزش یابی و نظارت دولت باید اجازه بدهد تا کارهای اجرایی دست بخش خصوصی باشد یعنی هتل، حمل نقل، رستوران، امکانات رفاهی ضروری، خدمات گردشگری... همه دست بخش خصوصی باشد و اصلا ضرورت ندارد دولت وارد بخش هتلداری شود. متاسفانه هنوز تعدادی از هتلها دست سازمان میراث فرهنگی و بخش‌های وابسته است و این بخش‌ها اجازه نمی‌دهند بخش خصوصی وارد این عرصه شود. باید مسیر را باز بگذارند تا بخش خصوصی کار خودش را انجام بدهد. سازمان میراث فرهنگی سیاست گذاری، برنامه ریزی، نظارت، هدایت و حمایت را انجام بدهد. بخش خصوصی خودش می‌تواند وظیفه اصلی را انجام بدهد. بنابراین باید اصل کار دست بخش خصوصی باشد و از طرف دولت هیچ گونه دخالت دربخش خصوصی انجام نگیرد. متاسفانه الان غیر مستقیم این دخالت‌ها وجود دارد و شرکت‌های وابسته به دولت هم در دفاتر خدمات گردشگری و هم در هتلداری فعالیت می‌کنند و همچنین در بخش خدماتی رفاهی هم حضور دارند. این حضور هیچ ضرورتی ندارد. کار مهم تر را باید به بخش خصوصی بسپاریم و متصدی این عرصه باید بخش خصوصی باشد ■

به تخصص‌های سطح بالا دسترسی نداشته‌اند، لذا باید به تجهیزات و دانش جدید دست پیدا کنند. در این زمینه بهره‌مندی از کارکنان کلیدی دارای مهارت‌های مدیریتی قوی و تجربه بین‌المللی نیاز جدی است. بهبود شیوه‌های اکچوئری، قبول ریسک، انتقال ریسک، مدیریت ریسک، اصلاح روش‌های کفایت سرمایه و همچنین اصلاح فرمول‌های ناکارآمد ارزیابی توانگری بانک‌ها و بیمه‌ها و بهبود مستمر توانگری و تطبیق با استانداردهای بین‌المللی بازل ۳ برای بانک‌ها از اقدامات ضروری است.

بانکداری سرمایه‌گذاری هنوز در ایران جا نیافتاده است و به طور کل بخش بانکی در اموری نظیر تشویق مردم در مقایسه با کشورهای نظیر آلمان و آمریکا به استفاده از کارت‌های بانکی و افزایش ضریب نفوذ دستگاه‌های ATM به نسبت جمعیت دارای موفقیت خوبی بوده است اما به لحاظ جذابیت محصولات پیشنهادی، مدیریت ریسک، کارایی وام دهی، نظارت وام‌گیری، بنگهداری و کفایت سرمایه عقب است. برخی از محصولات جدید در بانکداری خرد و بانکداری شرکتی که در بسیاری از کشورهای دنیا رایج شده در ایران در دسترس نیست که از آن جمله می‌توان به کارت‌های اعتباری بدون تضمین، کارتهای اعتباری بدون بهره برای خریداران وام‌های کوچک، تسهیلات اضافه برداشت و کارت‌های بانکی با قابلیت بین‌الملل اشاره کرد.

چالش جدی صنعت بیمه کشور عدم نوآوری یا نوآوری ناقص و محدود در روش‌های فروش بیمه نامه و تسویه خسارت است که منجر به ضریب نفوذ پائین علاوه بر رشد مبلغی (عمدتاً تورمی) سالانه حق بیمه تولیدی است. آمارها بیانگر این است که کمتر از ۱۲ درصد اموال خانوارهای ایران تحت پوشش بیمه قرار دارد و با وجود اجباری بودن بیمه شخص ثالث از سال ۱۳۳۵ هنوز هم تعداد زیادی از اتومبیل‌ها فاقد چنین بیمه‌نامه‌ای هستند و بازار گسترده و بکری برای بیمه‌گران کشور مفتوح است. دستیابی به رشد مناسب این بخشها مستلزم تجدید سرمایه بانکها و بیمه‌ها، به روز رسانی سیستم‌ها و زیر ساختها، اصلاح فرآیندها، فناوری اطلاعات کاربردی، تربیت نیروی متخصص در رشته‌های مختلف، انتقال تکنولوژی‌های روز دنیا و رفع ابهامات به دلیل پائین بودن شفافیت است.

اصلاح سیستم بانکی برای ارتباط با سیستم جهانی و انجام تراکنش‌های بین‌المللی برای دریافت و پرداخت در داخل و خارج از کشور، افزایش سودآوری بانک‌ها از روش‌هایی غیر از نرخ بالای تسهیلات، کوچک‌سازی و چابک‌سازی بخش دولتی بانک و بیمه نه در حجم عملیات و میزان پرتفوی بلکه در مبحث شرکتی و در بحث حاکمیتی از طریق نهادسازی و ابزار سازی. به‌عنوان مثال ترغیب و تشویق بخش خصوصی برای فعالیت در اموری نظیر رتبه‌بندی اعتباری مشتریان بانک‌ها، ارزیابی ریسک بیمه‌گزاران، فعالیت‌های محاسباتی صدور بیمه‌نامه، ارزیابی و حتی تصفیه خسارت برای بیمه‌گران، ارزیابی سطح توانگری بانک‌ها و بیمه‌ها، رتبه‌بندی مطالبات بانک‌ها و بیمه‌ها و همچنین وصول مطالبات، آموزش کارشناسان مرتبط حوزه بانک و بیمه و تعیین صلاحیت حرفه‌ای مدیران و کارکنان کلیدی بانک‌ها و بیمه‌های کشور است ■

چرخ در ادامه می‌افزاید: مشکل شرکت‌های اروپایی دو چندان است زیرا اتحادیه اروپایی، در تلاشی برای نجات موافقت نامه ایران، مقررات بلاکینگ خود را اصلاح کرد؛ این مقررات اساساً می‌گوید که اگر شما روش کسب و کار خود را برای تطابق با تحریم‌های ثانویه آمریکا عوض کنید، قانون و تحریم‌های اتحادیه اروپایی را نقض کرده‌اید. بسته شدن راه پیش و پس یعنی همین، اگر شما مطابق با ایالات متحده باشید، این ریسک وجود دارد که تحریم‌های اروپایی را نقض نمایید.

تحریم‌های بین‌المللی به ویژه در بخش نظام بانکی، خطوط کشتی رانی و خدمات بیمه‌ای، واردات محصول به ایران را محدود نموده اما قطع نکرده است. زیرا وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ایران بین ۱۵ همسایه دریایی و زمینی با رویکردهای مختلف سیاسی تحریم‌های بین‌المللی را مورد چالش قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، تحریم‌های بین‌المللی تنها هزینه خدمات و محصولات را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، دیگر شرکت‌های تجاری صنعت بیمه به ویژه شعبات خارجی آنها که اغلب در خلیج فارس یا دریای عمان واقع شده‌اند، بنگاه‌های اقتصادی هستند که متحمل هزینه‌های بالایی شده‌اند، زیرا درآمد حق بیمه دریایی به دلیل تحریم‌ها به شدت کاهش داشته است. پرتفوی دریایی، یک پرتفوی سودآور برای تمامی شرکت‌های بیمه محسوب می‌شود زیرا نرخ متوسط خسارت در این حوزه کمتر از ۴۱ درصد است. بانکهای ایرانی دولتی یا نیمه خصوصی هستند اما بانکهای واقعاً خصوصی با سرعت بیشتری نسبت به دو سوم رقبای دولتی یا نیمه خصوصی رشد می‌کنند. بیش از ۵۷ درصد معاملات تجاری ایران پس از برجام در بخش‌های مهمی همچون نفت، گاز، پتروشیمی و سایر صنایع عظیم بوده که بانک و بیمه‌های ایرانی می‌بایست نقش جدی در مباحث مالی این معاملات داشته باشند.

دولت ایران تمایل خود را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد در واقع راه موثر برای دستیابی به رشد اقتصادی نیز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، اما بنگاه‌های بین‌المللی جهت اطمینان از این سرمایه‌گذاری‌ها نیاز به پوشش ریسک‌های مختلف توسط سیستم‌های روزآمد و کارآمد بیمه و بانک در کشور دارند.

بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی که تمایل به سرمایه‌گذاری در ایران دارند، برای انجام عملیات بانکی و بیمه‌ای خود از طریق بانک‌ها و بیمه‌های ایران دچار تردید هستند، زیرا نظام مالی کشور نیاز به بازبینی کامل دارد. بانکها و بیمه‌های کشور به‌ویژه بخش‌های دولتی و نیمه دولتی حجم وسیعی از دارایی‌های کم بازده را در صورت‌های مالی خود دارند و نیازمند اصلاح و تجدیدنظرهای کلان و تجدید سرمایه هستند حرکت سریع به سمت شفاف سازی و حساسی نوین، اصلاح رویه‌های عملیاتی و پرهیز از شعبه محوری از شرایط اساسی این حرکت است.

بانکها، بیمه‌ها و کل شرکت‌های دولتی و همچنین بخش خصوصی برای پیشرفت و کسب توان رقابت با بخشهای مشابه خارجی باید ساختار هزینه خود را مطابق شرکت‌های موفق جهانی تنظیم نمایند و بهروری نیروی کار و سرمایه را باید بهبود بخشید. بسیاری از شرکت‌های ایرانی، سال‌ها



بررسی چالش‌های بین‌المللی حوزه بانک و بیمه

مقابله با چالش‌های بین‌المللی

به ایران را محدود نموده اما قطع نکرده است. زیرا وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ایران (۱۵ همسایه دریایی و زمینی با رویکردهای مختلف سیاسی تحریم‌های بین‌المللی را مورد چالش قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، تحریم‌های بین‌المللی تنها هزینه خدمات و محصولات را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، دیگر شرکت‌های تجاری صنعت بیمه به ویژه شعبات خارجی آنها که اغلب در خلیج‌فارس یا دریای عمان واقع شده‌اند، بنگاه‌های اقتصادی هستند که متحمل هزینه‌های بالایی شده‌اند، زیرا در آمد حق بیمه دریایی به دلیل تحریم‌ها به شدت کاهش داشته است.

مارک چرچ مدیر بیمه مسوولیت دریایی شرکت پی‌اند‌آی نورث انگلیس، در این زمینه گفت: با به قدرت رسیدن ترامپ، ما شاهد تغییرات واقعی در نظام تحریم‌ها علیه ایران، سوریه، روسیه، ونزوئلا، کره شمالی، کویا و سودان هستیم. برای شرکت‌های کشتیرانی این موضوع بسیار سخت است؛ زیرا منابع کافی برای استمرار وضعیتی که هرروز تغییر می‌کند، وجود ندارد.

سرعت تغییرات در مقوله تحریم‌ها بسیار زیاد است. زمانی که بحث از تحریم‌ها است، ایالات متحده رهبر جهان هست. آنان تحریم‌های اولیه‌ای دارند که برای شهروندان آمریکایی است و تحریم‌های ثانویه‌ای که علیه شرکت‌های ثالث در جهان تحمیل شده است. برای مثال، در تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران، به مؤسسات مالی جهان گفته شده بود که از کار با بانک‌های ایرانی سرباز زنند، در غیر این صورت دسترسی به سیستم مالی آمریکا را از دست می‌دهند.

تحریم‌های

بین‌المللی به‌ویژه در بخش نظام بانکی، خطوط کشتی رانی و خدمات بیمه‌ای، واردات محصول به ایران را تا حدودی محدود کرده است ودر این راستا بازارهای ارز و سکه و تجارت کالا

تحت این اخبار قرار دارند. بررسی فضای تحریم‌های جهانی نشان می‌دهد که به دلیل طیف وسیع حوزه‌های قضایی و سرعت تکامل تحریم‌های این فضا، برای شرکت‌های کشتیرانی به شدت چالش برانگیز است.

بر اساس نظر مارک چرچ، مدیر بیمه مسوولیت دریایی شرکت پی‌اند‌آی نورث انگلستان، تعداد تحریم‌ها، طی ۵ تا ۱۰ سال آینده با تحریم‌های اقتصادی بیشتر به عنوان جایگزینی برای جنگ و استفاده از زور استفاده می‌شود.

کشورهای مختلف از تحریم‌های اقتصادی محدودی نسبت به کشورهای دیگر به منظور دستیابی به اهداف سیاسی خود بهره می‌جویند. اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این نوع تحریم‌ها عموماً اثربخش نیستند و تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی به ندرت توسط سازمان‌های بین‌المللی صورت می‌پذیرد. جامعه جهانی که طی سال‌های بین دو جنگ جهانی نقش حاکم را در امور بین‌الملل بازی می‌کرد، چهار بار تحریم اعمال کرد و تنها دو بار آن به موفقیت انجامید. تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه در بخش نظام بانکی، خطوط کشتیرانی و خدمات بیمه‌ای، واردات محصول



احسان شمشیری

ified investment goals for the benefit of the investors. Investors may be institutions (insurance companies, pension funds, corporations etc.) or private investors (both directly via investment contracts and more commonly via collective investment schemes eg. mutual funds). The investment management division of an investment bank is generally divided into separate groups, often known as Private Wealth Management and Private Client Services. Asset Management deals with institutional investors, while Private Wealth Management manages the funds of high net-worth individuals.

Sales & trading In the process of market making, traders will buy and sell financial products with the goal of making an incremental amount of money on each trade. Sales is the term for the investment banks sales force, whose primary job is to call on institutional and high-net-worth investors to suggest trading ideas (on caveat emptor basis) and take orders. Sales desks then communicate their clients' orders to the appropriate trading desks, who can price and execute trades, or structure new products that fit a specific need.

Structuring has been a relatively recent division as derivatives have come into play, with highly technical and numerate employees working on creating complex structured products which typically offer much greater margins and returns than underlying cash securities. The necessity for numerical ability has created jobs for physics and math Ph.D.s who act as quantitative analysts.

Merchant banking is a private equity activity of investment banks.[2] Examples include Goldman

Sachs Capital Partners and JPMorgan One Equity Partners. (Originally, "merchant bank" was the British English term for an investment bank.)

Research is the division which reviews companies and writes reports about their prospects, often with "buy" or "sell" ratings. While the research division generates no revenue, its resources are used to assist traders in trading, the sales force in suggesting ideas to customers, and investment bankers by covering their clients. There is a potential conflict of interest between the investment bank and its analysis in that published analysis can affect the profits of the bank. Therefore in recent years the relationship between investment banking and research has become highly regulated requiring a Chinese wall between public and private functions.

Strategy is the division which advises external as well as internal clients on the strategies that can be adopted in various markets. Ranging from derivatives to specific industries, strategists place companies and industries in a quantitative framework with full consideration of the macroeconomic scene. This strategy often affects the way the firm will operate in the market, the direction it would like to take in terms of its proprietary and flow positions, the suggestions salespersons give to clients, as well as the way structurers create new products.

Middle office

Risk management involves analyzing the market and credit risk that traders are taking onto the balance sheet in conducting their daily trades, and setting limits on the amount of capital that they are able to trade in order to prevent "bad" trades having a detrimental effect to a desk overall. Another key Middle Office role is to ensure that the above mentioned economic risks are captured accurately (as per agreement of commercial terms with the counterparty), correctly (as per standardized booking models in the most appropriate systems) and on time (typically within 30 minutes of trade execution). In recent years the risk of errors has become known as "operational risk" and the assurance Middle Offices provide now includes measures to address this risk. When this assurance is not in place, market and credit risk analysis can be unreliable and open to deliberate manipulation.

Finance areas are responsible for an investment bank's capital management and risk monitoring. By tracking and analyzing the capital flows of the firm, the Finance division is the principal adviser to senior management on essential areas such as controlling the firm's global risk exposure and the profitability and structure of the firm's various businesses. In the United States and United Kingdom, a Financial Controller is a senior position, often reporting to the Chief Financial Officer.

Compliance areas are responsible for an investment bank's daily operations' compliance with FSA or other government regulations and internal regulations. Often also considered a back-office division.

Back Office

Operations involves data-checking trades that have been conducted, ensuring that they are not erroneous, and transacting the required transfers. While some[who?] believe that operations provides the greatest job security and the bleakest career prospects of any division within an investment bank, many banks have outsourced operations. It is, however, a critical part of the bank. Due to increased competition in finance related careers, college degrees are now mandatory at most Tier 1 investment banks.[citation needed] A finance degree has proved significant in understanding the depth of the deals and transactions that occur across all the divisions of the bank.

Technology refers to the IT department. Every major investment bank has considerable amounts of in-house software, created by the Technology team, who are also responsible for Computer and Telecommunications-based support. Technology has changed considerably in the last few years as more sales and trading desks are using electronic trading platforms. These platforms can serve as auto-executed hedging to complex model driven algorithms.

Chinese Wall

An investment bank can also be split into private and public functions with a Chinese wall which separates the two to prevent information from crossing. The private areas of the bank deal with private insider information that may not be public-

ly disclosed, while the public areas such as stock analysis deal with public information.

Possible conflicts of interest

Potential conflicts of interest may arise between different parts of a bank, creating the potential for financial movements that could be market manipulation. Authorities that regulate investment banking (the FSA in the United Kingdom and the SEC in the United States) require that banks impose a Chinese wall which prohibits communication between investment banking on one side and equity research and trading on the other.

Some of the conflicts of interest that can be found in investment banking are listed here:

- Historically, equity research firms were founded and owned by investment banks. One common practice is for equity analysts to initiate coverage on a company in order to develop relationships that lead to highly profitable investment banking business. In the 1990s, many equity researchers allegedly traded positive stock ratings directly for investment banking business. On the flip side of the coin: companies would threaten to divert investment banking business to competitors unless their stock was rated favorably. Politicians acted to pass laws to criminalize such acts. Increased pressure from regulators and a series of lawsuits, settlements, and prosecutions curbed this business to a large extent following the 2001 stock market tumble.[citation needed]
- Many investment banks also own retail brokerages. Also during the 1990s, some retail brokerages sold consumers securities which did not meet their stated risk profile. This behavior may have led to investment banking business or even sales of surplus shares during a public offering to keep public perception of the stock favorable.
- Since investment banks engage heavily in trading for their own account, there is always the temptation or possibility that they might engage in some form of front running. Front running is the illegal practice of a stock broker executing orders on a security for their own account before filling orders previously submitted by their customers, thereby benefiting from any changes in prices induced by those orders ■

The palermo protocols

The United Nations Convention against Transnational Organized Crime (UNTOC) is a 2000 United Nations-sponsored multilateral treaty against transnational organized crime. The Convention was adopted by a resolution of the United Nations General Assembly on 15 November 2000. It is also called the Palermo Convention, and its three supplementary protocols (the Palermo Protocols) are:[1]

Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, especially Women and Children.

Protocol against the Smuggling of Migrants by Land, Sea and Air.

Protocol against the Illicit Manufacturing and Trafficking in Firearms.

آوای بانک

دو ماهنامه تخصصی حوزه بانک، بیمه و بورس

متقاضیان می‌توانند برای دریافت شماره اول، مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان را به شماره حساب ۱-۱۱۳۸۶۸۰۷۷ بانک اقتصاد نوین شعبه غدیر کد ۱۰۱ به نام نیلوفر احدیان پور واریز کرده، سپس با امور مشترکین مجله (۰۲۱ ۷۷۶۵۷۸۰۲) تماس بگیرند و ضمن اعلام شماره فیش واریزی، آدرس دقیق پستی خود را اعلام کنند تا شماره یاد شده با پست سفارشی برایشان ارسال گردد.



Investment Banking and its functions



Professor Emeritus of California State University and executive consultant to world bank group M.T.Vaziri

- A majority of investment banks offer strategic advisory services for mergers, acquisitions, divestiture or other financial services for clients, such as the trading of derivatives, fixed income, foreign exchange, commodity, and equity securities.
- Trading securities for cash or securities (i.e., facilitating transactions, market-making), or the promotion of securities (i.e., underwriting, research, etc.) is referred to as the "sell side."
- Dealing with the pension funds, mutual funds, hedge funds, and the investing public who consume the products and services of the sell-side in order to maximize their return on investment constitutes the "buy side". Many firms have buy and sell side components.
- An investment bank is split into the so-called Front Office, Middle Office, and Back Office.

Front office

Investment banking is the traditional aspect of investment banks which involves helping customers raise funds in the Capital Markets and advising on mergers and acquisitions. These jobs tend to be extremely competitive and difficult to land. Investment banking may involve subscribing investors to a security issuance, coordinating with bidders, or negotiating with a merger target. Other terms for the investment banking division include mergers and acquisitions (M&A) and corporate finance. The investment banking division (IBD) is generally divided into industry coverage and product coverage groups. Industry coverage groups focus on a specific industry such as healthcare, industrials, or technology, and maintain relationships with corporations within the industry to bring in business for a bank. Product coverage groups focus on financial products, such as mergers and acquisitions, leveraged finance, equity, and high-grade debt. Investment management is the professional management of various securities (shares, bonds, etc.) and other assets (e.g. real estate), to meet spec-

The main activities and Investment banks

- On behalf of the bank and its clients, the primary function of the bank is buying and selling products. Banks undertake risk through proprietary trading, done by a special set of traders who do not interface with clients and through Principal Risk, risk undertaken by a trader after he buys or sells a product to a client and does not hedge his total exposure. Banks seek to maximize profitability for a given amount of risk on their balance sheet.
- Investment banks help companies and governments raise money by issuing and selling securities in the capital markets (both equity and bond), as well as providing advice on transactions such as mergers and acquisitions. Until the late 1980s, the United States and Canada maintained a separation between investment banking and commercial banks.

مبارکبادت ایس سال و ہمہ سال

نوروز ۱۳۹۸ مبارک

حسرت حال
حوصلہ حال
محوں کو حوا والا
لکھنؤ والی
یا مصلحت کو بیا
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

